



ایران نیازمند به راهبرد
مشخص در حوزه حقوق
بین‌الملل است



تضعیف حاکمیت ملی و اخبار
جعلی مهمترین چالش‌های
حکمرانی فضای مجازی



قوه قضاییه موظف است
حقوق ضعیفان را شناسایی
و استیفاء نماید

دکتر کدخدایی:

قانون اساسی، دولت مدرن را بر اساس آموزه‌های اسلامی پیش‌بینی کرده است

در این شماره می‌خوانید:

۵۴ آموزش قانون اساسی به کودکان و نوجوانان؛ کلید تربیت شهروندان آگاه و مسئول

۵۸ انطباق یا عدم مغایرت؟ جدال تفسیری اعضای شورای نگهبان در مسیر قانون‌گذاری

۸۲ دادگاه قانون اساسی لبنان؛ ساختار، صلاحیت‌ها، چالش‌ها و نقش آن در نظام حقوقی

۸۶ آیت‌الله مؤمن؛ شاگرد امام، همراه انقلاب، مدافع قانون

۹۴ تازه‌های نشر در انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

■ «یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام، انتشار مذاکرات شورا است. این خیلی چیز خوبی است. فرض بفرمایید در قانون مجازات، ماده‌ی چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد؛ خیلی خوب است که در انتشار مذاکرات، این نظرات مخالف ذکر بشود. این می‌شود یک مستندی؛ این یک سابقه‌ای است. این سوابق، مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این مبنا مثلاً در پنجاه سال پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها درآمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه‌ی تقویت علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشار مذاکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با
اعضای شورای نگهبان ۱۳۹۲/۰۸/۰۸





فهرست مطالب

سرمقاله ۶ | سخن سردبیر ۷



دانش خبر.....۸

بازدید اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق از پژوهشکده شورای نگهبان ۸ | حضور رییس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه در جلسه مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان ۹ | بررسی ابعاد مختلف لایحه بودجه ۱۴۰۴ در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۰ | بررسی ۱۱ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۰ | بررسی «طرح تنقیح و تدوین قانون جامع سلامت» در جلسه مجمع مشورتی حقوقی ۱۱ | انتشار نظرات استدلالی شورای نگهبان درباره ۳ مصوبه ۱۲ | کتاب دو جلدی «محشای قانون اساسی» تجدید چاپ شد ۱۲ | نشست نقد کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران» ۱۳ | امضای تفاهمنامه همکاری پژوهشکده شورای نگهبان و سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران ۱۴ | برگزاری سومین جلسه هیئت تحریریه فصلنامه دانش حقوق عمومی ۱۴ | نشست علمی «یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و نسبت آن با قانون اساسی» برگزار شد ۱۵



قلمرو قانون.....۱۶

ضرورت اصلاح قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس برای مشمول شدن وزرا ۱۶ |

سال اول، شماره سوم، بهمن ماه ۱۴۰۳، ۱۰۰ صفحه

صاحب امتیاز: پژوهشکده شورای نگهبان

مدیرمسئول و سردبیر: محمد سلیمانی درچه

دبیر تحریریه: محمدحسن ابوالحسنی

تحریریه: علیرضا کریمخانی،

علیرضا مزینانی،

ابوالفضل کندری،

محمد خزایی،

علی کمالی،

محمدعلی صدراپی

چاپ و فنی: سید محمدرضا سید علیخانی

عکس: فرزاد صابر

با تشکر از: محمدرضا آقابابایی،

محسن ابوالحسنی،

محمدرضا فارسیان،

محمدصادق فراهانی،

کاظم کوهی اصفهانی

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی(ره)،

خیابان سرافراز، کوچه پنجم،

پلاک ۱۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۰۰۷۰

پایگاه اینترنتی: www.ccri.ac.ir

فهرست مطالب

کارنامه ۵۴

آموزش قانون اساسی به کودکان و نوجوانان:
کلید تربیت شهروندان آگاه و مسئول ۵۴

دفتر مذاکرات ۵۸

انطباق یا عدم مغایرت؟ جدال تفسیری اعضای شورای
نگهبان در مسیر قانون گذاری ۵۸

زمانه ۷۸

امنیت، قانون و نظم؛ مأموریت تاریخی
شورای انقلاب ۷۸

پاسداران عدالت ۷۸

دادگاه قانون اساسی لبنان: ساختار،
صلاحیت‌ها، چالش‌ها و نقش آن در نظام
حقوقی ۸۲

باد ۸۲

آیت‌الله مؤمن؛ شاگرد امام، همراه انقلاب،
مدافع قانون ۸۶

تازه‌ها ۹۰

حقوق مالی ۹۴ | رویه‌های شورای نگهبان
۹۶ | سیاست خارجی و قانون اساسی ۹۷ |
ریاست جمهوری در قانون اساسی ۹۸

از وتوی جمهوریت تا کودتا علیه قانون ۱۸
| تجارب اندوخته حکمرانی؛ حلقه گمشده
در تنظیم نسبت میان مجلس و نهادهای
هنجارگذار عالی ۲۰ | شهید بهشتی و اتهام
ایجاد تمرکز قدرت در روحانیون؛ از ادعا تا
واقعیت ۲۵ | بودجه و حقوق ملت؛ چگونه
شورای نگهبان از تضییع حقوق مردم در
بودجه ۱۴۰۴ جلوگیری کرد؟ ۳۰

محل اندیشه ۳۴

دکتر کدخدایی: قانون اساسی، دولت مدرن را بر
اساس آموزه‌های اسلامی پیش‌بینی کرده است/
دکتر طحان نظیف: زمینه حکمرانی اسلامی در
ایران را قانون اساسی فراهم کرد ۳۴ | عسکری:
سازمان ملل، حافظ هژمونی فاتحان جنگ جهانی
دوم است/ پیری: ایران نیازمند به راهبرد مشخص
در حوزه حقوق بین‌الملل است/ مومنی‌راد: در حال
فروپاشی نظری تمدن غرب هستیم ۴۰ | از
نظریه نصب تا تحقق ولایت، ارزیابی نقش مردم در
فرآیند اعمال حاکمیت ۴۲ | فیروز آبادی: تضعیف
حاکمیت ملی، اخبار جعلی، خدشه به امنیت و
حریم خصوصی مهمترین چالش‌های حکمرانی
فضای مجازی است ۴۵ | آیت‌الله کعبی: قوه
قضائیه موظف است حقوق ضعیفان را شناسایی
و استیفاء نماید ۴۸ | مرادخانی: وجه حقوقی
مشروطیت، تاکنون تبیین نشده است/ حسانی:
نویسنده باید بی‌طرفی خود را در بررسی حوادث
مختلف تاریخی حفظ کند ۵۱

تصمیم‌سازی علمی مقدمه واجب حکمرانی خردمندانه



علی فتاحی زرفندی؛
قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور بر پایه اصول عدالت، عقلانیت، و بهره‌گیری از دانش و علم برای تحقق اهداف خود مسیر حکمرانی خردمندانه را پیش‌بینی نموده است. در راستای تحقق اهداف عالی و میانی مقرر در قانون اساسی از جمله عدالت، استقلال، همبستگی ملی و رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی، ساختارها و نهادهای اساسی مکلف به اتخاذ تصمیمات در شرایط گوناگون می‌باشند. تصمیماتی که در صورت ابتدای بر ظرفیت‌های علمی و کارشناسی و در نظر گرفتن شرایط و اقتضات، موجب رشد و تعالی نظام سیاسی می‌گردد و در غیر این‌صورت موجب اختلال در حرکت نظام سیاسی شده و در نتیجه به ناکارآمدی، هدررفت منابع و عدم تحقق اهداف کلان مذکور در قانون اساسی منجر خواهد شد. از این رو، تصمیم‌گیری در مواجهه با این چالش‌های پیچیده حکمرانی امروز در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی؛ نیازمند تکیه بر روش‌های علمی و تحلیل‌های دقیق است. در همین راستا است که تصمیم‌سازی علمی به‌عنوان رویکردی مبتنی بر داده‌ها و تحلیل‌های دقیق و موضوع‌شناسی درست، نقش کلیدی در تحقق حکمرانی خردمندانه ایفا می‌کند. این امر نشان‌گر تأثیر و نقش راهبردی نهادهای پژوهشی تصمیم‌ساز در نهادینه‌سازی تصمیم‌سازی علمی و تطابق سیاست‌گذاری‌ها با قانون اساسی است.

پژوهشکده‌ی شورای نگهبان به‌عنوان بازوی پژوهشی و کارشناسی شورای نگهبان در راستای ایفای نقش تصمیم‌سازی برای این نهاد در انجام وظایف مذکور در قانون اساسی به‌ویژه بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی از حیث عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طراحی و تأسیس شده است. در این راستا یکی از وظایف ذاتی پژوهشکده به پشتیبانی کارشناسی از جلسات شورای نگهبان در فرآیند بررسی مصوبات مجلس اختصاص یافته است که مبتنی بر آن پژوهشکده با فراهم‌سازی مبنای علمی و ارائه تحلیل‌های مبتنی بر داده، بستری مناسب برای تصمیم‌گیری شورای نگهبان فراهم می‌کند. فرآیند بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی در پژوهشکده شورای نگهبان از دو حیث بررسی کارشناسی عدم مغایرت با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و موضوع‌شناسی مصوبات صورت می‌گیرد. در این خصوص همزمان با فرآیند تصویب مصوبه در مجلس شورای اسلامی بررسی‌های کارشناسی در قالب برگزاری جلسات تخصصی با نهادهای مربوطه، ذینفعان، طراحان طرح یا لایحه آغاز می‌گردد. در این فرآیند رویکردهای گوناگون نسبت به مصوبات مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ موضوع‌شناسی ابعاد تخصصی یک مصوبه انجام می‌شود؛ رویه‌های شورای نگهبان در طول بیش از چهار دهه گذشته در موضوعات مرتبط با مصوبه ارزیابی می‌شود و در نهایت گزارشی در قالب دو بخش کلیات و جزئیات که شامل نکات تحلیل کلی مصوبه و تحلیل ماده به ماده می‌باشد، در اختیار اعضای شورای نگهبان قرار می‌گیرد تا تصمیمات این نهاد مبتنی بر کارشناسی‌های پیشین و با توجه به تمام ابعاد موضوع صورت پذیرد. مبتنی بر آنچه بیان گردید شورای نگهبان با شناخت نقش عمیق و تاثیرگذار نهاد علمی تصمیم‌ساز و با بهره‌گیری از این ظرفیت در مسیر تعالی حکمرانی به سمت حکمرانی خردمندانه حرکت نموده است. برای نمونه بیش از دو هزار صفحه گزارش در حوزه بررسی مصوبات مجلس در سال ۱۴۰۲ نشانگر اهتمام این نهاد به ضرورت کار کارشناسی در حوزه تصمیم‌سازی است.

پژوهشگران در عصر دیجیتال؛ دیده شوید یا محو شوید!

محمد سلیمانی درجه
مدیرمسئول و سردبیر



در عصر دیجیتال، رسانه‌ها به ابزاری قدرتمند برای انتشار و ترویج پژوهش‌ها تبدیل شده‌اند و با فراهم کردن دسترسی سریع و گسترده، نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی ایفا می‌کنند. پلتفرم‌هایی مانند توئیتر، لینکدین، ریسرچگیت و پیام‌رسان‌های داخلی امکان به‌اشتراک‌گذاری سریع یافته‌های علمی را فراهم کرده و موجب افزایش استنادها و توجه عمومی به پژوهش‌ها می‌شوند. با این حال، در کنار این فرصت‌ها، خطر انتشار اطلاعات نادرست یا تحریف‌شده نیز وجود دارد. همچنین، رسانه‌ها با ساده‌سازی زبان علمی، فهم موضوعات پیچیده را برای عموم تسهیل می‌کنند. در این یادداشت، به بررسی نقش رسانه در پژوهش و ارائه توصیه‌هایی به پژوهشگران برای بهره‌برداری مؤثر از این ابزار می‌پردازیم:

با وجود مزایای فراوان، ارتباط رسانه و پژوهش با چالش‌هایی همراه است. یکی از این چالش‌ها، انتشار اطلاعات نادرست یا اغراق‌آمیز است. گاهی اوقات، رسانه‌ها برای جذب مخاطب، پژوهش‌ها را به صورت نادرست یا غیردقیق ارائه می‌دهند. این موضوع می‌تواند به سوءتفاهم عمومی و حتی تأثیر منفی بر اعتبار پژوهشگران منجر شود. همچنین، رسانه‌ها ممکن است با تأکید بر برخی جنبه‌های خاص، سوگیری‌هایی را در درک عمومی ایجاد کنند.

برای بهره‌برداری مؤثر از رسانه‌ها و مقابله با چالش‌های مرتبط، پژوهشگران می‌توانند از راهکارهای زیر استفاده کنند:

۱. **استفاده فعال از رسانه‌های اجتماعی:** متأسفانه بسیاری از پژوهشگران ما با شبکه‌های اجتماعی نامأنوسند و یا کاربری صرفاً شخصی برای تبادل فایل یا پیام با دیگران را دارند. ایجاد پروفایل‌های حرفه‌ای و به‌اشتراک‌گذاری پژوهش‌ها در پلتفرم‌های ساده و پرمخاطب مانند توئیتر و لینکدین یا ایجاد کانال‌های شخصی در پیام‌رسان‌های پرکاربر داخلی مانند بله و ایتا، می‌تواند به افزایش ضریب انتشار و تأثیر پژوهش کمک کند.

۲. **ساده‌سازی زبان علمی:** اغلب پژوهش‌های علمی و حقوقی دارای زبانی پیچیده و خشک هستند که فهم مطالب را برای مخاطبان عمومی دشوار می‌نماید. پژوهشگران باید بتوانند یافته‌های خود را به زبانی ساده و قابل فهم برای عموم مردم و رسانه‌ها بیان کنند.

۳. **انتشار در پلتفرم‌های دسترسی آزاد:** بسیاری از پژوهشگران تصور می‌کنند که با چاپ پژوهش‌هایشان در کتب و فصلنامه‌های علمی یا گزارش‌های پژوهشی دستگاه‌ها، مسئولیت خود را به طور کامل ایفا کرده‌اند و مخاطبان با جستجوی مطالب به نتایج مورد نظر خواهند رسید. این اقدامات کافی نیست. پژوهش‌ها باید در ژورنال‌های Open Access و مخازن آنلاین نیز انتشار یابد تا دسترسی به دانش را برای همه و در سراسر جهان فراهم کند.

۴. **پایش انتشار پژوهش:** در بسیاری از اوقات، رسانه‌ها پژوهش‌های علمی را با سوگیری‌های سیاسی خود منتشر می‌کنند. برخی بخش‌ها را برجسته و اغراق‌آمیز منتشر می‌کنند و برخی بخش‌های دیگر را ضریب کمتری می‌دهند. همین امر باعث می‌شود نتایج پژوهش‌ها در رسانه‌ها بصورت ناقص یا نادرست منتشر شود. در نتیجه پژوهشگران باید نحوه انتشار پژوهش خود در رسانه‌ها را پایش کنند و در صورت وجود اطلاعات نادرست، به سرعت اقدام به تصحیح آن کنند.

۵. **همکاری با رسانه‌های معتبر و تخصصی:** اغلب پژوهشگران فاقد هرگونه ارتباط و همکاری با رسانه‌های عمومی و تخصصی معتبر در داخل و خارج هستند و تعداد معدودی از اساتید و پژوهشگران هستند که دیدگاه‌های علمی آنها در خبرگزاری‌ها و مطبوعات منعکس می‌شود. همکاری با رسانه‌های علمی و عمومی معتبر، به انتشار دقیق و گسترده پژوهش‌ها کمک می‌کند و بر وزن علمی تحلیل‌های رسانه‌ای نیز می‌افزاید.

لذا رسانه‌ها به‌عنوان پلی بین پژوهش و جامعه، نقش حیاتی در پیشبرد علم و افزایش آگاهی عمومی ایفا می‌کنند. پژوهشگران با استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها و رعایت اصول حرفه‌ای و ارتباطی، می‌توانند تأثیر پژوهش‌های خود را به‌طور قابل توجهی افزایش دهند. این کار نه تنها به پیشرفت علمی کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش مشارکت جامعه در فرآیندهای علمی و تصمیم‌گیری‌های سیاستی می‌شود. در نهایت، تعامل سازنده بین رسانه و پژوهش، کلید دستیابی به جامعه‌ای آگاه و دانش‌محور است.

دانش‌خبر



بازدید اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق از پژوهشکده شورای نگهبان



چهارشنبه ۲۸ آذرماه جمعی از اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق با حضور در پژوهشکده شورای نگهبان، ضمن بازدید از نمایشگاه کتاب و تولیدات علمی و پژوهشی پژوهشکده، در جلسه‌ای که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان و دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان تشکیل شد شرکت کردند و با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه و وظایف شورای نگهبان آشنا شدند.



حضور رییس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه در جلسه مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان



مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان با حضور اعضای حقوقدان شورای نگهبان، رییس کمیسیون تلفیق لایحه برنامه و بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور و مدیرکل امور مجلس و دولت بانک مرکزی در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

گفتنی است جلسات مجمع مشورتی حقوقی برای بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴ در روزهای یکشنبه نهم، شانزدهم و سیام دی ماه ۱۴۰۳ نیز با حضور جمعی از حقوقدانان شورای نگهبان و کارشناسان دستگاههای اجرایی مرتبط ادامه داشت.



تورمی لایحه بودجه، ابعاد مختلف تسهیلات تکلیفی لایحه بودجه به بانکها، شفافیت منابع و مصارف در لایحه بودجه و کسر بودجه به بحث و تبادل نظر پرداختند و رییس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه و همچنین مدیرکل امور مجلس و دولت بانک مرکزی به سؤالات و ابهامات مطرح شده از سوی اعضای مجمع مشورتی حقوقی در باره لایحه بودجه ۱۴۰۴ کشور پاسخ دادند.

در جلسه یکشنبه دوم دی ماه ۱۴۰۳ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان که با حضور آقایان کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ مولابیگی، عضو حقوقدان شورای نگهبان، طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان، تاجگردون، رییس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۴ کشور؛ ذاکری، مدیرکل امور مجلس و دولت بانک مرکزی و جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان تشکیل شد، «لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور» بررسی شد.



در این جلسه حاضران با بررسی «لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور» که در صحن مجلس به تصویب نمایندگان رسیده است درباره موضوعاتی نظیر آثار

بررسی ابعاد مختلف لایحه بودجه ۱۴۰۴ در پژوهشکده شورای نگهبان



کارشناس حقوقی دبیرخانه برگزار شد. در این جلسه که با موضوع بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور برگزار شد، به طور تخصصی مسائل مربوط به اوراق اسلامی، عقود پشتیبان این اوراق و وضعیت شرعی آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نهادهای متولی اشتغال‌زایی و عملکرد تسهیلات اشتغال برای کارشناسان پژوهشکده تبیین شد. در تاریخ ۱۰ دی ماه، نیز جلسه‌ای با دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی و با حضور آقای دکتر حسین میثمی، دبیر شورای فقهی، آقای دکتر علی نظری، معاون دبیر و خانم بیدخوری،

پژوهشکده شورای نگهبان ۴ دی ماه میزبان آقای قاسم رستم‌پور، رئیس دبیرخانه شورای عالی اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود تا نکات این نهاد درباره بودجه سال ۱۴۰۴ دریافت و بررسی شود. در این جلسه تبصره ۱۵ لایحه بودجه ۱۴۰۴ بررسی شد و مسائل مختلفی پیرامون



بررسی ۱۱ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان



درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله منابع طبیعی، آموزش عالی، مالیات، بیمه، پست، موضوعات مختلف مربوط به شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا و موضوعات اداری و استخدامی بوده است.

کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان در دی‌ماه ۱۱ گزارش راجع به استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری پیرامون پرونده‌های دارای شکایت شرعی تهیه و به فقهای شورای نگهبان ارائه کردند. این گزارش‌ها

بررسی «طرح تنقیح و تدوین قانون جامع سلامت» در جلسه مجمع مشورتی حقوقی



حقوقدان شورای نگهبان ضمن تشکر از همت مجلس شورای اسلامی در راستای تدوین قوانین جامع و اجرایی کردن سیاست‌های کلی قانونگذاری، سوالاتی درباره روند تدوین و تصویب این طرح در مجلس شورای اسلامی مطرح کردند و با اشاره به اینکه تصویب قانون جامع سلامت اولین گام در مسیر تصویب قوانین جامع سایر حوزه‌هاست بر ضرورت دقت در بررسی این قانون تاکید کردند. چگونگی دسته‌بندی قوانین، روش تعیین قوانین معتبر و نامعتبر، فرایند انجام تغییرات شکلی در قوانین از جمله سوالاتی بود که از سوی اعضای حقوقدان شورای نگهبان مطرح شد و کارشناسان جلسه به این سؤالات پاسخ دادند.

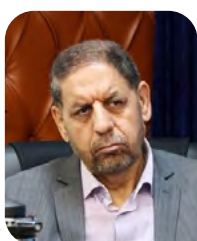
العالی) به تصویب رسیده است و اولین گام در راه تصویب قوانین جامع است، توضیحاتی درباره روند تدوین و تصویب این طرح ارائه داد.

در ادامه جلسه دکتر محسن نجفی خواه، ضمن ارائه تاریخچه‌ای از تنقیح قوانین در ایران و سایر کشورها و نیز تبیین تاریخی مفهوم عبارت «قانون جامع»، آماری از تعداد عناوین قوانین مربوط به حوزه سلامت ارائه داد و به کاهش چشمگیر این عناوین در قانون جامع سلامت اشاره کرد و افزود: این کاهش از طریق تنقیح قوانین و به دنبال حذف قوانین نامعتبر و نیز قوانین نسخ شده صورت گرفته است.

پس از توضیحات میهمانان جلسه مجمع مشورتی، اعضای

در جلسه یکشنبه ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۳ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر پروین، دکتر مولابیگی و دکتر طحان نظیف، اعضای حقوقدان شورای نگهبان؛ دکتر بهزاد پورسید، دکتر محسن نجفی خواه، دکتر عبدالصالح شاهنوش فروشانی از متولیان تهیه مصوبه فوق و جمعی از پژوهشگران تشکیل شد، «طرح تنقیح و تدوین قانون جامع سلامت» بررسی شد.

در این جلسه ابتدا دکتر پورسید، با تاکید بر اینکه «طرح تنقیح و تدوین قانون جامع سلامت» در راستای اجرای سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مد ظله



انتشار نظرات استدلالی شورای نگهبان درباره ۳ مصوبه



در دی ماه ۳ گزارش مبانی نظرات شورای نگهبان تحت عنوان نظرات استدلالی بررسی مشروح مذاکرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مختلف تهیه و منتشر شد.

۱. اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی سرخس (مرحله دوم)
۲. لایحه یادداشت تعهدات جمهوری اسلامی ایران در راستای کسب جایگاه دولت عضو در سازمان همکاری شانگهای
۳. طرح اصلاح موادی از قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان

این گزارشات علاوه بر انتشار در درگاه رسمی شورای نگهبان یعنی «سامانه جامع نظرات شورای نگهبان»، برای نهادهای مختلف کشور از جمله مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد. عناوین گزارش‌های نظرات استدلالی در ماه گذشته به شرح زیر است:



کتاب دوجلدی «محشای قانون اساسی» تجدید چاپ شد



مجموعه دوجلدی «محشای قانون اساسی» از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان تجدید چاپ شد.

قانون اساسی و «معرفی منابع پژوهشی برای مطالعه بیشتر» مورد بررسی و تتبع قرار گرفته است.

و حقوقی تقنین»، «بررسی ابعاد تطبیقی اصل در دیگر نظامات حقوقی»، «نحوه انعکاس اصل در قوانین عادی»، «نظرات شورای نگهبان حول اصول

در این مجموعه دوجلدی هر یک از اصول قانون اساسی از جهات مختلف از جمله «زمینه‌های تاریخی و سیاسی اساسی‌سازی»، «مبانی فقهی

این جامعیت در کنار رعایت اختصار در تشریح مطالب کلیدی هر اصل، ضمن اینکه بینش مخاطبان را در حوزه حقوق اساسی ارتقا می‌دهد، اثر تألیفی مزبور را نسبت به آثار مشابه متمایز می‌کند. جلد نخست این مجموعه از مقدمه قانون اساسی آغاز می‌شود و تا اصل نودم (۹۰) ادامه می‌یابد و در جلد دوم از اصل نود و یکم (۹۱) تا یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی (۱۷۷) از سوی جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان تبیین و تشریح شده است. جلد نخست این کتاب در ۵۵۸ صفحه و با قیمت ۳۲۰ هزار تومان و جلد دوم این اثر در ۴۵۹ صفحه و با قیمت ۲۸۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان تجدید چاپ شده است و علاقه مندان می‌توانند جهت تهیه آن به فروشگاه اینترنتی انتشارات به نشانی nashr-rc.ir مراجعه نمایند.



نشست نقد کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران»



در ادامه سلسله نشست‌های علمی نقد کتاب، کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران» با حضور دکتر فردین مرادخانی، نویسنده کتاب و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا برگزار شد.

دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر رضا احسانی، پژوهشگر حوزه قانون‌پژوهی و قاضی دادگستری به نقد کتاب یادشده پرداختند.

در این نشست مجازی که روز چهارشنبه ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد، دکتر قدرت‌الله رحمانی، عضو هیئت علمی

امضای تفاهمنامه همکاری پژوهشکده شورای نگهبان و سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران



پژوهشکده شورای نگهبان و سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران به منظور تحقق اهدافی از جمله گسترش همکاری‌های فنی و استفاده بهینه از امکانات، تجهیزات و ظرفیت‌های طرفین، تفاهمنامه همکاری امضا کردند.



در نشستی که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان و دکتر محمد محسن صدر، رئیس سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران در محل پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد، درباره چگونگی همکاری این دو مجموعه علمی تبادل نظر شد و تفاهمنامه همکاری بین این دو مجموعه امضا شد.

برگزاری سومین جلسه هیئت تحریریه فصلنامه دانش حقوق عمومی



سومین جلسه هیئت تحریریه فصلنامه دانش حقوق عمومی در سال ۱۴۰۳ برگزار شد و مقالاتی که به تأیید داوران رسیده بود در این جلسه بررسی شدند.

عمومی، کسب رتبه «الف» توسط این فصلنامه از کمیسیون نشریات دفتر سیاستگذاری و

و دکتر فتاحی برگزار شد، ابتدا دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و مدیرمسئول فصلنامه دانش حقوق

در این جلسه که با حضور آقایان دکتر کدخدایی، دکتر ویژه، دکتر رستمی، دکتر اصلانی



برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را تبریک گفت و این موفقیت را حاصل زحمات هیئت تحریریه، داوران و سایر دست‌اندرکاران فصلنامه دانست و در ادامه جلسه، مقالات ارزیابی شده توسط داوران بررسی شدند.

تأیید شده‌اند در شماره ۴۶ و ۴۷ این فصلنامه منتشر خواهند شد. تعدادی از مقالات تأیید شده هم با توجه به ضوابط وزارت علوم در صف انتشار قرار گرفته‌اند.

شدند و برخی مقالات نیازمند اصلاح دانسته شدند و مقالات باقی‌مانده نیز در جلسه آتی هیئت تحریریه بررسی خواهند شد. مقالاتی که توسط هیئت تحریریه

در این جلسه هیئت تحریریه، ۱۴ مقاله که در مرحله داوری تأیید شده بودند در دستور کار قرار داشتند که از این ۱۴ مقاله، ۱۲ مقاله بررسی و ۸ مقاله تأیید

نشست علمی «یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و نسبت آن با قانون اساسی» برگزار شد



پنجمین نشست از سلسله نشست‌های خانه ملی گفت‌وگوی حقوق اساسی، با موضوع «یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و نسبت آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» روز دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۴۰۳ به همت پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

برآمده از سازکارهای یکجانبه بین‌المللی» و دکتر مهدی پیری دمق، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران درباره «رویه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با یکجانبه‌گرایی بین‌المللی» به سخنرانی پرداختند.

در این نشست دکتر پوریا عسکری، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در خصوص «یکجانبه‌گرایی و ضابطه‌سازی»، دکتر احمد مومنی‌راد، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در زمینه «ماهیت



قلمرو قانون؛



تفسیرها، تحلیل‌ها و اندیشه‌های حقوقی راهگشا

ضرورت اصلاح قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس برای مشمول شدن وزرا



حمید فعلی

پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

این روزها در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور بازهم سؤالی در مورد شمول یا عدم شمول «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» مصوب ۱۴۰۱ نسبت به وزرا مطرح شده است. با توجه به محدودیت‌ها و ملاک‌هایی که در این قانون برای انتصاب مقامات سیاسی وجود دارد پاسخ به این سؤال اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

برخی مقامات از جمله معاون رئیس جمهور را ذکر کرده و نسبت به برخی دیگر تصریح نکرده است اما از عنوان مشاغل همتراز مشاغل ذکر شده استفاده کرده است. بر این اساس با قرینه «همترازان آن‌ها در وزارتخانه‌ها» در این ماده ممکن است گفته شود که وزیر همتراز معاون رئیس جمهور بوده و مشمول این

مطابق ماده (۱) قانون فوق کلیه دستگاه‌ها مکلفند برای انتصاب مشمولین این قانون از مراجع سه‌گانه شامل وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و قوه قضائیه نسبت به شرایط ماده (۲) از جمله تابعیت مضاعف خود، فرزندان و همسران استعلام نمایند. ماده (۴) قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس

رئیس جمهور در قانون اساسی می‌داند. لذا حذف تبصره مزبور که رئیس جمهور را صرفاً مکلف می‌کرد که استعلام وزرای مورد نظرش را قبل از معرفی به مجلس از مراجع سه‌گانه بگیرد ضرورتی نداشت و با تصریح به عدم الزام رئیس جمهور به اعمال این استعلامات در زمان انتصاب پس از رأی اعتماد مجلس، اشکال مورد نظر شورا رفع می‌شد. بنابراین نه تنها تصریح این ابهام در نظر شورا به معنی مخالفت شورا با الزام به استعلام صرف نیست، بلکه با نظرات استدلالی نتیجه عکس می‌دهد.

ما حاصل بررسی دو دسته استدلال فوق نشان می‌دهد اگرچه منطقیاً ضرورت داشت استعلام‌های لازم نسبت به وزرا مانند سایر مقامات هم‌تراز آن‌ها گرفته شود، اما نحوه اصلاح مصوبه توسط مجلس، عدم شمول حکم این قانون نسبت به وزرا را ایجاب می‌کند. بنابراین ضرورت دارد صرف استعلام و نه انتصاب وزرا توسط رئیس جمهور به جهت عدم مخالفت با قانون اساسی و بلکه مبتنی بر مسئولیت داشتن رئیس جمهور و وزرا در برابر مجلس در اصول ۱۲۲ و ۱۳۷ قانون اساسی، در قانون فوق درج بشود و تبصره (۵) ماده (۱) آن با تصریح به تکلیف رئیس جمهور به استعلام پیش از معرفی وزرا به مجلس و عدم تکلیف وی به اعمال نتیجه استعلام در زمان انتصاب وزرا اصلاح شود. اینگونه مجلس نیز می‌تواند در رأی اعتماد خود به وزاری معرفی شده وجود شرایط ماده (۲) این قانون را در وزرا بسنجد.

قانون است و لذا باید در مورد انتصاب وزیر نیز استعلام مزبور صورت گیرد.

در پاسخ نظر فوق گفته می‌شود که تبصره (۵) ماده (۱) قانون فوق تصریح کرده است که استعلام و انتصاب مقاماتی که در قانون اساسی تشریفات خاصی برای آن پیش‌بینی شده منوط به تصمیم مقام منصوب کننده خواهد بود. از جمله مهم‌ترین مصادیق مقامی که تشریفات برای انتصابشان در قانون اساسی مقرر شده است وزرا هستند که مبتنی بر اصل ۱۳۳ اخذ رأی اعتماد در مجلس تشریفات مورد نظر مقنن در حکم فوق است. شورای نگهبان نیز در زمان تصویب این قانون، ابهامی نسبت به مصوبه مجلس وارد کرد در مورد حکمی که رئیس جمهور را ملزم به استعلام از مراجع سه‌گانه در مورد وزرا پیش از معرفی به مجلس برای رأی اعتماد کرده بود، در حالی که منصوبین دارای تشریفات در قانون اساسی از شمول قانون مستثنا شده بودند. در نظرات استدلالی مستنبط از مشروح مذاکرات شورا نیز در صورت شمول نسبت به وزرا مغایرت با اصل ۸۷ [به تعبیر دقیق‌تر اصل ۱۳۳] مطرح شده بود.

در مقابل گفته می‌شود هرچند مشاغل دارای تشریفات خاص در قانون اساسی شامل وزراست، اما استدلال‌های شورا ذیل تبصره (۴) حذف شده از ماده (۱) الزام رئیس جمهور به اخذ استعلام را فی نفسه مغایر اصل ۸۷ نمی‌داند، بلکه الزام رئیس جمهور به عدم انتصاب با وجود استعلام منفی را مغایر این اختیار



از توی جمهوریت تا کودتا علیه قانون



دکتر حامد نیکونهاد

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی



برای جوانان امروز و خردسالان دیروز و نسل آتی که در حال و هوای کودتا علیه جمهوریت نظام در سال ۱۳۸۸ نبودند و ندیدند مدعیان دموکراسی، آزادی و حاکمیت قانون چطور زورمدارانه و ریاکارانه بر صندوق انتخابات و رأی مردم و قانون شوریدند، نشان دادن عظمت یوم الله ۹ دی ضروری است. (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ)

خود در خیابان‌ها در سراسر کشور و در چند روز متوالی آفریدند تا برای همیشه، کودتا علیه قانون و رأی و انتخاب مردم در عرصه حکمرانی جمهوری اسلامی مطرود و مردود شناخته شود.

۹ دی در سال ۱۳۸۸ نقطه پایانی بود بر حدود ۸ ماه آشوبگری ذهنی و عینی علیه اراده و انتخاب مردم. حماسه‌ای که مردم بصیر و صبور و زمان شناس ایران اسلامی با حضور خودجوش، پرمعنا و حیرت برانگیز

و دل جوانان علاقه‌مند به سرنوشت و آینده مملکتشان و ایجاد یأس و ناامیدی از طریق شبهه‌افکنی و دروغ‌پراکنی در میان توده ملت بود.

در چنین فضای غبارآلود ذهنی و محیط آلوده به انواع تردیدها و غفلت‌ها و ناامیدی‌ها است که نقش‌آفرینی آگاهانه و آزادانه افراد به محاق می‌رود و کاسبان آشوب، ماهی دلخواه را از آب گل‌آلود صید می‌کنند.

امروز هم تعجبی ندارد که دنباله‌روهای خودعالم‌پندار آن‌ها با کمال وقاحت، از کودتا علیه قانون حمایت کنند. طبیعی است که امتداد مسیر وتوی رأی مردم در انتخابات ۱۳۸۸ منتهی شود به تحریم انتخابات در اسفند ۱۴۰۲ و گردن‌فرازی در برابر قانون در ۱۴۰۳. همانطور که هزینه‌ی شکستن حرمت رأی ملت در سال ۱۳۸۸ از جیب ملت پرداخت شد، دود کودتا علیه قانون نیز جز به چشمان ملت نخواهد رفت.

نیک می‌دانیم به اغتشاش کشیدن ذهن و دل جوانان و دل‌سرد کردن آنها نسبت به آینده روشن و بن‌بست‌نمایی از اوضاع کشور، همه و همه مخرج مشترک این توطئه‌ها علیه ملت مقاوم ماست.

همچون خرمشهرها، ۹ دی‌ها هم در پیش است.

در آن ایام ملت مؤمن و رشید ایران با توجه به هدایت‌های حکیمانه رهبر و امام خود، به نیکی دریافت که اختلاف و دعوای پیش آمده، بر سر شمارش آرا یا تخلفات احتمالی و یا نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دهم نیست. بلکه جریان پرادعا و پرسروصدایی شکل گرفته که می‌رود تا اصل و اساس جمهوری اسلامی را نشانه بگیرد؛ جریان دیکتاتورمآبی و جمهوری‌یت زدایی، در پی آن است تا مشارکت آزادانه و آگاهانه و قانونمدار مردم در تعیین سرنوشت و نیز تأثیرگذاری معنادار و تعیین‌کننده رأی ملت مسلمان بر مقدرات کشور را، با تمسک به زر و زور و تزویر به حاشیه براند.

خیانت نابخشودنی سران فتنه و آشوب و تئوریسین‌های تحصیل‌کرده و عنوان‌دارشان، فقط این نبود و نیست که بر چهره درخشان یک نظام اسلامی و مردمی پنجه کشیدند و بدخواهان و دشمنان ملت را برای توسعه و تقویت تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران مصمم‌تر و امیدوار کردند.

جرم سنگین آنها فقط این نبود که شهدشیرین مشارکت کم‌نظیر ۸۵ درصدی در انتخابات را در کام ملت تلخ کردند و هزینه‌ی بی‌اخلاقی و قدرت‌طلبی و خودخواهی خود را بر ملت مظلوم و مقتدر ایران تحمیل کردند.

گناه نابخشودنی فتنه‌گران و عقبه روشن‌فکر مآب آن‌ها، بدبینی‌آفرینی در ذهن



تجارب اندوخته حکمرانی؛ حلقه گمشده در تنظیم نسبت میان مجلس و نهادهای هنجارگذار عالی



محمدصادق فراهانی
معاون پژوهش‌های بنیادین پژوهشکده شورای نگهبان



بعید است در نشست‌های حقوقی با موضوع قانونگذاری شرکت کرده باشید و تمام یا برخی از مدعوین بر ساختار غیرمتمرکز و متکثر هنجارگذاری در کشور نتاخته باشند! در واقع یکی از برجسته‌ترین مشهورات جامعه حقوقی ایران «انحصار صلاحیت قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی» و «مخالفت با تعدد مراجع هنجارگذار» از رهگذر تغلیظ صدر و ترقیق ذیل اصل (۷۱) قانون اساسی^۱ است. ادعایی که از آب‌شخور برداشتی شکلی از حاکمیت قانون سرچشمه می‌گیرد و به نقد موجودیت ساختارهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی فضای مجازی منتهی می‌شود.

۱. «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

جدول زیر مختصری از مجادلات حقوقی دو گروه یادشده را -با اندکی تسامح- به تصویر می‌کشد:

آن سوی ماجرا نیز همواره عده‌ای بوده‌اند که در مقام پاسخ بر آمده و با ارائه دلایلی، تعدد نهادهای هنجارگذار در هندسه حکمرانی کشور را به لحاظ حقوقی تئوریزه کرده‌اند.

موضوع مجادله	گروه نخست	گروه دوم
تأسیس	خلاف قانون اساسی است.	مستند به اختیارات رهبری مندرج در قانون اساسی است.
اعمال صلاحیت‌ها	خلاف اصول ۵۸ و ۷۱ قانون اساسی است.	مستند به اصول ۵ و ۵۷ قانون اساسی است.
	موجب هم‌پوشانی صلاحیت‌ها در نهادهای هنجارگذار، سردرگمی در تعیین هنجار لازم‌الاجرا و تبعاً لوث مسئولیت می‌شود.	صلاحیت هنجارگذاری در حوزه‌های سه‌گانه امنیت، فرهنگ و فضای مجازی «اصولاً» با نهادهای عالی است. در صورتی که مصوبه‌ای از مجلس با حوزه‌های یادشده تلاقی یابد، لازم است مطابقت آن با هنجارهای یادشده احراز شود. شورای نگهبان در چهل سال گذشته تضمین مطابقت یادشده را بر عهده داشته است.
	اجرای مصوبات نهادها، نظم اداری و مالی کشور را دچار اخلال می‌کند و خلاف اصل ۷۵ قانون اساسی است.	بدیهی است که مسائل اجرایی نهادها باید با هماهنگی دولت‌ها صورت پذیرد و اساساً بنا به چنین دلایلی است که ریاست آنها را شخص رئیس جمهور بر عهده دارد.
نظارت بر صلاحیت‌ها	نظارت‌ناپذیرند. نه از سوی شورای نگهبان نظارت می‌شوند نه امکان شکایت از آنها در دیوان عدالت اداری وجود دارد.	مستقیماً توسط رهبری نظارت می‌شوند. در مواردی با کسب تأیید پیشینی و در سایر موارد با نظارت موردی. مضافاً ماهیت بسیاری از مصوبات، اساساً از نوع «مقرره» نیست که دیوان عدالت اداری صالح به رسیدگی به آنها باشد.

به عنوان مثال آیت‌الله خمینی در نخستین سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۹ در جمع اعضای این شورا، موضوع فعالیت آن را مهم‌تر از جدی‌ترین مسأله آن روزها یعنی «جنگ» معرفی می‌کند:

«در همهٔ امور باید حساس بود، اما فرق است ما بین آنی که ادامه باید این حساسیت پیدا بکند. یک چیزهایی که حل می‌شود، مثلاً ما جنگ داریم، جنگ چیز مهمی نیست، حل می‌شود، چیز مهمی نیست و بحمدالله خوب است وضع، و جهات سیاسی‌ای که در دنیا هست، آن‌ها هم حل می‌شود و ان شاءالله، چیزهایی است حساس باید بود. اما مسئلهٔ دانشگاه یک مسئله فوق العاده است که این افرادی که از دانشگاه در می‌آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازندهٔ آن کشور هستند، و در کشور ما، یا رو به اسلام می‌برند کشور ما را، یا منحرفش می‌کنند. این از چیزهایی است که از دانشگاه می‌آید این کار، چنانچه از حوزه‌های علمیه می‌آید این کار، از این جهت، خیلی مهم است این امر.»^۲

یا آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی آغاز سال ۱۳۹۳ موضوع فعالیت این شورا را مهم‌تر از مسأله «اقتصاد» معرفی می‌کند:

«عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی

شاید بتوان این مجادله را تا حد نگارش یک دست‌نامه حقوقی یا حتی مجموعه مقالات، تفصیل و ادامه داد (!) اما فارغ از مجادلات حقوقی باید گفت، مهم‌ترین مؤلفه‌های فراحقوقی که عمدتاً در تحلیل نسبت میان مجلس شورای اسلامی و نهادهای عالی هنجارگذار مغفول مانده است و به نوعی می‌توان آن را «تجارب اندوخته حکمرانی» نامید، در دو طیف قرار می‌گیرند:

نخست، منشأیی که به لحاظ تاریخی سبب شکل‌گیری و استقرار چنین نهادهایی در زیست‌بوم حقوقی ایران شده است و دوم، نقش ناکارآمدی ساختارهای وقت در استمرار حیات و توسعه این نهادها. دو مؤلفه‌ای که تنظیم و تحلیل ترتیبات نهادی حوزه هنجارگذاری بدون التفات به آنها، نتیجه‌ای متناسب با اقتضائات زیست‌بوم ایران اسلامی در بر نخواهد داشت.

در رابطه با ساحت شکل‌گیری این نهادها می‌توان گفت که «همیت برجسته موضوع فعالیت شوراها» از یک سو و «ناتوانی اثبات‌شده ساختارهای وقت در تأمین حداقلی اهداف حاکمیت در موضوع یادشده» از سوی دیگر، وجه مشترک در تأسیس هر سه شورای عالی است. امری که به وضوح در کلام مؤسسان نهادهای یادشده به هنگام تأسیس و حتی استمرار فعالیت نهادهای مزبور نیز مشهود است.

2. http://www.imam-khomeini.ir/fa/C207_44417/_%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D9%88_%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8_%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%DB%8C%20#page443

و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه‌ی قانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور بوجود آید.

به این مناسبت شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه‌ی مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود.^۴

چنانکه ملاحظه می‌شود، بروز ناکارآمدی در عرصه سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی فضای مجازی کشور، تشکیل شورای مزبور را ضروری ساخته است.

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۶ و نیز هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در سال ۱۳۹۶ نیز نمونه‌های مشابهی هستند که نشان می‌دهند چگونه در طول تاریخ، ناکارآمدی ساختارهای وقت در تأمین اهداف نظام حقوقی، رهبران جمهوری اسلامی را برای تشکیل ساختارهای جدید جهت برون‌رفت از بن‌بست‌های حکمرانی مجاب ساخته است.^۵

است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد.^۶

بنابراین یکی از محوری‌ترین مسائلی که سبب ایجاد ساختار جدید از سوی رهبران جمهوری اسلامی شده است، اهمیت برجسته آن موضوع بوده است. علاوه بر آن، ناکارآمدی ساختارهای موجود در تأمین اهداف نظام حقوقی در آن حوزه نیز سبب دیگری است که مقتضی شکل‌گیری ساختاری جدید شده است.

به عنوان نمونه آیت‌الله خامنه‌ای در حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ این مهم را این چنین مورد اشاره قرار می‌دهد: «گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بویژه شبکه‌ی جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>
4. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=19225>

۵. حتی اگر ایشان اهتمام ویژه خود را برای استفاده از ظرفیت‌های ساختارهای موجود به کار بسته باشند و خود با تشکیل نهادی عالی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالف باشند. (جهت اطلاع بیشتر ر.ک به حکم تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ در نشانی: <http://www.imam-khomeini.ir/fa>)



جهت تأمین اهداف خطیر و اساسی آن در سه حوزه فرهنگ، امنیت و فضای مجازی که امروزه به حدی از بلوغ رسیده‌اند. عدم التفات به این تجربه و اصرار بر صلاحیت انحصاری و متمرکز مجلس شورای اسلامی در حوزه قانونگذاری - حتی با استناد به ادله حقوقی - بی‌شک بازگشت به گذشته‌های ناکارآمد خواهد بود که تحقق اهداف اساسی نظام حقوقی را بیش از پیش دست‌نیافتنی‌تر خواهد کرد.

بدیهی است که التفات به چنین تجربه‌ای نافی اولیات و بایسته‌های حکمرانی در چنین نهادهایی همچون «تأمین تضامین نظارتی، حقوقی و اجرایی» و «تنظیم مرز صلاحیت‌ها و اختیارات آنها نسبت به سایر دستگاه‌ها» نخواهد بود.

تأثیر ناکارآمدی ساختارهای موجود به ویژه مجلس شورای اسلامی در سه حوزه یاد شده، در ساخت شکل‌گیری نهادهای عالی محصور نمانده و امروزه به ساحت صلاحیت‌ها و اختیارات این نهادها و گسترش آنها نیز تسری یافته است. تشکیل شوراهای فرعی ذیل هر یک با اختیار وضع مصوبه و نیز توسعه مفهومی «فرهنگ»، «فضای مجازی» و «امنیت»، نمونه‌هایی از این گسترش قلمرو در سایه ناکارآمدی و گهگاه کنش تهدیدآمیز مجلس شورای اسلامی نسبت به سه مقوله یاد شده است.^۶

خلاصه آنکه «تجربه اندوخته حکمرانی» در ایران نشان می‌دهد که شوراهای عالی سه‌گانه، بذرهایی هستند نشانداده‌شده در برهوت «ناکارآمدی» ساختاری نظام حقوقی

۶. ماجرای طرح اصلاح قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ و ناکامی طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌آیند.



شهید بهشتی و اتهام ایجاد تمرکز قدرت در روحانیون؛ از ادعا تا واقعیت



حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی ابراهیمی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، یکی از معماران ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران بود که نقش بسزایی در شکل‌گیری و تثبیت ساختارهای اساسی کشور ایفا کرد. مباحثات و مناظرات متعدد این اندیشمند بزرگ، قبل و پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش قابل توجهی در تبیین و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اندیشه‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران داشت. در این مسیر مهم‌ترین نقش آفرینی ایشان را می‌توان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و در مقام نایب رئیس این مجلس دانست که ضمن طرح‌ریزی الگوی اولیه حکومت مردم‌سالار اسلامی، با پاسخ‌گویی به نظرات و دیدگاه‌های رقیب، به‌خوبی ابعاد و کیفیات تنظیم روابط دولت و ملت را در بستر فقه الحکومه و اقتضائات حکمرانی مدرن ترسیم نموده است.

می‌دهد این رجل سیاسی- مذهبی تراز و نخبه اندیشمند، چگونه بر بهره‌گیری از تخصص و توانمندی‌های افراد غیرروحانی در پست‌های کلیدی نظام اعتقاد و تاکید داشته و چقدر اتهام زندگان و سیاه‌نمایان، نسبت به این انسان فرهیخته دچار اشتباه شده‌اند و قلم ظلم فرساییده‌اند. در ادامه، به بررسی برخی از این شواهد و مستندات می‌پردازیم:

پرده اول: نقش شهید بهشتی در تأسیس حزب جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حزب جمهوری اسلامی در اسفند ماه ۱۳۵۷ با هدف تبیین و گسترش آرمان‌های انقلاب و انسجام‌بخشی به نیروهای انقلابی تأسیس شد. یکی از موثرترین چهره‌های شاخص در تأسیس و راهبری این حزب شهید بهشتی بود. از جمله مهم‌ترین اهداف ایشان در این حزب، ایجاد وحدت و هماهنگی میان نیروهای انقلاب بود. حزب جمهوری اسلامی دارای ساختار سازمانی منسجمی بود و علاوه بر پایتخت در شهرستان‌ها هم فعالیت داشت. این حزب خواه در شورای مرکزی اولیه خود و یا بیرون از آن با طیف گسترده‌ای از متخصصان و دانش‌گاہیان در تعامل بود که در شکل‌گیری و تدوین قوانین و سیاست‌های اجرایی نقش مهمی ایفا می‌کردند. حضور افراد غیر روحانی در حزب و تعامل خاص شهید بهشتی در بهره

در کنار این نظریه‌پردازی سایر نقش آفرینی‌های سیاسی-اجتماعی این شهید والا مقام نظیر تأسیس حزب جمهوری اسلامی و ساماندهی قوه قضائیه که یکی از قوای اصلی نظام اسلامی ایران است، را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین می‌بایست توجه ویژه‌ای به جایگاه شهید بهشتی به عنوان عامل وحدت آفرین میان نیروهای انقلابی داشت. همچنین نقش ایشان در مناظرات و پاسخگویی در میدان جهان تبیین در مقابل نحلّه‌های رقیب معاند یا منحرف که در آن دوره واجد سیطره فکری و ایدئولوژیکی خاصی بودند، قابل توجه است. و البته بالاتر از این‌ها جایگاه شخصیت اخلاقی و متعالی این شهید در نهادینه سازی سعه صدر و بهره‌مندی از همه نیروهای متعهد و دلسوز بود که انصافاً کمتر می‌توان نظیری برای آن پیدا کرد.

با این وجود شخصیت و منش رفتاری این انسان بلندنظر مصون از اتهامات و برچسب‌ها نبوده و گاه و بیگاه بی‌انصافی‌ها یا تهمت‌هایی نسبت به ایشان روا داشته شده است. اتهاماتی مبنی بر انحصارگرایی و تمایل به سپردن مناصب کلیدی به روحانیون، که موضوع این نوشته بوده تا با بررسی گذرای مستندات و شواهد مضبوط، ابعاد مساله بررسی شده و خواننده بی‌طرف را به سنجش منصفانه رهنمون باشد. شواهد متعددی که نشان

مصادیق تجلی ذهن پویا و نگرش باز و منسجم این شهید نسبت به مسائل کلان در طراحی الگوی نظام اسلامی امر مستوری نبوده و در جای جای مذاکرات تصویب قانون اساسی در قالب جمع میان ارزش‌های دینی و اسلامی با اقتضائات عصر مدرن به چشم می‌خورد. یکی از مصادیق بارز این موضوع مباحثات انجام شده در جریان تصویب اصل ۹۱ قانون اساسی است که شهید بهشتی در این رابطه عامل مهمی در طرح و تثبیت نقش آفرینی شش حقوقدان در ترکیب شورای نگهبان بود. در این مذاکرات شهید بهشتی با استناد به امر تخصص‌گرایی، وجود متخصصین سایر علوم را به منظور احراز قانون‌مداری تام،

مندی از همه افراد توانمند با هر سلیقه و مشرب سیاسی، نشان‌دهنده اعتقاد راسخ شهید بهشتی به استفاده از توانمندی‌های تمامی اقشار جامعه در مناصب کلیدی است. خاصه اینکه که در همان دوران شهید دکتر حسن آیت به دبیری سیاسی حزب جمهوری اسلامی تعیین شد.

پرده دوم: نقش شهید بهشتی در تأسیس نظام اساسی کشور

شهید بهشتی از علما و اندیشمندان برجسته حاضر در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بود که مسئولیت نایب ریسی این مجلس را نیز برعهده داشت.



ایشان در ادامه و با وجود مخالفت صریح برخی مراجع تقلید با عضویت غیر فقها در شورای نگهبان، بر تحقق این مسأله تاکید نموده و شش کرسی اعضای شورای نگهبان که از جمله عالی‌ترین نهادهای کشور است را به متخصصین غیر روحانی تخصیص دادند.

پرده سوم: رویه شهید بهشتی در رابطه با متصدیان مناصب حکومتی

فارغ از دو مورد فوق‌الذکر مصادیق متعددی در حافظه تاریخی ملت ایران در رابطه با حمایت شهید بهشتی از چهره‌های غیر روحانی و سپردن مناصب مهم حکومتی به ایشان وجود دارد که محل توجه است. نظیر به‌کارگیری نیروهای متخصص و متعهد غیرروحانی، در مناصب مهم قضایی کشور که با عنایت به تحول‌نگرشی که در خصوص امر قضاوت اسلامی حاصل شده بود، قابل توجه است. همچنین در ساحت اجرایی می‌توان به وقایع انتخابات اولین رئیس‌جمهور ایران اشاره کرد که برغم اینکه بسیاری از افراد شهید بهشتی را به‌عنوان گزینه مناسب ریاست جمهوری مطرح کردند، اما با عنایت به نیت اولیه عدم تصدی مناصب سیاسی توسط روحانیون از منظر امام خمینی (ره) این شهید ارجمند، از کاندیداتور آقای حبیبی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

امری ضروری و غیر قابل اجتناب می‌داند که می‌بایست به دستان متخصصین ملت در مجلس شورای اسلامی سپرده شود:

«ما گفته‌ایم که کلیه مصوبات مجلس باید مطابق قانون اساسی باشد در یک اصل گفتید که معاهده‌ها و قراردادها باید با استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت هماهنگ باشد و مخل به استقلال اقتصادی مملکت نباشد، تشخیص فلان قرارداد اقتصادی که مخل به استقلال مملکت هست یا نیست با چه کسی است؟ یک وقت تشخیص می‌دهیم که این به صلاح مملکت هست یا نه یک وقت هست می‌گوییم این قرارداد به سود مملکت ما هست یا نه؟ این بر عهده مجلس شورای ملی است، یک وقت می‌گوییم مخل به استقلال اقتصادی ما هست یا نه؟ در این مورد کارشناسان اقتصادی هستند که باید اظهار نظر کنند.»





امری که حتی محدود به یک نسل از انقلاب اسلامی نبوده و این متفکر بزرگ با انجام اقداماتی نظیر تأسیس دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری ایران نیازهای آتی نظام اسلامی را در دهه‌های پیش رو مد نظر قرار داده و زین رهگذر مهر باطلی بر مدعای بدخواهان و کج‌اندیشان زده است.

در پایان باید پرسید به واقع با وجود عزم و همت این شهید بزرگوار در بهره‌مندی از همه نخبگان علمی و متخصصان و اسناد مثبت، معتبر و غیر قابل انکار موجود در این خصوص، طرح اتهامات این‌چنینی در رابطه با این شخصیت برجسته سپهر سیاسی کشور چه هدف شومی را دنبال می‌کند و به واقع مقصود چیست؟

حمایت کرد. البته در نهایت، ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد اما این رویه سیاسی ایشان به نیکی ثابت کرد که وی از ابتدا هرگز به‌دنبال انحصارگرایی روحانیون در مناصب حکومتی، خواه قضایی، تقنینی یا اجرایی نبودند.

کوتاه سخن اینکه، شهید بهشتی در کنار اینکه همواره بر اهمیت تخصص و شایستگی در تصدی مناصب تأکید داشتند و هر دو مقوله تعهد بدون تخصص و تخصص بدون تعهد را مضر می‌دانستند، هرگز رویه خود را بر انحصار در طبقه یا کسوت خاصی قرار ندادند و همواره به فکر پرورش و تربیت نیروی توانمند خدمت‌رسان از میان همه جریان‌ها و احاد جامعه نخبگانی کشور بودند.



بودجه و حقوق ملت؛ چگونه شورای نگهبان از تضييع حقوق مردم در بودجه ۱۴۰۴ جلوگیری کرد؟



محمد خزائی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)



در روند بررسی و تصویب لایحه بودجه، اغلب موضوعات مالی و اقتصادی کشور در قالب تبصره‌ها، بندها و اجزایی مطرح می‌شود که مستقیماً بر حقوق شهروندان تأثیر دارد. اهمیت این مسئله سبب شده است تا شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر در امر تقنین، علاوه بر تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، نقشی اساسی در «صیانت از حقوق مردم» ایفا کند. بررسی اخیر شورای نگهبان درباره مصوبه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور و ایرادهای متعددی که به آن وارد کرده، شاهدهی بر این مدعاست. در این نوشتار، به برخی موارد مهمی پرداخته می‌شود که شورای نگهبان آن‌ها را مغایر با قانون اساسی، خلاف شرع یا مبهم تشخیص داده و این تصمیمات در عمل از تضييع حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی پیشگیری می‌کند.

ابهامات موجود در این بخش را رفع کند تا شهروندان به‌ناحق مشمول جریمه نشوند.

محدودیت اعتراضات مالیاتی: نقض حق دادخواهی

در بندهای ت و ح تبصره ۱ مصوبه بودجه که به مالیات بر خودروهای لوکس و زمین‌های گران‌قیمت پرداخته است، روندی پیش‌بینی شده بود که شکایت مودیان صرفاً از طریق هیأت حل اختلاف مالیاتی قابل طرح باشد و رأی هیأت نیز قطعی تلقی شود. شورای نگهبان با استناد به بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی و مبانی فقهی حق دادخواهی، این بخش را ناقض حقوق اشخاص دانست و اعلام کرد که شهروندان در صورت وجود جهات دیگر اعتراض، باید بتوانند به مراجع قضایی صالح نیز رجوع کنند.

این مداخله شورا، نشان‌دهنده اهمیت رعایت حقوق بنیادین در نظام مالیاتی کشور است؛ چراکه تضمین حق مراجعه به دادگاه‌های عمومی، علاوه بر تأمین دادرسی عادلانه، موجب اطمینان‌بخشی به مودیان می‌شود. به‌بیان دیگر، اگرچه ارجاع اعتراضات مالیاتی به مراجع شبه‌قضایی مانند هیأت حل اختلاف مالیاتی ممکن است در ساده‌سازی فرایند وصول مالیات مؤثر باشد، اما نباید به محرومیت کامل مودیان از حق استفاده از دادگاه‌های رسمی منتهی گردد.



جریمه معوقات گازبها؛ حفظ حقوق بدهکاران با عذر موجه

در مصوبه مرتبط با دریافت جریمه دیرکرد از مشترکان گاز طبیعی مندرج در جزء ۱-۴ بند ب تبصره ۳ مصوبه بودجه، مقرر شده بود به ازای هر ماه تأخیر در پرداخت قبوض، مبلغی معادل ۲/۵ درصد بدهی، جریمه منظور شود. این قاعده به‌منظور جلوگیری از انباشت بدهی‌های مصرف‌کنندگان در نظر گرفته شده بود، اما مشکل از آنجا برمی‌خاست که قانون‌گذار تفاوتی میان افرادی که بنا به دلایل موجهی مانند مسدود شدن حساب بانکی یا مشکلات اداری قادر به پرداخت به‌موقع نبودند با افرادی که بدون توجیه تأخیر داشتند، قائل نشده بود.

بر اساس نظر شورای نگهبان، تحمیل جریمه در شرایطی که تأخیر در پرداخت واقعاً خارج از اراده مشترک است، خلاف موازین شرعی و اصول عدالت تلقی می‌شود؛ به همین دلیل، شورا از قانون‌گذار خواست



بنابراین شورای نگهبان با این نظر خود هشدار داد که صدور شناسه تعهدات نباید به ابزاری برای سلب حق دادخواهی طلبکاران دولت تبدیل شود؛ چراکه ممکن است بدهی بر اساس قراردادها و مستندات معتبر شکل گرفته باشد یا اصلاً پرداختی براساس قانون یا شرع بر عهده دولت باشد اما به دلایل اداری، شناسه یکتا صادر نشده باشد.

این ایراد شورا اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا به حفظ حقوق اشخاص از جمله پیمانکاران بخش خصوصی و سایر طلبکاران دولت در برابر دولت برمی‌گردد. اگر قانونی تصویب شود که شرط پذیرش طلب بر دولت را وجود «شناسه تعهد» بداند، بسیاری از طلبکاران واقعی ممکن است به دلایل ناآگاهی یا ضعف فرایندهای اداری، از دستیابی به حقوقشان محروم شوند.

پذیرش بدهی‌های دولت: تعهد به شفافیت و عدالت

در جزء ۳ بند ۲ تبصره ۲ مصوبه بودجه تأکید شده بود که پذیرش بدهی‌های قطعی دولت صرفاً در صورتی قابل‌اعلام به مراجع ذی‌ربط خواهد بود که این بدهی‌ها دارای شناسه تعهدات از سازمان برنامه و بودجه باشد. شورای نگهبان در اظهارنظر خود تصریح کرد: در این بند اطلاق منوط نمودن پذیرش بدهی‌های قطعی بر عهده دولت به ارائه شناسه تعهدات دولت اخذ شده از سازمان برنامه و بودجه کشور، نسبت به مواردی که بدهی بر عهده دولت، مستقر بوده اما به دلایلی شناسه نداشته باشد و همچنین اطلاق آن نسبت به پرداخت‌هایی که قانوناً یا شرعاً تعهد دولت است، خلاف شرع و مغایر بند ۱۰ اصل ۳ قانون اساسی است.

در نهایت باید گفت مجموعه ایراداتی که شورای نگهبان به بخش‌هایی از مصوبه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور وارد کرده، در واقع جلوه‌ای از مراقبت این نهاد برای رعایت موازین شرعی، حقوق اساسی و جلوگیری از تضییع حقوق مردم است. هرچند ممکن است این ایرادات روند تصویب بودجه را پیچیده‌تر جلوه دهد اما از تصویب مقرراتی جلوگیری می‌کند که می‌توانست حقوق اشخاص را نقض نماید.

کاستن از ابهام در اخذ جرایم، تضمین حق مراجعه شهروندان به مراجع قضایی، منع تحمیل شروط اداری غیرمنعطف به طلبکاران دولت و احترام به اصل حاکمیت اراده در قراردادهای پیشین، همگی گامی مهم در راستای صیانت از حقوق مردم محسوب می‌شود و امید است با رفع ابهامات و ایرادات شورای نگهبان توسط مجلس شورای اسلامی، ضمن پاسخگویی به ضرورت‌های مالی کشور، دغدغه‌های بنیادین حقوقی و شرعی نیز از تضییع مصون بمانند.



وجه التزام قراردادهای دولتی: پایبندی به تعهدات قراردادی

در بند ۲ تبصره ۲، مقرر شده بود دستگاه‌های دولتی یا شرکت‌های تابعه بتوانند از زمان شکل‌گیری بدهی تا زمان تسویه، نرخ وجه التزام تأخیر را بر مبنای نرخ جدید مصوب هیأت عالی بانک مرکزی اعمال کنند. این موضوع در ظاهر برای تسریع در وصول مطالبات دولتی پیش‌بینی شده اما متوجه قراردادهای سابق نیز می‌شد که ممکن بود در آن‌ها نرخ یا شرایط متفاوتی برای وجه التزام تعیین شده باشد یا اصلاً پیش‌بینی چنین جریمه‌ای نشده باشد. شورای نگهبان بر اساس اصل حاکمیت اراده و منع تحمیل تعهدات جدید بر خلاف توافقات پیشین، این بند را خلاف شرع دانست.

اهمیت این تشخیص در آن است که قراردادهای نمود توافق آزاد طرفین به شمار می‌روند و تأمین امنیت این توافقات، باعث پایداری روابط حقوقی می‌شود. اگر دولت مجاز شود به شکل یک‌جانبه شرایط قراردادی را تغییر دهد، اعتماد در فضای اقتصادی و تجاری آسیب می‌بیند. شورای نگهبان در اظهارنظر خود تأکید دارد که اگرچه باید راهکاری برای جلوگیری از انباشت بدهی‌های اشخاص به دولت پیش‌بینی شود، این راهکار نباید ناقض شروط قبلی یا منتهی به تغییر بنیادین قراردادهای منعقد شده باشد.

محفل اندیشه؛



کرسی‌هایی برای نوآوری و دانش

در دیدار اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق مطرح شد:

دکتر کدخدایی: قانون اساسی، دولت مدرن را بر اساس آموزه‌های اسلامی پیش‌بینی کرده است



دکتر طحان نظیف: زمینه حکمرانی اسلامی در ایران را قانون اساسی فراهم کرد



اشاره: جمعی از اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق با حضور در پژوهشکده شورای نگهبان، ضمن بازدید از نمایشگاه کتاب و تولیدات علمی و پژوهشی پژوهشکده، در جلسه‌ای که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان و دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان تشکیل شد شرکت کردند و با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه و وظایف شورای نگهبان آشنا شدند. در این بخش گزارشی از این جلسه را می‌خوانید:



ما زیر بار سلطه غرب و به ویژه آمریکا بود و در خاطراتی که بعد از انقلاب از سوی مقامات سیاسی زمان شاه منتشر شد این سلطه کاملی که آمریکایی‌ها بر دولت وقت ایران داشتند خوب بیان شده است.

عضو حقوقدان شورای نگهبان شعار دوم مردم را آزادی دانست و افزود: خفقان در کشور ما به شکلی بود که - من خودم در آن دوره زندگی کرده‌ام و در دوره جوانی در آن دوره شاهد این موضوع بوده‌ام - شما حتی در کلاس درس نمی‌توانستی بسم الله الرحمن الرحیم بگویی. اگر می‌گفتی یا مورد تحقیر واقع می‌شدی و یا مورد تهدید.

دکتر کدخدایی در ادامه با بیان اینکه مطالبه سومی که مردم در شعارهای‌شان داشتند حکومت اسلامی بود گفت: با توجه به اینکه مردم ایران همانند مردم عراق و مردم

دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان در دیدار اعضای مکتب سیاسی مجلس اعلای عراق که به منظور آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نهاد شورای نگهبان در پژوهشکده این شورا حاضر شده بودند گفت: یک شعار پایه‌ای در قبل از انقلاب در کشور ایران رایج بود. مردم وقتی در تظاهرات علیه شاه شرکت می‌کردند بحث استقلال، آزادی و حکومت اسلامی به عنوان مطالبه و شعار اصلی‌شان بود. این سه شعار در واقع یک ریشه تاریخی داشت و برگشت می‌کرد به وضعیت کشور ایران در زمان شاه.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان گفت: طلب استقلال و بیان شعار استقلال در بیان مردم و در سخنرانی‌های امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و سایر بزرگواران به این دلیل بود که کشور



دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان نیز در ادامه این نشست به تبیین جایگاه و وظایف شورای نگهبان پرداخت و گفت: شورای نگهبان در نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران نهاد بسیار مهمی است و اگرچه سابقه تشکیل این نهاد به پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد ولی قبل از پیروزی انقلاب هم دغدغه آن در میان مردم وجود داشته است. این موضوع از جهت تاریخی به لحاظ اهمیتی که داشته در اصل دوم قانون اساسی مشروطه، نهادی مشابه شورای نگهبان پیش‌بینی شده بود ولی عملاً فرصت اجرا پیدا نکرد.

عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: مردم ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هم مردم مسلمانی بودند و با پیروزی انقلاب اسلامی این توقع و انتظار را داشتند که اسلام مقدرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها را عهده‌دار شود و اگر به مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراجعه کنید با این جمله مواجه خواهید شد که «قانون اساسی



کشورهای منطقه غالباً مسلمان بودند، ایجاد حکومت اسلامی را به مفهوم اجرای احکام اسلامی می‌دانستند. شاه نه تنها مظاهر اسلامی را تحمل نمی‌کرد و از بین می‌برد، بلکه در صدد بود در جهت مخالفت با احکام اسلامی هم اقداماتی انجام بدهد و جشن‌های مختلفی که برگزار می‌شد، رادیو تلویزیون آن موقع و سینما فقط به دنبال اسلام‌زدایی بودند.

عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: امروزه وقتی در کلاس درس و در بین روشنفکران و در بین صاحب‌نظران از نظام اسلامی و نظام دینی صحبت می‌کنیم باید شاخص‌هایی را برای نظام اسلامی ایران و جمهوری اسلامی مطرح کنیم. سه شاخص را می‌توانیم برای آن در نظر بگیریم؛ اول اینکه پایه و اساس نظام دین و آموزه‌های دینی است، دوم تکیه بر مردم و مشارکت مردم و سوم عدم توجه به بیگانگان به مفهوم نفی سلطه و این سه شاخص هر کدام مصداق‌هایی در قانون اساسی دارد.

اساسی و اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی مرتبط با مسئولیت‌های شورای نگهبان است.

سخنگوی شورای نگهبان اولین و مهمترین وظیفه شورای نگهبان را اظهار نظر نسبت به مصوبات مجلس از این نظر که خلاف موازین شرع و قانون اساسی نباشند، دانست و افزود: اساساً تا شورای نگهبان نسبت به مصوبه‌ای اظهار نظر نکند، مصوبه به قانون تبدیل نخواهد شد یعنی عنوان قانون به آن مصوبه اطلاق نخواهد شد مگر آنکه از زمان مقرر شده در قانون بگذرد.

عضو حقوقدان شورای نگهبان با اشاره به اینکه نسبت به این کارکرد شورای نگهبان به عنوان نهاد صیانت‌کننده از قانون اساسی، معادل‌ها و متناظرهایی در کشورهای مختلف

جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس ضوابط و اصول اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد» لذا قانون اساسی زمینه حکمرانی اسلامی را در ایران فراهم کرد.

دکتر طحان نظیف در ادامه با اشاره به این که شورای نگهبان نهادی است که در قانون اساسی نسبت به جزئیات آن، اصول متعددی ذکر شده است و این نشان دهنده اهمیت این نهاد است اضافه کرد: البته به خاطر اینکه آن سابقه پیش از انقلاب تکرار نشود و این اصل، اجرایی‌سازی شود، حتی جزئیات نحوه کار این نهاد هم در اصول قانون اساسی ذکر شده است و مشخصاً اصل چهارم قانون





را مدنظر داشته باشند و آن را پیاده کنند. لذا سخن از اسلامی است که از عرصه فردی خارج شده و اجتماع ظهور و بروز پیدا کرده است و این همان چیزی است که ما به عنوان نظام جمهوری اسلامی ایران یا نظام مردم سالاری دینی آن را معرفی می‌کنیم.

سخنگوی شورای نگهبان دومین وظیفه شورای نگهبان را تفسیر قانون اساسی برشمرد و اضافه کرد: در اصل ۷۳ قانون اساسی ما ذکر شده تفسیر قوانین عادی که مصوب مجلس شورای اسلامی هستند با خود مجلس است ولی بر اساس اصل ۹۸، تفسیر قانون اساسی با نهاد شورای نگهبان است. البته تا قبل از تفسیر رسمی شورای نگهبان مجریان برداشت خودشان را مبنای عمل قرار می‌دهند.

دارد و این موضوعی است که مسبوق به سابقه است، افزود: صیانت از قانون اساسی در برخی کشورها به نهادهای سیاسی- البته سیاسی به معنای غیر قضایی- و در برخی کشورها به نهادهای قضایی سپرده شده است. لذا می‌توان گفت نسبت به صیانت از قانون اساسی معادل‌های مختلفی وجود دارد که اسامی آنها ممکن است متفاوت باشد ولی نوع کار یکسان است، البته بحث نظارت شرعی مختص نظام حقوقی ماست و جزو اختصاصات نظام حقوقی ما محسوب می‌شود چرا که مردم مسلمان ایران همواره بر این مساله تاکید داشته‌اند که اسلام در نظامات مختلف سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشد یعنی نهادها در اداره کشور اسلام

همه ارکان قدرت در کشور ما به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طرف مردم انتخاب می‌شوند، موضوع نظارت بر انتخابات در کشور ایران را مهم دانست و سپس گفت: چهارمین وظیفه شورای نگهبان که به فقهای این شورا بر می‌گردد، این است که در کشور ما هر یک از شهروندان می‌توانند نسبت به مصوبات نهادهای مختلف البته مادون قانون را- چون قوانین قبلاً توسط شورای نگهبان بررسی شده‌اند- شکایت کنند و مدعی شوند که مصوبات آنها برخلاف شرع یا قانون است. این شکایت را مرجعی به نام دیوان عدالت اداری دریافت می‌کند، وجوه خلاف قانون را خودش بررسی می‌کند و وجوه خلاف شرع را از فقهای شورای نگهبان استعلام می‌کند.

دکتر طحان نظیف در پایان با تاکید بر اینکه ملت ایران و ملت عراق اشتراکات بسیار زیادی دارند، گفت: ما می‌توانیم نسبت به نظامات و موضوعات مختلف بیشتر گفتگو کنیم و تجارب مختلفی را که در حکمرانی داریم، با یکدیگر به اشتراک بگذاریم.



سومین وظیفه شورای نگهبان که این عضو حقوقدان شورای نگهبان به آن اشاره کرد نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و همه‌پرسی بود که دکتر طحان نظیف در این راستا به تبیین روش نظارت شورای نگهبان بر انتخابات پرداخت و افزود: شورای نگهبان با یک شبکه مردمی این کار را انجام می‌دهد که این شبکه حدود ۳۰۰ هزار نفر هستند که هیچکدام از این افراد، در استخدام شورای نگهبان نیستند. این افراد از میان اقشار مختلف مردم هستند، برخی از آنها شغل آزاد دارند، برخی معلم هستند، برخی استاد دانشگاه هستند و همین طور از اقشار مختلف دیگر، از بین زنان و مردان و با سنین مختلف. با این افراد جلساتی برگزار و آموزش‌های لازم به آنها ارائه می‌شود و در ایام انتخابات در امر نظارت بر انتخابات با شورای نگهبان همکاری می‌کنند. این افراد در استان‌ها و شهرهای مختلف هستند و باید شاخص‌های شورای نگهبان نظیر قانون‌مداری، رعایت عدالت و بی‌طرفی را مراعات کنند. سخنگوی شورای نگهبان با تاکید بر اینکه



در نشست «یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و نسبت آن با قانون اساسی» مطرح شد؛

عسکری: سازمان ملل، حافظ هژمونی فاتحان جنگ جهانی دوم است 

پیری: ایران نیازمند به راهبرد مشخص در حوزه حقوق بین‌الملل است 

مومنی‌راد: در حال فروپاشی نظری تمدن غرب هستیم 

اشاره: پنجمین نشست از سلسله نشست‌های «خانه ملی گفت‌وگوی حقوق اساسی» با موضوع «یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و نسبت آن با قانون اساسی» با حضور دکتر پوریا عسکری عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر احمد مؤمنی راد عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دکتر مهدی پیری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در محل پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد. در این بخش گزارشی از این نشست را می‌خوانید:

ملل متحد نوشتند. این نظم پسانشوری دو هدف بنیادین دارد و بر مبنای عدالت محوری نوشته نشده است. وی افزود: البته بسیاری از فیلسوفان همچون «کانت» بر روی نظم پسا منشوری متجلی شده‌اند و آن فلاسفه به دنبال تحقق عدالت بوده‌اند، ولی همه تجلی افکار آنها در نظم پسا منشوری مورد استفاده قرار نگرفته است. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

در این نشست دکتر عسکری که درباره «یکجانبه‌گرایی و ضابطه‌سازی» سخن می‌گفت، با اشاره به اینکه یکجانبه‌گرایی و ضابطه‌سازی عنوانی پیچیده است، گفت: ضابطه در جامعه بین‌المللی اساساً باید توسط جامعه وضع شود و این موضوع با عملکرد یکجانبه در تضاد آشکار است. نظم امروز دنیا، پسانشوری است. بعد از جنگ جهانی دوم، فاتحان قانون را در سازمان

به حقوق بین‌الملل وجود دارد، جایی در آینده آن وجود نخواهد داشت.

دکتر احمد مومنی‌راد سومین سخنران این نشست بود که درباره «ماهیت برآمده از سازکارهای یک‌جانبه بین‌المللی» سخنرانی کرد. وی با اشاره به اینکه از سال ۱۹۴۶ در وضعیتی هستیم که در سال ۲۰۲۵ شاهد جنگ صهیونیست‌ها با مردم کشوری قانونی هستیم و همه جهان نگاه می‌کند و تنها به نوشتن قطعنامه بسنده می‌کند، گفت: این نتیجه یک‌جانبه‌گرایی امروز جهان است. امروز کشوری همچون ایران اگر بخواهد کوچکترین نقض حقوق بین‌الملل را انجام دهد، همه اروپا و غرب برای مقابله با آن بسیج می‌شوند، ولی شاهدیم که در عمل هیچ کاری با صهیونیست‌ها ندارند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با تاکید بر اینکه امروزه نظام سلطه بر اساس پایه‌های نظری خود تنها به سمت منافع خود عمل می‌کند، نه حقوق بین‌الملل، افزود: در حال فروپاشی نظری تمدن غرب هستیم؛ آمریکا حتی از شوراهایی همچون حقوق بشر، پیمان پاریس و... که خودش ایجاد کرده خارج می‌شود و هر جا منافع نامشروعش ایجاب کند به حقوق بین‌الملل پایبند هست و گرنه خیر.

وی اضافه کرد: هنوز بسیاری از کشورهای جهان گمان می‌کنند که صهیونیست‌ها در حال دفاع از خود هستند و این به صورت واضح نشان‌دهنده یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است.

تاکید کرد: اهداف نظم پسا منشوری با یک سری اهداف نمادین بسته‌بندی شده و ما در بیشتر کتاب‌ها به موارد بی‌اهمیت و کناری‌ن این نظم یعنی چند جانبه‌گرایی، ارتقاء حقوق بشر و حکومت قانون توجه داریم.

سخنران بعدی این نشست دکتر پیری بود که در خصوص «رویه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با یک‌جانبه‌گرایی بین‌المللی» سخن گفت. وی مهم‌ترین چالش امروز کشور را فقدان راهبرد نسبت به حقوق بین‌الملل دانست و افزود: رویکرد قانونی در کشور ما حتی با رویکرد اجرایی هم‌راستا نیست و این فقدان راهبرد باعث شده تا ما رویکرد مشخص نسبت به حقوق بین‌الملل نداشته باشیم و با تحولات این حوزه نتوانیم هم‌راستا شویم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران مهمترین دلیل این وضعیت را فقدان درک درست از حوزه بین‌الملل برشمرد و اضافه کرد: نگاه ما در حوزه بین‌الملل بسیار منفی و حداقلی است. طبیعتاً حقوق بین‌الملل نکات منفی و مثبتی دارد و این ابزاری است که مدل استفاده تعیین کننده سود و ضرر کشور ما است.

وی خاطرنشان کرد: ما با حقوق بین‌الملل چقدر آشنا هستیم و نیروهای ما که در سازمان‌های بین‌المللی حضور دارند چقدر آنها را می‌شناسند؟ این موضوع را با ضوابط قانونی کشور در کنار هم بگذاریم. فرآیند قانونی ما با پویایی در حقوق بین‌الملل سازگاری ندارد. وقتی چنین رویکردی نسبت



در چهارمین الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه تبیین شد؛

از نظریه نصب تا تحقق ولایت ارزیابی نقش مردم در فرآیند اعمال حاکمیت



اشاره: چهارمین جلسه از سلسله جلسات «الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» با تدریس آیت الله سعیدی، در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

است که در مراحل کسب قدرت، کاربست قدرت و نهادسازی مبتنی بر قدرت، پایش و کنترل قدرت پیگیری خواهد شد. در زیر گزارشی از این جلسه را می‌خوانید.

در این جلسه، آیت الله سعیدی با اشاره به خلاصه مطالب جلسات پیشین، بر این نکته تأکید نمودند که قصد ایشان از ارائه مطالب در این جلسات، «طراحی ساختار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی»

که کدام یک از نظریات سه‌گانه به عنوان مبنای طرح ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است؟ یا اینکه این چنین توجهی در اتخاذ مبنا مدنظر خبرگان قانون اساسی نبوده است؟ به هر حال هر پاسخی در این خصوص می‌تواند زمینه‌ساز تحصیل نگاه مقنن اساسی در مبنای مشروعیت اعمال حاکمیت و ولایت از سوی فقیه باشد.

نسبت سنجی اراده و رأی مردم با نظریه نصب

عضو مجلس خبرگان رهبری در ادامه مباحث تشریح نظریه نصب، گفت: فارغ از مباحثی که تا کنون در زوایای گوناگون این نظریه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، ما به دنبال پاسخ به یک پرسش مهم در این زمینه هستیم و آن سؤال این است که: «در نظریه نصب، مشروعیت اعمال ولایت از سوی فقیه - در معنای فقهی کلمه - آیا تابعی است از اراده مردم یا خیر؟» به تعبیر دیگر، هنگامی که از نصب و جعل حاکم به وسیله معصوم سخن به میان می‌آوریم، آیا رأی و نظر مردم در این مشروعیت، از منظر فقهی اثرگذار است؟

استاد درس خارج حوزه علمیه در ادامه افزود: در پاسخ ممکن است دو فرضیه مطرح بشود؛ نخست اینکه گفته شود رضایت عامه به عنوان یکی از ادله لفظی‌های است که برای اعمال ولایت فقیه مطرح می‌شود. در ابطال



ضرورت تحصیل رویکرد تدوین‌کنندگان قانون اساسی در باب نظریات مشروعیت اعمال ولایت از سوی فقیه

آیت الله سعدی با تأکید بر این نکته مهم جلسه را شروع نمود که ضروری است تا نگاه تدوین‌کنندگان قانون اساسی در باب نظریات سه‌گانه مطرح در حوزه مشروعیت اعمال حاکمیت و ولایت فقیه (نظریه نصب، نظریه نخب و نظریه مشروعیت دوپایه) از مشروح مذاکرات مجالس بررسی نهایی قانون اساسی (سال ۱۳۵۸) و بازنگری قانون اساسی (سال ۱۳۶۸) استنباط شود.

وی در چرایی ضرورت این کار افزود: این استنتاج ما را به این مهم رهنمون می‌شود

این فرضیه، گفتنی است که با بررسی ادله لفظی شرعی از جمله روایات معصومین علیهم السلام، شرطیت رأی مردم و رضایت عامه را شاهد نیستیم.

فرضیه دوم این است که تعیین مجموع اوصاف کسانی که در دوران غیبت از ولایت برخوردارند - فقهاء - از سوی معصومین علیهم السلام را نباید «عام مجموعی» تلقی نمود و بایستی آن را «عام استغراقی یا شمولی» دانست. از این رو، این سؤال ایجاد می‌شود که در صورت تکثر کسانی که واجد اوصاف پیش گفته هستند، چه باید کرد؟ صاحبان این فرضیه، این گونه پاسخ می‌دهند که رأی مردم در این موارد، نقش آفرینی می‌کند. این فرض که نقش مردم در نصب ولی فقیه نیست بلکه در تعیین منصوب است، آن هنگامی که تکثر مصداق پیدا می‌شود قابل بررسی است.

مراتب سه گانه ولایت

آیت الله سعدی در ادامه به منظور تفکیک بین مرتبه تولی با ولایت اشاره نمود: مرحله نخست را برخی از آقایان فقهاء، مرتبه واجدیت، استعداد و صلاحیت بیان می‌کنند که به نظر می‌رسد این مرتبه، مرتبه‌ای ثبوتی بوده و جزء مراحل ولایت به حساب نمی‌آید. مرتبه دوم را، جعل و نصب عنوان می‌شود. مرتبه سوم نیز مرتبه تحقق خارجی است که از آن به سلطنت تعبیر می‌شود. فرض نقش مردم را می‌توان در مرتبه دوم و مرتبه سوم مورد بررسی قرار داد. در مرتبه

دوم چنانچه قائل به نقش مردم باشیم باید این را بپذیریم که اگر رضایت عامه مردم (در قالب رأی اکثریت) در اعمال ولایت نباشد، در این صورت آن فقیه واجد ولایت نخواهد بود. اما به نظر می‌رسد در این جا، ممنوعیت از اعمال ولایت (در قالب عدم اقبال مردم و قبول نمودن ایشان) موجب محرومیت از ولایت نیست؛ همانگونه که در خصوص اهل بیت علیهم السلام داشتیم که غصب خلافت ایشان موجب محرومیت ایشان از صاحب ولایت بودن ایشان نبود.

در مرتبه سوم اما، می‌توان نقش مردم را در اعمال ولایت و تحقق حاکمیت فقیه مورد لحاظ قرار داد که البته در اینجا بایستی دو مقام و دو نظریه «إناطه تکوینیه» و «إناطه شرعیه» را بررسی کرد.

تفصیل اینکه، بایستی دید اگر مردم در مرتبه تحقق ولایت حضور نداشتند اما فقیه توانست به هر طریقی حکومت را برپا سازد، اگر قسول به إناطه تکوینیه اقبال و حضور مردم در ولایت فقیه مورد تمسک قرار گیرد نتیجه این خواهد بود که اشکالی بر این نوع حکومت و اعمال ولایت نخواهد بود. اما چنانچه إناطه شرعیه مد نظر باشد بایستی گفت این چنین اعمال ولایتی از نظر شرع ممنوع است. بررسی این دو نظریه نیز در آینده ارائه خواهد شد ان شاء الله تعالی.

استاد سعدی در انتهای جلسه نیز به سؤالات پژوهشگران پیرامون مباحث ارائه شده پرداخت.



در بیست و نهمین نشست حکمرانی از نظر تا عمل عنوان شد:

فیروز آبادی: تضعیف حاکمیت ملی، اخبار جعلی، خدشه به امنیت و حریم خصوصی مهمترین چالش‌های حکمرانی فضای مجازی است



اشاره: : بیست و نهمین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی «حکمرانی از نظر تا عمل» با رویکرد ارزیابی و آسیب‌شناسی نظام حکمرانی ایران در دو حوزه «نظری» و «کارکردی»، با موضوع «الزامات حکمرانی مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه فضای مجازی و بررسی چالش‌های پیش‌رو» در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور جمعی از پژوهشگران این پژوهشکده برگزار شد. در این بخش گزارشی از این نشست را می‌خوانید:

عنوان حکمرانی از آن یاد می‌شود، با مفهوم حکمرانی در دهه‌های قبلی کاملاً متفاوت است. امروزه واژه حکمرانی، یک مفهوم گفتمانی است و دائماً در حال تغییر و تطور است.

در این نشست دکتر سیدابوالحسن فیروزآبادی، دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی کشور، ابتدا روند شکل‌گیری و تکامل کشورها در حوزه حکمرانی فضای مجازی را شرح داد و افزود: امروزه آن چیزی که در کشورها تحت

وی یکی از راهکارهای مهم و اساسی تحول در حکمرانی فضای مجازی را قلمروسازی توصیف کرد و گفت: ما در بسیاری از حوزه‌های فضای مجازی می‌توانیم قلمروسازی کنیم و برای خودمان قلمرو هدف تعیین کنیم؛ نظیر جهان اسلام، جهان تشیع، کشورهای دوست و همجوار. این‌ها برخی از مصادیق قلمروسازی در فضای مجازی است که همانطور که پلنفرم‌های آمریکایی از مرزهای ما عبور می‌کنند، ما هم به کمک همین قلمروسازی بتوانیم از مرزهای کشورهای دیگر عبور کنیم و در حوزه‌های مختلفی اثرگذاری کنیم؛ به عنوان مثال ارائه خدمات اقتصادی از بستر همین فضای مجازی.

دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی با اظهار به اینکه کشورها به سمت جهانی‌شدن در حال حرکت هستند ادامه داد: جهانی‌شدن نه به صورت مطلق خوب است و نه بد؛ جهانی‌شدن مبنای تاریخی و بشری دارد. بشر روزی که از غار بیرون آمد می‌خواست که با دیگران ارتباط برقرار کند. هدف پیامبران هم امت‌سازی و جهانی‌شدن دین حق و عدالت بوده است. لذا ما با یک پدیده عقلی، تاریخی و جهانی به نام جهانی‌شدن مواجه هستیم. این جهانی‌شدن که همه جوامع نسبت به آن اتفاق نظر دارند، آمریکایی‌ها به آن به چشم یک پروژه نگاه می‌کنند. پس جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات جهانی به تنهایی امر مذمومی نیست؛ آن چیزی که مذموم است این است که جمهوری اسلامی در عرصه جهانی‌شدن در زمین آمریکایی‌ها بازی کند.

وی با تبیین الگوی «حکمرانی چندسطحی در فضای مجازی»، اعمال حکمرانی در سه حوزه



وی در بخشی از سخنانشان به راهکارهایی که امروزه ایران در حوزه حکمرانی فضای مجازی می‌بایست سرلوحه کار خود قرار دهد عنوان کرد: برای ورزشی مثل فوتبال، شما حاضرید که از کشورها دیگر مربی خارجی بیاورید، مسابقات منطقه‌ای و جهانی برگزار کنید، اما در حوزه مسائل علمی چنین قابلیت‌هایی را به کار نمی‌گیرید. در همین حوزه فضای مجازی، نه حاضریم از افراد خبره و صاحب‌نظر خارجی برای یادگیری مهارت‌ها استفاده کنیم، نه برای ارتقای کارآمدی فضای مجازی در داخل و خارج رقابت ایجاد کنیم و نه حاضریم سرمایه‌گذاری کنیم.

وی در ادامه افزود: امروزه تحول دیجیتال تحول در ساختار و فرآیند و سامانه است. پایه هدایت گفتمان حکمرانی آگاهی‌بخشی و سواد دیجیتال است و ما باید در این زمینه فعال باشیم و گفتمان‌سازی کنیم. این گفتمان‌سازی از دل اقشار و قومیت‌ها و اصناف و جامعه مدنی پدیدار می‌شود. لذا مراکزی مثل رسانه ملی که با هدف رساندن صدای حکومت به مردم تشکیل شده، موقعیت مناسبی برای گفتمان‌سازی در حوزه فضای مجازی ندارد.

راهکار دستیابی در این حوزه نیازمند تلاش و فعالیت‌ها منطقه‌ای و همکاری با سایر کشورهای دوست در این راستا است.

دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی در ارتباط با مشارکت مردم در حکمرانی فضای مجازی بیان داشت: ما باید در سطوح حاکمیت یک سطح حکمرانی خاکسری تعریف کنیم که همه مردم در آن مشارکت داشته باشند. متأسفانه نظام تنظیم‌گری در کشور ما به کلی در دست دولت است و مردم هیچ مشارکتی در این زمینه ندارند. به عبارتی، اجازه ندادیم که مردم در زمینه حکمرانی و تنظیم‌گری مشارکت نمایند.

همچنین در پایان، آقای فیروزآبادی به تشریح مهم‌ترین مصادیق چالش‌های حکمرانی فضای مجازی از جمله تضعیف حاکمیت ملی، به چالش کشیده‌شدن مرزها، تولید اخبار جعلی، ایجاد خدشه به امور قضایی و امنیت‌داری‌های سرمایه‌ای، خدشه به حفاظت از زیرساخت‌ها و نیز شکستن حریم خصوصی افراد اشاره کرد.

محلی، منطقه‌ای و جهانی را امری ضروری دانست و عنوان کرد: امروزه یکی از مهم‌ترین اقدامات لازم در عرصه حکمرانی بین‌المللی، توجه به نهادها و بازیگران بین‌المللی از جمله غول‌های فناوری و همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه است. ما باید در این نظم جهانی که امروزه در حوزه فناوری‌های نوین و نیز فضای مجازی شکل گرفته، خودمان را جانمایی کنیم. سهم و جایگاه و اثرگذاری خودمان را در این حوزه جهانی و حکمرانی بین‌المللی در فضای مجازی پیدا کنیم. دکتر فیروزآبادی با بیان اینکه امروزه رشد و پیشرفت در حوزه فناوری‌های نوین و عرصه فضای مجازی نیازمند هزینه‌های زیادی است گفت: در حال حاضر ما در حوزه قلمروسازی نمی‌توانیم به تنهایی عمل کنیم. به‌عنوان مثال در حوزه سیستم عامل نمی‌توانیم به تنهایی قلمروسازی کنیم؛ یا اینکه در حوزه دستیابی به منظومه‌های ماهواره‌ای مثل استارلینک نمی‌توانیم به تنهایی عمل کنیم چراکه هم هزینه بسیار بالایی دارد و هم به تکنولوژی بالایی نیاز دارد. به همین خاطر،





تحلیل اصل ۶۱ قانون اساسی در جلسه شرح فقهی قانون اساسی؛

آیت‌الله کعبی: قوه قضائیه موظف است حقوق ضعیفان را شناسایی و استیفاء نماید



اشاره: جلسه شرح فقهی قانون اساسی در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ با حضور جمعی از پژوهشگران، در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید. در این جلسه آیت‌الله کعبی به تحلیل ابعاد متعدد اصل ۶۱ قانون اساسی پرداخته و جوانب مختلف این اصل را مورد بررسی قرار دادند. از جمله محورهایی که در این جلسه مورد تأکید آیت‌الله کعبی قرار گرفت، می‌توان به مواردی همچون «جایگاه قسط و عدل در نظام قضایی اسلام» و «دلّه پشتیبان اصل ۶۱ قانون اساسی در منابع اسلامی» اشاره نمود. مشروح مطالب این جلسه در ادامه تقدیم می‌گردد.

هست؛ یعنی وظایفی که اولاً و بالذات بر عهده کل نظام اسلامی است؛ اما نظام در تقسیم‌بندی قوای سه‌گانه آن‌ها را بر عهده قوه قضائیه قرار داده است.

عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری در رابطه با وظایف قوه قضائیه تأکید کرد: وظایف قوه قضائیه تنها حل و فصل دعاوی نیست؛ بلکه وظایف سلطانی هم

موارد از جمله موانع تحقق عدالت محسوب می‌شود. موارد بیان‌شده از آموزه‌های قرآن کریم است.

عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر لزوم برخورد عادلانه با مخالفان تصریح کرد: یکی از مصادیق عدالت در برابر مخالفان، مسئله «بغی» است. بخشی از بغی به کتاب الجهاد و اقدام مسلحانه بر می‌گردد؛ اما بخشی از آن به جرائم امنیتی و سیاسی، حق اعتراض عمومی و تضمین آزادی‌های مشروع سیاسی بازگشت می‌کند. قرآن کریم در این زمینه بیان می‌کند اگر مخالفان، اصل نظام اسلامی را قبول کردند، با آن‌ها صلح کنید و حقوق این افراد را لحاظ کنید.

آیت‌الله کعبی با اشاره به کلمات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تأکید کرد: امام علی (علیه‌السلام) وظیفه حاکم را این می‌داند که عدالت را حتی نسبت به دستگاه حکومتی و کارگزاران حکومت نیز اجرا کند. بر اساس اصل ۶۱ قانون اساسی این مسئله بر عهده قوه قضائیه بوده و اجرای عدالت نسبت به کارگزاران حکومتی در مقام توزیع قدرت از جمله وظایف این قوه قلمداد شده است.

وی با اشاره به نامه حضرت امیر به مالک اشتر بیان کرد: بر اساس بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قداست جامعه اسلامی به این است که حقوق ضعیفان پامال نشود. حالا حقوق ضعیفان ممکن است حقوق فرهنگی،

ماهیت این وظایف، فضای عمومی است؛ یعنی حل و فصل خصومت میان سازمان‌های حقوقی.

آیت‌الله کعبی در تشریح ادله پشتیبان اصل ۶۱ قانونی اساسی اضافه کرد: بخشی از ادله، توجه ویژه اسلام را به قسط، عدل و حکم به حق نشان می‌دهد؛ به این معنا که باید در این زمینه بسترسازی کرد. از جمله تفاوت‌های قسط و عدل این است که عدل به این معنا است که حق به حق‌دار برسد؛ اما قسط به معنای توزیع عدل بوده و جنبه عمومی عدل را به نمایش می‌گذارد.

وی در ادامه با اشاره به کیفیت اجرای قسط و عدل تصریح کرد: پشتوانه اجرایی قسط یا عدل عمومی و احقاق حق عمومی، قدرت است. این مسئله در تقسیم قوا به قوه قضائیه سپرده شده است. از ادله اسلامی استفاده می‌شود که یکی از اهداف محوری بعثت انبیاء، قانون‌گذاری دینی و موازین اسلامی، تحقق عدل عمومی و قسط است؛ که سلاح ضمانت اجرای آن می‌باشد.

نائب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با طرح آیات متعدد موجود در این زمینه بیان کرد: در تحقق عدالت عمومی نباید امتیازخواهی، ویژه‌خواری و قوم و خویش سالاری وجود داشته باشد. همچنین دشمنی با یک عده نباید باعث شود شما حق را به حق‌دار ندهید. این

بیان کرد: ادله امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که این مسئله فراتر از امر و نهی لسانی است؛ چراکه گستره این ادله ممانعت از منکر و الزام به معروف را نیز در بر می‌گیرد. طی کردن این فرایند، یک دستگاه منسجم می‌خواهد؛ و این دستگاه همان قوه قضائیه است.

وی با اشاره به بخش دیگری از تراث امامیه تصریح کرد: بخشی از ادله اسلامی نشان می‌دهد که وظیفه حکومت، جلب مصالح و دفع مفاسد است؛ یعنی جایی که مفاسد اقتصادی واقع شود، تعرض به حقوق عمومی صورت بگیرد یا عدالت نقض شود، حکومت اسلامی باید ورود کند. همچنین اطلاقات و عموماتی که مسئولین امر را در برابر ترک فعلشان مسئول می‌داند در این زمینه قابل استفاده هستند. قوه قضائیه باید در این زمینه نظارت داشته باشد.

نائب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تشریح مسئولیت کارگزاران حکومت اسلامی بیان کرد: کارگزاران حکومت باید به صورت کارآمد فعالیت کنند؛ در غیر این صورت باید مورد پرسش واقع شوند. بخشی از این پرسش در نظام حقوقی ما از بابت نظارت پارلمانی بر عهده قوه مقننه است؛ و بخش دیگر آن از بابت نظارت سیاسی بر عهده قوه قضائیه قرار داده شده است.

اجتماعی، اقتصادی و... باشد. قوه قضائیه موظف است این حقوق را شناسایی نموده و استیفاء نماید؛ به عنوان مثال ما امروز به انواع ناترازی‌های بودجه و ... گرفتار شده‌ایم. قوه قضائیه باید در این موارد ورود کند. اعمال قوه قضائیه لزوماً به معنای تشکیل دادگاه نیست؛ بلکه باید بر اصلاح فرایندها نظارت کند.


نائب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با تأکید بر اشخاص مرتبط با طبقه حکمران و خواص جامعه تصریح کرد: ادله اسلامی با شناسایی برخی از رفتارهای ناشایست این طبقه همچون انحصارطلبی، ویژه خواری، تجاوز به حقوق عمومی و بی‌انصافی در معاملات، به کارگزاران تأکید می‌کند که گلوگاه‌های فساد را از بین ببرند. این مسئله وظیفه قوه قضائیه است. این می‌شود همان حفظ حقوق عمومی و گسترش عدل که در اصل ۶۱ آمده است.


عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری با تشریح بخش دیگر ادله موجود در این زمینه تأکید کرد: جلوگیری از ظلم به میزانی پر اهمیت است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌گوید: اگر حسن و حسین (علیهما السلام) مرتکب این افعال می‌شدند، در برخورد با آنها درنگ نمی‌کردم. این موارد بخشی از ادله حفظ حقوق عمومی و گسترش عدل و اقامه حدود است که ذیل اصل ۶۱ قانون اساسی آمده است.

آیت‌الله کعبی با اشاره به جایگاه مسئله امر به معروف و نهی از منکر در این مبحث،



در بیستمین جلسه نقد کتاب مطرح شد:

مرادخانی: وجه حقوقی مشروطیت، تاکنون تبیین نشده است 

احسانی: نویسنده باید بی طرفی خود را در بررسی حوادث مختلف تاریخی حفظ کند 

اشاره: بیستمین نشست از سلسله نشست‌های نقد کتاب با همت پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید. در این نشست که در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ برگزار شد، کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران» نوشته جناب آقای دکتر فردین مرادخانی عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان، از سوی دکتر رضا احسانی پژوهشگر حوزه قانون پژوهی و قاضی دادگستری و دکتر قدرت الله رحمانی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.



به همراه سایر آثار مؤلف در خصوص تاریخ مشروطه، پازل فکری ایشان را تکمیل می‌کند. وی در ادامه، این اثر را به مثابه رویکردی حقوقی نسبت به مفاهیم سیاسی دانست و از بی‌توجهی به ریشه‌های تاریخی حقوق، انتقاد نمود.

دکتر احسانی به این نکته نیز اشاره نمود که مسائل ۱۵۰ ساله اخیر ما، همچنان برای ما به عنوان مسأله محسوب می‌شوند و در آینده نیز محسوب خواهند شد. پژوهشگر حوزه قانون‌پژوهی، یکی از امتیازات این کتاب را توجه دادن مخاطبین به دوره‌های تاریخی دانست که در خصوص آن، فعالیت چندان‌ی صورت نگرفته است.

دکتر احسانی در ادامه، نقدهای خود به کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران» را به صورت مفصل و در سه ساحت شکلی، ماهوی و ساختاری بیان نمود. یکی از ایرادات کتاب از نگاه وی، سوگیری مثبت یا منفی نویسنده نسبت به برخی از افراد بود،

در این نشست ابتدا آقای دکتر مرادخانی مؤلف کتاب به تبیین مختصری از دوره مشروطیت پرداخت و به این نکته اشاره نمود که مشروطیت ایران، حادثه‌ای منحصر بفرد بود؛ چرا که برخلاف مشروطیت در غرب، مشروطه ایرانی صرفاً معادل تحدید قدرت نبوده، بلکه به معنای آغاز ورود تجدد و مدرنیته به ایران نیز می‌باشد.

در ادامه، نویسنده کتاب «پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران» به این نکته اشاره کرد که در این کتاب، مفاهیم متعددی همانند آزادی، برابری، حاکمیت، پارلمان و... مورد بررسی قرار گرفته‌اند. وی یکی از معایب بزرگ کتاب‌هایی که در مورد شخصیت‌های بزرگ تاریخی نوشته شده‌اند را عبارت از این دانست که به بُعد حقوقی زندگی آنها توجه نشده است.

عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا این نکته را مورد توجه قرار داد که در جریان نگارش آثاری که مرتبط با مباحث تاریخی است، برخی از دانشجویان و همچنین نویسندگان، به منابع دست اول مراجعه ننموده و مطالب خود را به منابع غیر اصیل مستند می‌سازند و حال اینکه در این کتاب سعی شده تا صرفاً به منابع دست اول استناد و ارجاع داده شود.

آقای دکتر رضا احسانی به عنوان نخستین ناقد در این نشست، ابتدا برخی از محاسن کتاب مورد نقد را بیان نمود. در این جهت، وی به این نکته اشاره کرد که این کتاب

آثار مثبت اشاره دارد، استفاده می‌شد. در انتهای این نشست، نویسنده کتاب به بررسی نقدها و نکات بیان شده از سوی ناقدین محترم پرداخت. در این راستا، عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا ضمن پذیرش ایرادات شکلی کتاب، به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم بازخوانی متن کتاب توسط تعدادی از دانشجویان و اساتید، باز هم برخی از ایرادات و نکات شکلی باقی مانده است. وی در پایان به موضوع بی‌طرفی نویسنده آثار مربوط به حوزه علوم انسانی پرداخت و این سؤال را مطرح نمود که اساساً آیا بی‌طرفی نویسنده در این حوزه امکان‌پذیر است. وی بر این باور بود که حتی انتخاب یک موضوع از سوی نویسنده نیز، می‌تواند نشانه‌ای از بی‌طرف نبودن وی باشد و به تعبیر دیگر، انتخاب موضوع از سوی نویسنده، به معنای نشان دادن گرایش و تمایل وی می‌باشد.



در حالی که نویسنده باید بی‌طرفی خود را در بررسی حوادث مختلف تاریخی حفظ می‌کرد. ایراد دیگر کتاب از نگاه وی، عدم ارائه تحلیل کافی از سوی نویسنده در برخی موارد بود.

دومین ناقد، در سخنان خود، ابتدا ویژگی‌های نویسنده کتاب مورد نقد را برشمرد. از نگاه وی، یکی از ویژگی‌های نویسنده، دقت و وسواس ایشان در مراجعه به منابع است. آقای دکتر رحمانی در ادامه برخی از نقدهای مربوط به کتاب را مورد اشاره قرار داد. در این خصوص، وی به این موضوع اشاره کرد که هرچند در متن کتاب ارجاعات فراوانی به منابع مختلف وجود دارد، اما برخی از مطالب مهم، فاقد ارجاع هستند و مشخص نیست که آیا این مطالب، نظر و دیدگاه شخصی نویسنده است تا نیاز به استناد نداشته باشد یا از دیگران نقل شده، اما در ذکر منبع غفلت صورت گرفته است.

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی به این نکته نیز اشاره کرد که موضوع گزینش یک روایت از بین روایت‌های متعدد تاریخی، موضوع مهمی است و نویسنده سعی کرده است تا در این مسیر، دچار سوگیری نشود. وی در انتها افزود هدف نویسنده کتاب، بیان آثار و نتایج مثبت مشروطیت بوده است، اما در عنوان کتاب، از واژه «پیامدها» استفاده شده است که هم شامل آثار مثبت و هم شامل آثار منفی می‌شود. این در حالی است که بهتر بود از واژه «دستاوردها» که صرفاً به

کارنامه؛



گفتگو با مدیران

اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان در آموزش قانون اساسی برای کودکان در گفتگو با دکتر علی فتاحی زفرقندی؛

آموزش قانون اساسی به کودکان و نوجوانان: کلید تربیت شهروندان آگاه و مسئول



اشاره: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان میثاق ملی مردم ایران در تشکیل نظام سیاسی بر پایه‌ی آموزه‌های شریعت اسلام، همانند سایر قوانین اساسی دربردارنده‌ی مهمترین آرمان‌ها و ارزش‌های مردم و حکومت، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقامات عالی و نهادهای اساسی حاکمیت و تبیین حقوق و آزادی‌های ملت و تضمین آن می‌باشد. این میثاق ملی به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین سند قانونی کشور دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظامات آموزش رسمی و غیر رسمی می‌باشد، چرا که اصلی‌ترین نقش در تحقق تربیت سیاسی و انتقال بین‌نسلی ارزش‌های جامعه را بر عهده دارد.

چرا آموزش قانون اساسی به کودکان و نوجوانان اهمیت دارد؟

📌 **دکتر فتاحی:** بسم الله الرحمن الرحيم. آموزش قانون اساسی به کودکان و نوجوانان از چند منظر اهمیت دارد. پیش از هر چیز، این آموزش به جامعه‌پذیری سیاسی کودکان کمک می‌کند و آن‌ها را با ارزش‌ها و هنجارهای نظام سیاسی آشنا می‌سازد. از سوی دیگر، انتقال این ارزش‌ها از نسل فعلی به نسل‌های آینده، موجب پیشگیری از گسست‌های نسلی می‌شود. نکته دیگر، تقویت حس تعلق به نظام سیاسی کشور است. کودکان و نوجوانانی که با قانون اساسی آشنا شوند، به درک عمیق‌تری از اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌رسند و نقش خود را به‌عنوان شهروندانی مسئول و آگاه بهتر ایفا می‌کنند.

این در حالی است که وضعیت آموزش قانون اساسی در ایران با وجود اهمیت وافر آن، چه در حوزه آموزش رسمی و چه در حوزه آموزش غیررسمی وضعیت مطلوبی ندارد و بازنگری جدی در طراحی نحوه‌ی آموزش قانون اساسی به ویژه از سنین پایه ضروری به‌نظر می‌رسد. با درک این ضرورت و با عنایت به خلاءهای جدی موجود در این زمینه، پژوهشکده شورای نگهبان در سال‌های اخیر گام‌هایی برای رفع این خلأ و آشنا کردن نسل جدید با اصول قانون اساسی برداشته است. در گفت‌وگو با دکتر علی فتاحی زفرقندی، قائم‌مقام این پژوهشکده، به بررسی اهمیت این موضوع و اقدامات انجام‌شده پرداخته‌ایم.



وضعیت آموزش قانون اساسی در ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟

❖ **دکتر فتاحی:** متأسفانه آموزش قانون اساسی در ایران با وجود اهمیت آن، وضعیت مناسبی ندارد. در نظام آموزش رسمی، قانون اساسی معمولاً به صورت بخش کوچکی از دروس حقوقی یا مطالعات اجتماعی تدریس می‌شود و فرصت کافی برای درک عمیق این موضوع وجود ندارد. چالش اصلی در این زمینه، نبود برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ است. محتوای آموزشی غالباً پراکنده و غیرهدفمند است و گاه به تکرار مباحث کلیشه‌ای و غیرکاربردی محدود می‌شود. علاوه بر این، کمبود اساتید متخصص، منابع آموزشی متناسب و رویکردهای جناحی به موضوع قانون اساسی، مشکلات را دوچندان کرده است.

آیا پژوهش‌کننده شورای نگهبان از تجربیات سایر کشورها بهره گرفته است؟

❖ **دکتر فتاحی:** بله، ما تجربیات کشورهای مختلف را بررسی کرده‌ایم. کشورهایمانند آمریکا، هند، چین و قطر در این زمینه اقدامات مؤثری انجام داده‌اند. به عنوان مثال، در این کشورها از ابزارهایی نظیر کتاب‌های داستانی مصور، برنامه‌های تعاملی، بازی‌های دیجیتال و بازدیدهای میدانی برای آموزش قانون اساسی استفاده می‌شود. ما نیز در پژوهش‌کننده از این روش‌ها الگو گرفته‌ایم و تلاش می‌کنیم مفاهیم قانون اساسی را به شیوه‌ای ساده‌تر و جذاب‌تر برای کودکان و نوجوانان طراحی کنیم.

روش‌های آموزش قانون اساسی در کشورهای دیگر چگونه است؟

❖ **دکتر فتاحی:** در بسیاری از کشورها، آموزش قانون اساسی از مدرسه آغاز می‌شود. در آمریکا، درس‌های "آموزش مدنی" یا "حکومت" شامل موضوعاتی مانند تفکیک قوا، حقوق شهروندی و نحوه عملکرد دولت هستند. در کشورهای اروپایی مانند آلمان، علاوه بر آموزش رسمی در مدارس، برنامه‌های غیررسمی نیز از طریق رسانه‌ها و نهادهای مردمی اجرا می‌شوند. در کشورهای اسکاندیناوی، روش‌های تعاملی و خلاقانه‌ای مانند کارگاه‌های شبیه‌سازی مجلس یا دادگاه به کار گرفته می‌شوند. این برنامه‌ها دانش‌آموزان را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری تشویق می‌کنند. چنین تجربیاتی می‌توانند الگویی مناسب برای ایران باشند.

پژوهش‌کننده شورای نگهبان چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است؟

❖ **دکتر فتاحی:** پژوهش‌کننده شورای نگهبان تاکنون اقدامات متنوعی برای ترویج آموزش قانون اساسی انجام داده است.

یکی از اقدامات مهم ما، انجام تحقیقات گسترده برای شناسایی نیازهای آموزشی کودکان و نوجوانان بوده است. در این تحقیقات، روش‌های بین‌المللی بررسی شده

برخی موانع فرهنگی و اجتماعی ممکن است اجرای این برنامه‌ها را دشوار کنند. با این حال، ما امیدواریم با همراهی نهادهای ذی‌ربط، این موانع را پشت سر بگذاریم و بتوانیم آموزش قانون اساسی را به جایگاه شایسته‌اش برسانیم.

چشم‌انداز این برنامه‌ها چیست؟

📌 **دکتر فتاحی:** هدف ما این است که قانون اساسی به‌عنوان "قانون مادر" در ذهن و قلب کودکان و نوجوانان جای بگیرد. ما می‌خواهیم آن‌ها به شهروندانی مسئول، آگاه و متعهد به ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی تبدیل شوند امیدواریم با همکاری تمامی نهادها و رفع موانع، بتوانیم به این چشم‌انداز دست پیدا کنیم و آموزش قانون اساسی را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ عمومی جامعه نهادینه کنیم.

از توضیحات شما بسیار سپاسگزارم.

و محتوای آموزشی متناسب با گروه‌های سنی مختلف طراحی شده است. ما همچنین رویداد علمی "بنیان اساسی" را برگزار کردیم که هدف آن آگاهی‌بخشی به تولیدکنندگان محتوا درباره اهمیت آموزش قانون اساسی و تشویق آن‌ها به خلق آثار خلاقانه بود. یکی دیگر از اقدامات ما طراحی نشان ویژه "قانون مادر" است که به‌عنوان هویتی بصری، پیام‌های آموزشی مرتبط با قانون اساسی را به کودکان منتقل می‌کند. در زمینه تولید محتوا نیز فعالیت‌هایی انجام شده است. کتاب‌های داستانی، انیمیشن‌های آموزشی و بازی‌های دیجیتال در حال تولید هستند که مفاهیم قانون اساسی را به زبانی ساده و جذاب منتقل می‌کنند. علاوه بر این، پیشنهادهایی برای گنجاندن مفاهیم قانون اساسی در برنامه درسی مدارس ارائه کرده‌ایم و در حال مذاکره با نهادهای مربوطه هستیم تا این هدف به شکل رسمی‌تری محقق شود.

چه چالش‌هایی در مسیر تحقق این برنامه‌ها وجود دارد؟

📌 **دکتر فتاحی:** چالش‌های

متعددی در این مسیر وجود دارد. نبود متولی مشخص برای آموزش قانون اساسی یکی از مهم‌ترین موانع است. همچنین، کمبود بودجه و منابع آموزشی مناسب نیز مشکلاتی جدی هستند. از سوی دیگر،



دفتر مذاکرات؛



مشروح مذاکرات شورای نگهبان

روایت مستند تاریخی از اولین جلسات شورای نگهبان

انطباق یا عدم مغایرت؟ جدال تفسیری اعضای شورای نگهبان در مسیر قانون گذاری



تهیه و تنظیم:
پژوهشکده شورای نگهبان

اشاره: این متن، گزیده‌ای از مذاکرات اعضای شورای نگهبان در دو جلسه‌ی مورخ ۲۰ و ۲۶ خرداد سال ۱۳۶۱ با موضوع چگونگی رأی‌گیری درباره‌ی مصوبات مجلس شورای و بررسی تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی است. بحث اصلی بر سر تفسیر اصول مختلف قانون اساسی (۱۳۵۸)، به ویژه اصول ۴، ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶، و تعیین اینکه وظیفه‌ی شورای نگهبان، تشخیص «مغایرت» مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع است، یا تشخیص «عدم مغایرت» و یا «انطباق» آن‌ها است.

دیدگاه اول: تأکید بر تشخیص مغایرت

■ بر اساس این دیدگاه، وظیفه اصلی شورای نگهبان تشخیص مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی است.

■ اگر مصوبه‌ای مغایر با شرع یا قانون اساسی بود، شورا باید آن را رد کند.

■ در صورتی که مصوبه مغایرتی نداشت، خودبه‌خود قابل اجرا است و نیازی به تأیید شورا ندارد.

■ به عبارتی، شورای نگهبان نقش ترمز را دارد، نه نقش گاز.

■ این دیدگاه بر اساس اصول ۷۲ و ۹۴ قانون اساسی است.

■ بر اساس این دیدگاه، معیار اصلی برای رد مصوبات مجلس، "مغایرت" با شرع و قانون اساسی است.

دیدگاه دوم: تأکید بر تشخیص عدم مغایرت (یا انطباق)

■ این دیدگاه معتقد است که وظیفه شورای نگهبان تشخیص "عدم مغایرت" مصوبات با شرع و قانون اساسی است.

■ بر اساس این دیدگاه، شورا باید با اکثریت

اعضای شورا در مورد معیار تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت، به‌خصوص در شرایطی که رأی اعضای شورا به تساوی یا اکثریت نرسد و نقش اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر اسلامی بودن قوانین در این تشخیص، اختلاف نظر دارند.

برخی از اعضا بر این باورند که شورای نگهبان موظف به «تأیید» مصوبات مجلس نیست و صرفاً باید مصوبات مغایر با موازین شرع و قانون اساسی را به مجلس برگرداند. بر مبنای این برداشت، اگر مصوبه‌ای مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی نداشت، خودبه‌خود تبدیل به قانون می‌شود و نیازی هم به اعلام نظر شورای نگهبان نیست. در مقابل اما برخی دیگر از اعضای شورا معتقدند صرف‌نظر از اینکه وظیفه‌ی این شورا تشخیص «مغایرت»، «عدم مغایرت»، «انطباق» و موافقت باشد، «اکثریت اعضا» باید «به تشخیص برسند» و ممکن است نتوانند «عدم مغایرت» مصوبه را احراز کنند و در این صورت آیا می‌توان گفت مصوبه‌ی مجلس بدون نیاز به اعلام نظر شورا تبدیل به قانون خواهد شد؟

در نهایت، مذاکرات نشان از چالش‌های تفسیر و اجرای قانون اساسی در تعامل میان قوای مقننه و نظارتی دارد.

این دیدگاه‌ها را می‌توان به‌طور خلاصه به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

فقها اعلام کند که مصوبه با شرع مغایرتی ندارد.

■ در صورت عدم احراز عدم مغایرت، مصوبه قابل اجرا نخواهد بود.

■ این دیدگاه بر اساس اصول ۹۱، ۹۶ و بخشی از اصل ۹۴ قانون اساسی است.

■ بر اساس این دیدگاه، معیار اصلی برای تأیید مصوبات مجلس، "عدم مغایرت" است.

دیدگاه سوم: یکسان بودن معیارها در شرع و قانون اساسی

■ برخی از اعضا معتقدند که در بررسی مصوبات، تفاوتی بین شرع و قانون اساسی وجود ندارد.

■ هر معیاری که در سنجش مصوبات با قانون اساسی پذیرفته شود، همان معیار باید در سنجش با شرع نیز معتبر باشد.

■ به گفته آقای صانعی، هر آنچه که در قانون اساسی معتبر است، در شرع نیز معتبر است.

دیدگاه چهارم: تفاوت بین موارد منصوص و غیر منصوص در شرع

■ برخی دیگر از اعضا معتقدند که باید بین مواردی که در شرع نص صریحی در مورد آنها وجود دارد و مواردی که نص

صریحی وجود ندارد، تفاوت قائل شد.

■ در مواردی که نص شرعی وجود دارد، مجلس حق قانون‌گذاری برخلاف آن را ندارد.

■ اما در مواردی که نص شرعی وجود ندارد، مجلس می‌تواند قانون‌گذاری کند، به شرطی که مخالف با شرع نباشد.

■ در این موارد، معیار عدم مغایرت با اصول کلی شرع است.

دیدگاه پنجم: اصل بودن مجلس در قانون‌گذاری

■ برخی معتقدند که اصل بر این است که مصوبات مجلس مطابق شرع است و شورای نگهبان تنها برای جلوگیری از تصویب قوانین مغایر با شرع و قانون اساسی است.

■ بر اساس این دیدگاه، اگر مصوبه‌ای خلاف شرع نباشد، دلیلی برای رد آن وجود ندارد.

مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص را برای نخستین بار منتشر می‌شود، بخوانید:



آقای رضوانی: بسم الله الرحمن الرحيم. ما باید ببینیم که وظیفه‌ی شورای نگهبان چیست و چه کار باید بکند. کاری که در این قانون اساسی بر عهده‌ی شورای نگهبان گذاشته شده، آیا تصویب قانون است یا رد آن [قانونی که مغایر شرع و قانون اساسی است]؟ یعنی وقتی قوانینی که در مجلس تصویب شده، به اینجا می‌آید، شورای نگهبان باید [مطابقت آنها را با شرع و قانون] تصویب و تأیید کند، یا اگر آنها را رد کرد، [مصوبه‌ی مجلس] اعتبار قانونی ندارد؟ کدام یک از این دو است؟ نظر من این است که باید رد کند. تا رد نکند، قانون [= مصوبه‌ی مجلس] اعتبار خودش را دارد. از جمله اصولی که این مطلب از آن استفاده می‌شود، اصل (۹۴) قانون اساسی است که می‌گوید: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند، برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.» پس اگر کار ما بخواهد قانونی باشد، بایستی که قانونی را که در آن اشکالی می‌بینیم، رد کنیم. اما آن قانونی که در آن اشکالی نمی‌بینیم، احتیاجی به تأیید و تصویب ما ندارد تا بخواهیم آن را تأیید کنیم و بگوییم به تأیید اکثریت رسید؛ یا بخواهیم آن را

رد کنیم و بگوییم به تأیید اکثریت نرسید، یعنی بنویسیم که این قانون به تأیید اکثریت نرسید و چون به تأیید اکثریت نرسیده است، پس رد شده است. اگر ما در یک قانونی از ناحیه‌ی قانون اساسی یا از ناحیه‌ی شرع اشکالی دیدیم، باید بگوییم این قانون مردود است. نباید این‌طور رد کنیم و بگوییم به تأیید شورای نگهبان نرسید. کار شورای نگهبان این نیست که قانون را تأیید کند. این به حساب آن چیزی است که از این قانون اساسی استفاده می‌کنیم. این یک مطلب.

مطلب دیگر اینکه حالا که می‌خواهیم رد کنیم، باید ببینیم بر چه اساسی و با چه ضابطه‌ای باید رد کنیم. ما از برخی از اصول قانون اساسی می‌فهمیم که قانون اساسی و شرع در این باره یکسان هستند و فرقی بین جهت شرعی و جهت قانونی نیست. یکی اصل (۷۲) است که می‌گوید: «مجلس شورای ملی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی

که در اصل (۹۶) آمده، بر عهده شورای نگهبان است.» یعنی نه می‌تواند حکمی را که مغایر با اسلام است، تصویب بکند و نه می‌تواند حکمی را که مغایر با قانون اساسی است، تقویت کند. اگر مغایر بود، نمی‌تواند تصویب کند و تصویبش اعتبار ندارد. تشخیص این با چه کسی است؟ با شورای نگهبان. و از آنجا که گفته «تشخیص عدم مغایرت»، معلوم می‌شود که میزان «مغایرت» است؛ یعنی مجلس، قانون مغایر را نمی‌تواند تصویب کند، نه اینکه قانونی را که مغایر نیست، می‌تواند تصویب کند. این اصل نمی‌گوید آن قانونی را که مغایر نیست، می‌تواند تصویب کند. می‌گوید قانونی را که مغایر است، نمی‌تواند تصویب کند. بنابراین اگر در آنجا [= اصل (۹۶)] می‌گوید تشخیص عدم مغایرت با شورای نگهبان است، این عدم مغایرت، طریقیست دارد، نه موضوعیت؛ یعنی از این باب. چون این را می‌خواهد بگوید، پس بایستی شورای نگهبان تشخیص بدهد که مغایر است، تا تصویب مجلس شورای اسلامی اعتبار نداشته باشد.

آقای محسن هادوی: اصل (۴) هم گفته است.

آقای رضوانی: اصل (۴) می‌گوید کلیه‌ی قوانین باید بر اساس موازین اسلام باشد. اگر ما بودیم و این اصل و هیچ چیز دیگری بر این حکومت نداشت، می‌گفتیم قانون اساسی موافقت با موازین

اسلام را اعتبار کرده است. اگر هر اصل از اصول بعدی بگوید موافقت با موازین اسلام لزومی ندارد، این بر آن حکومت دارد. این اصل بر اطلاق و عموم سایر اصول حکومت دارد. اما حکومت اصل (۴) بر سایر اصول، حکومت از ناحیه‌ی حکمش [= «لزوم» موافقت با موازین اسلام] است، نه از ناحیه‌ی موضوعش [= «موافقت» با موازین اسلام]. این حکمی که در این اصل آمده، بر تمام احکامی که در اصول دیگر این قانون می‌آید، حکومت دارد. اما اگر یک اصلی پیدا شد که بر موضوع این اصل حکومت کرد، حکومت او معتبر است. و آن اصل (۹۴) است. اصل (۹۴) وقتی بر «انطباق» تصریح می‌کند، ادیگر بر اصل (۴) حکومت دارد. اصل (۴) می‌گوید بر اساس موازین اسلام باشد، ولی اصل (۹۴) دارد انطباق را برای شما معنا می‌کند. می‌گوید شورای نگهبان باید مصوبات مجلس را از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی مدّ نظر قرار بدهد؛ راهش هم این است که اگر قانونی را مغایر شرع و قانون اساسی دید، رد کند

معلوم می‌شود آنجا هم که می‌گوید بر اساس موازین اسلام باشد، یعنی به این شکل؛ نه اینکه آن اصل بر این اصل حکومت داشته باشد. این اصل بر آن اصل نظر موضوعی دارد و با این نظر موضوعی بر آن اصل حکومت دارد و «بر اساس موازین اسلام» را معنا می‌کند.



اسلامی بحث می‌کنند. یک وقت بحث بر سر این است که ما خودمان می‌خواهیم بینیم که مثلاً التّعیّزُ بالحبس صحیح یا التّعیّزُ لابدِّ بآن یكون بالجلد؟ مشهور هر چه می‌خواهد بگوید، [ولی] «اکثریت» را معیار این قرار می‌دهند. یعنی اگر دو نفر با همدیگر تعارض پیدا کردند، تعارض دو نفر با هم است؛ این دو نفر اگر [به لحاظ عدالت و ثقّه بودن] مساوی بودند، قطعاً هر دو ساقط می‌شوند. ولی اگر یکی از آنها اکثریت داشت، یعنی یک شاهد اضافه داشت، مردم دیگر نمی‌توانند مقلد آن یکی شوند. [البته] نمی‌توانیم بگوییم این میزان شرعی است، خصوصاً اینکه معمولاً در شرع، اکثریت رد شده است؛ مگر اینکه بگوییم بعضی‌ها در باب بینه قائل به ترجیح اکثریت شده و گفته‌اند که در خیرین متعارضین، اکثریت بوی اسلامی بودن دارد. اما بسیاری از فقها هم گفته‌اند که در تعارض بینتین، اکثریت معیار نیست. بسیاری از فقها هم گفته‌اند که در تعارض روایتین، اکثریت معیار نیست؛ «تعارضاً، تساقطاً»؛ چهار

آقای صانعی: به نظر بنده غیر از اصل (۴) در بقیه‌ی اصول قانون اساسی، شرع و قانون اساسی یکسان و با هم هماهنگ هستند. هر چه که در قانون اساسی معتبر کردیم، در مورد شرع هم هست. این نظر شخصی من است. ظاهراً در آنجا معیار مغایرت را معتبر کرده است. یعنی آنچه که تا حالا در قانون اساسی مشی می‌کردیم، به این جهت بوده و سرّ اعتبارش این است که به هر حال مجلسی هست و نمایندگان مردمی که با قانون اساسی سر و کار دارند و اصل این است که اینها خلاف قانون اساسی حرف نزنند؛ بنابراین آنجا هم - همان‌طور که تا حالا عمل کرده‌ایم - معیار، «تشخیص مغایرت» بوده است، به حیثی که اگر شش نفر مخالف و شش نفر موافق بودند، قانون سر جایش می‌ماند. نسبت به شرع هم همین‌طور است و آقای رضوانی هم تقریباً همین را گفتند.

بحث بر سر اصل (۴) است و اینکه در این اصل برای شرع یک مزیتی قائل شده‌اند. اما من معتقدم که از یک جهت ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم از این اصل، میزان «انطباق با اسلام» را به دست بیاوریم و از یک جهت می‌توانیم. بنده معتقدم اصل (۴) که می‌گوید باید با موازین اسلام منطبق باشد، معنایش این است که باید میزانی به دست مردم داده شود؛ میزان اسلامی. لیکن فقها دو جور درباره‌ی میزان

شاهد با دو شاهد هیچ فرقی نمی‌کند. حالا که تعارض کردند و ساقط شدند - یعنی در صورت تساوی، که سه نفر از این طرف و سه نفر از آن طرف تعارض کردند و ساقط شدند - این سؤال مطرح می‌شود که حالا اصل، اباحه [= تخییر] است یا نه. و جواب داده‌اند که اصل، اباحه نیست، بلکه در بعضی از جاها اصل، عدم است و این استصحاب عدم جواز حبس دارد؛ منتها آن کسی که می‌گوید حبس «یجوز»، می‌گوید استصحاب از بین رفت و آن کسی که می‌گوید حبس «لا یجوز»، می‌گوید یا استصحاب حاکم است، یا ادله‌ی اولیه و ادله‌ی اجتهادی. این دو با هم تعارض می‌کنند. در مورد قانون اگر فقهای شورای نگهبان سه به سه بودند، خودبه‌خود رد می‌شوند. و بعد از آن این مردم و مسئولان هستند که هر کاری بخواهند، می‌کنند. اگر مسئولان به این نکته توجه کردند که ما مردّدیم، یا سراغ اصالة‌الاباحه و ادله‌ی تعزیر می‌روند، یا سراغ استصحاب. این‌طور نیست که ما بتوانیم برای آنها تعیین تکلیف بکنیم. خود مردم هستند که تشخیص می‌دهند؛ مثل جایی که دو فتوا با همدیگر تعارض پیدا می‌کنند. ساقط آن ... خودش مقید است. حالا اگر کسی غافل شده است، ما دیگر مسئول او نیستیم. [از حکم واقعی] غافل می‌شوند و عمل می‌کنند؛ هر کاری که می‌خواهند، بکنند. بله، اگر معیار و میزان را فتوای مرجع قرار دادیم، کما اینکه

ظاهراً هم همین‌طور است که فتوای مرجع باید میزان باشد، به نظر بنده در این‌گونه موارد که دو نظر با هم تعارض دارند، یکی می‌گوید که من از فتوای تو این را می‌فهمم و آن یکی می‌گوید من هم از فتوای تو این را می‌فهمم. در این‌گونه فهم‌ها باید حکم مرجع مورد نظر خودشان را با جمیع جوانب فقهی بگویند و نظرش را برای مردم تبیین کنند. اما اگر نخواستیم به نظر شخصی او مراجعه کنیم، در نزد قانون نمی‌توانیم بگوییم لَمَّا زاد واحدٌ علی الثلاثة فهو موافقٌ للشرع؛ خوب آن طرف هم همه مجتهد هستند و آنها هم موازین را می‌دانند. این دو نظر متعارضند؛ چگونه این طرف با یک رأی بیشتر، موافق شرع شد؟! همچنین در جایی که سه نفر موافق بودند و دو نفر مخالف و یک نفر هم ممتنع، ما باید حجت پیدا کنیم. خوب، سه نفر بیشتر از دو نفر است. اگر اکثریت حجت است، سه نفر اکثریت دارد و می‌شود حجت شرعی. دو نفر مخالف هستند، یک نفر هم می‌گوید من حکم را نمی‌دانم. یعنی ممتنع است. در طرف دیگر سه نفر موافقند و می‌گویند که ما حکم را می‌دانیم. این سه نفری که می‌گویند ما می‌دانیم، بر اساس استصحاب، حجت برای مردم هستند. کما اینکه شما می‌گفتید که اگر چهار نفر در مقابل دو نفر باشند، آن چهار نفر حجت برای مردم هستند. اما در جایی که دو نفر هستند که یکی‌شان ممتنع

این مملکت وضع می‌شود، دو گونه‌اند یک گونه از آنها قوانینی هستند که ما در شرع در مورد آنها نصوصی داریم؛ حالا یا به صورت کلی یا به صورت جزئی. آن قوانین، قوانینی است که شرعاً درباره‌ی آنها حکمی صادر شده است. در این موارد قانون اساسی می‌گوید که وکلا و نمایندگان مردم حق ندارند قانونی مغایر قانون شرع وضع کنند. وقتی ما یک قانونی داریم، شما چه حقی دارید که بیاید در اینجا بنشینید و بگویید قال رسول الله (ص) فلان، تا ما هم بگوییم نخیر این خلاف است؟! در نظام جمهوری اسلامی هیچ کس حق ندارد برخلاف قرآن و سنت قانون وضع کند. اما مواردی هم داریم که در شرع درباره‌ی آنها نصی نیست و اینها در اختیار حکومت قرار گرفته است. اینجا است که اینها قانون وضع می‌کنند و در این قوانین که وضع می‌کنند، مغایرت با شرع مطرح نمی‌شود. یعنی مخالف شرع نیست؛ چون اینجا نمی‌شود گفت که مطابق شرع است؛ «مطابق» به آن معنایی که نصی داشته باشیم و اینها مطابق با آن نص قانونی گذرانده باشند. در اینجا همین مقدار که مخالف شرع نباشد، یعنی ما در شرع دلیلی بر خلاف آن پیدا نکنیم، مُتَّبِع است. البته یک جایی ممکن است پای اموال و نفوس مردم به میان بیاید که در آنجا دلیل [شرعی] داریم. در این موارد اصلاً نمی‌توانید حکم بر محدودیت مردم کنید، مگر با حکم حاکم، که آن

است، اینجا به هیچ نحو نمی‌توانیم [نظر آنها را] مطابق موازین بگیریم؛ اکثریت را میزان قرار می‌دهیم. ولو اینکه بنده معتقدم که با این معیارها اصلاً اکثریت نمی‌تواند میزان باشد و باز هم قانون، مردم را رها کرده تا خودشان عمل کنند و ما مسئول مردم نیستیم. مردم ادر چنین موقعیتی از حکم شرعی غافل می‌شوند و خوشان عمل خواهند کرد. بنابراین من نتیجه می‌گیرم که اگر کار به رجوع به مرجع استفتاء نرسید، جز اینکه بگذاریم و رد بشویم، [چاره‌ای نیست] و غیر از آن خلاف خواهد بود. برای اینکه ما چگونه می‌توانیم رأی اکثریت را بر مردم تحمیل کنیم و رأی سه نفر [مخالف و ممتنع] را نادیده بگیریم؟! با چه معیاری می‌گوییم این حجت الهی است؟! چون آنها هم برای خودشان دلیل دارند.



آقای مهدوی کنی: من احساس می‌کنم که در قانون اساسی با توجه به اصول مختلف - اصل (۴) و اصول دیگر - منظور این بوده است که قوانینی که در

بحث دیگری است و آنجا هم به عنوان قانون‌گذاری نمی‌توانید حکم کنید.

پس به نظرم می‌رسد که اینها مربوط به مواردی است که ما در شرع حکم نداریم و لذا در اینجا مرتباً بر عدم مغایرت تکیه کرده‌اند. در یک جا کلمه‌ی «انطباق» را به کار برده‌اند، ولی در بقیه‌ی موارد تعبیر «عدم مغایرت» را آورده‌اند. یعنی در این موارد شما باید لحاظ کنید که قوانینی که وضع می‌شود، اگر در آن مواردی است که شرع نظری ندارد، اینها حرفی برخلاف آن موازین نگفته باشند. برای همین بر عدم مغایرت تکیه شده است. حالا اینکه این عدم مغایرت را چه کسی تشخیص بدهد، اصل (۹۶) می‌گوید: «اکثریت فقهای شورای نگهبان». یعنی وقتی قانونی به شورای نگهبان آمده که مخالف با اصول جزئی یا کلی نیست، این عدم مغایرت را اکثریت فقهای شورای نگهبان باید تشخیص بدهند. اکثریت هم یعنی اینکه [دست‌کم] چهار نفر باید بگویند که این مغایر شرع نیست. وگرنه اگر یک نفر از اینها ممتنع باشد، باز منظور اصل (۹۶) تأمین نشده است. حتماً باید چهار نفر از آنها بگویند که ما می‌دانیم که با قوانین اسلامی یا با قانون اساسی - اگر مربوط به قانون اساسی باشد - مغایرتی ندارد. این چهار نفر باید صریحاً عدم مغایرت را بگویند، وگرنه اگر سه نفر بگویند [مغایر نیست]، دو نفر مخالف

باشند و یک نفر هم ممتنع، این معنایش اکثریت فقهای شورای نگهبان نیست؛ برای اینکه قانون اساسی گفته است «تشخیص عدم مغایرت»؛ یعنی باید بگویند مغایر نیست. این‌ها که می‌خواهند بگویند مغایر نیست، باید چهار نفر باشند. اگر سه نفر گفتند مغایر نیست، دو نفر هم گفتند مغایر است و یک نفر هم ممتنع بود، فایده ندارد؛ این نتیجه ندارد و در اینجا هم باز قانون مردود است. یعنی می‌توانند قانون را رد بکنند و بگویند طبق دستوری که در قانون اساسی به ما داده شده، این مورد تأیید ما نیست.

آقای رضوانی: اصل (۹۴) هم ...

آقای مهدوی کنی: اصل (۹۴) هم همین را می‌گوید.

آقای محسن هادوی: اصل (۹۶).

آقای مهدوی کنی: نه، اصل (۹۴) می‌گوید که اگر آن را مغایر دید، رد کند. اینجا می‌گوید «عدم مغایرت». من بر اساس آن زمینه‌ای که در اول چیدم، تکیه دارم که آنچه قانون اساسی بیشتر بر آن تأکید دارد، این است که قانون مغایر وضع نشود. بحث در آن مواردی است که قدری مشکل و مورد مناقشه است. ببینید، یک وقت بحث مربوط به مواردی است که ما در شرع صریحاً چیزی درباره‌ی آن نداریم؛ ما هم نگاه می‌کنیم و می‌بینیم چیزی در این باره نیست و می‌گوییم پس

نمی‌توان این قانون را مسکوت گذاشت. یعنی وظیفه‌ی ما در اینجا مسکوت گذاشتن نیست.



آقای جنتی: من عرضم را به‌طور خلاصه می‌گویم و آن اینکه دو مسئله در گوشه و کنار این قانون هست؛ یکی مسأله‌ی «انطباق» یا «عدم مغایرت» است که گویی قانون در اینجا وظیفه‌ی شورای نگهبان را این قرار داده است که تأیید کنند این مصوبه منطبق است یا مغایر نیست، تا تنفیذ بشود. یک مسئله هم خود «مغایرت» است و اینکه تشخیص مغایرت به عهده‌ی کیست و شورای نگهبان باید مغایرت را تشخیص بدهد تا [مصوبه] رد بشود. این دو تعبیر هست و چیزی که ما باید روی آن فکر کنیم، این است که کدام‌یک مفسر دیگری است. واقع امر این است که یکی اصل است و آن دیگری مفهوم آن است. «انطباق» اصل است و «عدم مغایرت» مفهوم آن. یعنی اگر منطبق نبود، معنایش این است که مغایر است. یا اینکه «مغایرت» اصل برای

این مصوبه مغایر شرع نیست. یعنی نصی نداریم که این مغایر با آن باشد. یک جا هم ممکن است بعضی از ما بگوییم نه آقا، فلان اصل، فلان قاعده یا فلان حدیث مخالف با این است. آنجا که می‌خواهیم بگوییم مغایرت ندارد، تشخیص ما، یعنی وظیفه‌ی ما، این است که بگوییم مغایرت ندارد.

آقای محسن هادوی: چه کسی باید بگوید؟

آقای مهدوی کنی: اکثریت فقها باید بگویند و اکثریت هم حتماً باید چهار نفر باشند و با صراحت و با علم بگویند که مغایر نیست. وگرنه اگر سه نفر بگویند مغایر نیست، دو نفر بگویند مغایر است و یک نفر هم بگوید من ممتنعم، فایده ندارد. یا اگر سه نفر در مقابل سه نفر شوند، فایده‌ای ندارد و باز این قانون آن چیزی که اصل (۹۶) خواسته است، نیست. اصل (۹۶) گفته است که چهار نفر باید بگویند که این قانون مغایر نیست، یا لااقل سکوت کنند. یعنی آنجا که تشخیص دادند مغایر نیست، نباید آن قانون را رد کنند. حداکثر این است که چیزی هم به مجلس نگویند؛ ولی وظیفه‌ی آنها این است که چهار نفر از آنها بگویند این قانون را مغایر با قانون شرع نمی‌بینیم. اگر هم چهار نفر گفتند این قانون مسکوت بماند، درست است؛ اما در صورتی که سه نفر از آنها بگویند،

طرفش این است که اگر خلاف شرع یا قانون اساسی نبود، خودبه‌خود جریان دارد و لازم نیست که من آن را امضا کنم. این یک جهت، که می‌فهمیم اصل کار شورای نگهبان برای این جهت است.

جهت دوم اینکه از نظر انطباق و عدم انطباق و مغایرت و عدم مغایرت، مسأله‌ی شرع و قانون اساسی یکنواخت است و اگر شما آنجا پذیرفتید، اینجا هم باید بپذیرید.

جهت سوم اینکه آنجایی که می‌گویید اگر اینها [= مصوبات مجلس] قانون اساسی را رد [= نقض] نکردند، قابل تنفیذ است، معنایش این است که مصوبات مجلس، که یک عده نماینده نشسته‌اند و با مصلحت‌اندیشی‌هایی که با رعایت همه‌ی جوانب می‌شود، تشخیص داده‌اند که به‌صلاح مملکت است که این کار را بکنند، اگر خلاف شرع باشد، می‌گوییم بیخود تشخیص داده‌اید و صحیح نیست؛ اگر خلاف قانون اساسی باشد، می‌گوییم بیخود تشخیص داده‌اید؛ ولی اگر این احراز نشد، یعنی اگر احراز نشد که خلاف شرع و قانون اساسی است، وقتی آنها مصلحت‌اندیشی‌هایشان را کرده‌اند و به نظرشان این مصلحت بوده است، ما چه دلیلی بر رد آن داریم؟ وجهی برای جلوگیری ندارد. این هم یک جهت.

جهت دیگر اینکه به نظر من این مسأله عین همان مسأله است که ما در مطابقت دادن روایات متعارض با کتاب و

رد باشد و «انطباق» مفهوم آن، یعنی اگر مغایر نبود، [با موازین شرع انطباق دارد و نیازی به امضای شورای نگهبان ندارد]. مسئله این است و من فکر می‌کنم که معیار همان مغایرت است و آنجا که گفته است «انطباق» یا «عدم مغایرت»، به همان عنوان است؛ به چند جهت، که یک جهتش همان است که آقای رضوانی فرمودند و نکته‌ی بسیار خوبی بود.



آقای صافی گلپایگانی: به‌طور کلی بگویید اینکه می‌گویید معیار، مغایرت است، یعنی چه؟

آقای جنتی: یعنی شورای نگهبان را در اینجا گذاشته‌اند تا هر جا که در مصوبات مجلس خلاف می‌بینند، رد کند. همین که شما خودتان هم گاهی تعبیر می‌کردید که ما یک حالت ترمزمانند داریم؛ یعنی ما را برای ترمز گذاشته‌اند، ما گاز نیستیم! شورای نگهبان را برای این گذاشته‌اند که اگر دید مصوبه‌ای خلاف قانون اساسی و خلاف شرع است، آن را رد کند. مفهوم آن

آقای صافی گلپایگانی: اولاً درباره‌ی اینکه ایشان فرمودند این [=مطابقت دادن مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی] مثل آن [=مطابقت دادن روایات متعارض با کتاب و سنت] است، باید گفت که اصلاً این قیاس مع الفارق است. در آنجا قول امام و پیغمبر حجت است، حجت شرعی است. در آنجا وقتی که خودشان می‌فرمایند اگر چیزی مخالف کتاب به دست شما رسید، از ما نیست و ما نگفته‌ایم، اصل بر این است که حرفشان برای ما حجت است. ولی ما در اینجا نمی‌توانیم بگوییم مجلسی که از دوپست نماینده تشکیل شده است که ده نفر از آنها هم یهودی و ارمنی هستند و غالباً هم ممکن است یک نفر فقیه در میان آنها پیدا نشود، [تشخیص داده است که مصلحت این است]. شأن نزول شورای نگهبان این است که این مصوبات کنترل بشود تا شرعی بودن آرای آنها صد درصد معلوم شود. اینکه می‌فرمایید مواردی هست که شرع درباره‌ی آنها نظری ندارد، جوابش این است که هیچ موردی نداریم که شرع درباره‌ی آن نظری نداشته باشد؛ ما تمام موارد ...

آقای مهدوی کنی: مثلاً اینکه در خیابان ماشین از این طرف برود یا از آن طرف، [در کجای شرع آمده است؟]

آقای صافی گلپایگانی: همان ولایت است. آن که هست!


سنت داریم. عین همان است. در روایات دو تعبیر در این باره هست؛ یکی «ما وافق کتاب الله»، است و دیگری «ما خالف کتاب الله». و آنچه در آنجا مسلم است، این است که معیار اصلی، مخالفت با کتاب الله است؛ و گرنه اگر مثلاً گفتند که شک بین دو و سه چه حکمی دارد، یا مثلاً درباره‌ی حبس و امثال اینها پرسیدند، دیگر نیازی نیست که ما چیزی را در کتاب الله بیابیم و بگوییم عموم این، شامل آن هم می‌شود یا اطلاقش شامل آن هم می‌شود و خلاصه، کتاب الله این را امضا و تأیید می‌کند. نه، این «ما وافق کتاب الله» مفهوم همان «ما خالف کتاب الله» است. اصالت با «خلاف کتاب الله بودن» است و بنابراین از ما خواسته‌اند که اگر حدیثی بود که از نظر سند درست و مقدمات حجیتش تمام بود، ولی شما خلاف کتاب الله تشخیص دادید، رد کنید. اگر خلاف تشخیص داده نشد، یعنی در قرآن آیه‌ای معارض با این حدیث پیدا نکردید، آن را قبول کنید. دیگر نیازی نیست به اینکه علاوه بر آن، چیزی هم از کتاب الله بیاورید تا تأییدش کند. در اینجا هم عین همان آمده است. می‌گوید مصوباتی که از مجلس به اینجا می‌آید، اگر مخالف اسلام یا مخالف قانون اساسی بود، رد کنید و اگر مخالف نبود، مفهومش این است که خودبه‌خود تنفیذ می‌شود. با این مقدمه به نظر من می‌رسد که ...


آقای مهدوی کنی: پس مواردی هست که [شرع درباره‌اش چیزی نگفته است] و آن [موارد] مربوط به حاکم است دیگر!

آقای صافی گلپایگانی: مقصودم این است که اصلاً این‌طور نیست که ما نتوانیم [= حکم شرع را تشخیص بدهیم]. این اکثریت و اینکه ایشان می‌فرماید اصل این است که مجلس خودش عمل کند، این چه اصلی است که [بر اساس آن] مجلس خودش به جهت شرعی عمل می‌کند؟! چطور می‌توان پذیرفت که بگوییم اصل این است که [مصوبات مجلس] شرعی است و خودش عمل می‌کند؟! آن هم مجلسی که با رأی یک نفر یهودی، رأی آن تغییر می‌کند! اصلاً نمی‌شود این را گفت. اگر شما درباره‌ی شورای نگهبان دقت بفرمایید، درمی‌یابید که شأن نزولش این است که این مسأله را کاملاً بررسی کند؛ یعنی [مطابقتش با شرع باید] به تصویب اکثریت شورای نگهبان برسد. جناب‌عالی [= آیت‌الله مهدوی کنی] اکثریت را توضیح دادید و ایشان [= آیت‌الله صانعی] هم می‌فرمایند که اکثریت این‌گونه است. البته بعضی مطالبشان هم علمی و خوب بود، ولو اینکه در باب تعارض بینتین، آن‌طور هم که ایشان می‌گویند، نیست. آن‌ها می‌گویند [در جایی که مثلاً چهار نفر از یک طرف و دو نفر از طرف دیگر تعارض می‌کنند،


دو نفر از هر طرف] ساقط می‌شود، بعد آن دو [نفر باقی‌مانده در یک طرف] زنده می‌شوند. مسأله این است که در قانون اساسی صراحت دارد که باید اکثریت باشد و اکثریت هم دارد این‌طور می‌گوید و بر فرض که تمام این مطالبی را که ما می‌گوییم، از این اصل‌های بعدی استفاده نکنیم، می‌بایست اطلاقش را بر اساس اصل (۴) تأیید کنیم [= تخصیص بزنیم]؛ برای اینکه این‌گونه تصویب اکثریت، خلاف شرع است. شرع این را قبول نکرده است. خوب، باید [مطابقت مصوبه با شرع را] تأیید کنید. علاوه بر این، اینکه می‌فرمایید اگر شورای نگهبان حرف نزد، آن‌ها [خودشان عمل می‌کنند]، در همان جا هم همین‌طور است. آنجا هم طبق اصل (۴) باید اطلاقش تأیید شود؛ اعم از اینکه شورای نگهبان مسامحه کرده و جواب نداده باشد، یا اینکه این سکوتشان [به سبب نرسیدن به رأی اکثریت باشد]. آنجا ممکن است بگوییم شورای نگهبان همه اتفاق دارند بر اینکه این قانون خلاف شرع است. همین اصل اینجا را [هم] شامل می‌شود و هیچ مسأله‌ای نیست. این قانون اساسی برای اینکه در چارچوب قوانین اسلام جریان پیدا کند، کاملاً قابلیت و ظرفیت دارد. آنجا هم ما این را درست می‌کنیم و می‌گوییم که این اطلاق دارد. فقط در صورتی که پاسخ ندادن اینها [= اعضای شورا] دلیلی بر موافقتشان باشد، این‌گونه است. ولی


مختصر است و درباره‌ی این است که ما از جهت قانون اساسی بررسی کنیم و ببینیم قانون اساسی چه می‌گوید. قانون اساسی در این باره در سه اصل بحث کرده است؛ یکی اصل (۹۱) است که گفته است «عدم مغایرت». در اصل (۹۴) خلاف آن را گفته است. در اصل (۹۱) گفته است «از نظر عدم مغایرت»، ولی در اصل (۹۴) گفته است «چنانچه آن را مغایر ببیند». باز در اصل (۹۶) گفته است «عدم مغایرت». ما باید ببینیم که قانون اساسی از ما می‌خواهد طبق کدام ماده رفتار کنیم. وقتی که یک چیزی را خود قانون اساسی مشخص کرد، دیگر ما نمی‌توانیم بحث کنیم. قانون اساسی در اصل (۷۲) می‌گوید باید طبق اصل (۹۶) رفتار کنید.


 **آقای رضوانی:** یعنی مغایرت.


 **آقای مهدی هادوی:** عدم مغایرت! گفته است باید طبق اصل (۹۶) تشخیص بدهید و این به نظر من جای بحث و گفت‌وگو ندارد. اصل (۷۲) می‌گوید: «مجلس شورای ملی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل (۹۶) آمده، بر عهده شورای نگهبان است.» پس تشخیص ما باید طبق اصل (۹۶) باشد. آن مواد هرچه می‌گویند، بگویند. یکی می‌گوید مغایرت و دیگری می‌گوید عدم مغایرت؛ اما تشخیص ما


اگر بعد گفتند که نه، در اینجا هم می‌توانیم بگوییم نه. حالا کاری به آنها نداریم. مسأله این است که بر اساس شأن نزول شورای نگهبان ما نمی‌توانیم بگوییم که اصل این است که مجلس درست گفته باشد. این قانون اساسی است و این اسلام و این شورای نگهبان. آقای جنتی، شما چطور می‌فرمایید وقتی که ما حرفی نزدیم، این قانون، قانون خدا است؟!


 **آقای جنتی:** من کجا گفتم قانون خدا است؟ قانون مردمی است که خدا با آن مخالفت نکرده است.

 **آقای صافی گلپایگانی:** خدا کجا گفته قانون مردمی است؟ خدا خودش قانون دارد. ما باید بگوییم قانون خدا. قانون مردمی چیست؟! اصلاً این مسأله ...

 **آقای جنتی:** پس در مجلس شورای اسلامی را ببندیم!

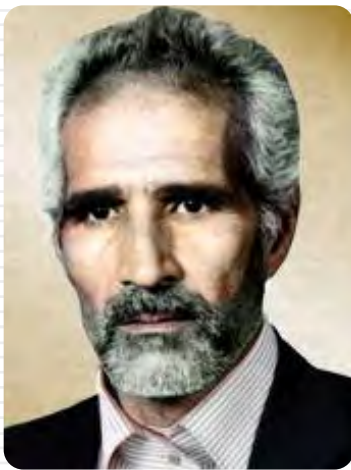
 **آقای صافی گلپایگانی:** نه، همین‌طور که در اینجا گفته است، عمل کنیم.

 **آقای جنتی:** شما تحریرالوسیله را ببینید.

 **آقای مهدوی کنی:** در تحریرالوسیله نوشته است که ماشین چطور در خیابان حرکت کند.

 **آقای مهدی هادوی:** عرض بنده

است که مصوبات مجلس را از نظر انطباق با موازین اسلام مورد بررسی قرار دهد. اولاً «انطباق با موازین» معنایش این نیست که باید برای انطباق آن رأی گرفته شود. انطباق یعنی این دو را می‌گذارد روی هم و با هم مقایسه می‌کند. معنای انطباق، مقایسه است. یعنی از لحاظ مقایسه با موازین اسلام، تا حکمش معلوم شود. به این «انطباق» اصلاً نمی‌شود استناد کرد و گفت چون کلمه‌ی انطباق دارد، ما باید برای انطباق رأی بگیریم. نه، «از نظر انطباق» یعنی از نظر اینکه این را با آن مقایسه کند و ببیند حکم چیست. این از این کلمه. و اما در قسمت بعد تصریح دارد که اگر مغایر دید، برمی‌گرداند؛ با صراحت هر چه تمام‌تر این را می‌گوید. اما به سراغ اصل (۹۶) که می‌آییم، می‌گوید: «تشخیص عدم مغایرت و ... آنچه که در اصل (۹۶) بر آن تأکید شده است ...»



طبق اصل (۹۶) است؛ طبق صراحت قانون اساسی. حالا اصل (۹۶) چه می‌گوید؟

آقای مهدوی کنی: آنجا که گفته‌اند «تشخیص آن»، ضمیر «آن» به کجا برمی‌گردد؟

آقای رضوانی: «تشخیص این امر.»

آقای مهدوی کنی: «این» یعنی چه؟

آقای مهدی هادوی: طبق اصل (۹۶) «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام، با اکثریت فقهای شورای نگهبان است». همین که شما می‌فرمایید؛ به نظر من هم همین است.

آقای آراد: چرا در قانون اساسی رعایت نمی‌شود؟

آقای مهدی هادوی: «عدم مغایرت» [در اینجا] صریح است. اکثریت فقهای شورای نگهبان باید عدم مغایرت را تشخیص بدهد، نه «مغایرت» را.

آقای صالحی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. همان‌طور که ایشان فرمودند و طبق همان استدلالی که ایشان کردند، ما باید ببینیم قانون اساسی خودش از ما خواسته است که مطابق کدام عمل کنیم و ما هم مطابق آن عمل کنیم. اصل (۹۴) دارد خیلی روشن حرف می‌زند و راست و حسینی می‌گوید که شورای نگهبان کارش این

آقای محسن هادوی: اصل (۷۲) ...

آقای صالحی: در اصل (۹۶) تأکید روی چیست؟ می‌خواهد بگوید مرجع امور شرعی، فقها هستند و مرجع قانون اساسی همه‌ی دوازده نفر. در اصل (۹۶) اصلاً این موضوع که شورای نگهبان باید مغایرت را تشخیص بدهد یا عدم مغایرت را، مورد توجه قانون‌گذار نیست. چیزی که مورد توجه است، این است که می‌خواهد بگوید مرجع این قسمت اینها هستند و مرجع آن قسمت آنها.

آقای صافی گلپایگانی: پس این «تشخیص» که در اینجا آمده، لغو است؟!

آقای صالحی: آن چیزی که در این اصل روی آن تکیه شده، این است. ولی اصل (۹۴) دارد ترتیب را معین می‌کند. می‌گوید به این شکل عمل کنید. ما چطور می‌توانیم چیزی را که در اصل (۹۶) تکیه‌گاه نیست، ببریم روی آن اصلی بگذاریم که تمام تکیه‌اش بر این است که می‌خواهد ترتیب کار را معین کند؟ این اصل می‌گوید اگر مغایر دیدید، برگردانید. ما اینجا یک تعبیر «عدم مغایرت» داریم، در حالی که نتیجه‌ی مغایر نبودن، قابل اجرا بودن است. می‌گوید اینکه بتوانیم قانونی را در مملکت اجرا کنیم و بگوییم با قوانین اسلامی و قانون اساسی مغایر نیست، مرجعش در [تشخیص عدم مغایرت با] اسلام، فقهای شورای نگهبان هستند و در [تشخیص عدم مغایرت با] قانون

اساسی، همه‌ی اعضا.

گذشته از آن، مطلبی را من قبلاً عرض کردم و باز می‌خواهم تکرار کنم و آن اینکه اصولاً فرقی بین مغایرت و عدم مغایرت نیست. تشخیص مغایرت و تشخیص عدم مغایرت هر دو یکی است؛ اینکه ما رأی می‌خواهیم و امتناع [مانع تصمیم‌گیری است] معنا ندارد. ما تشخیص می‌خواهیم. اگر هفت رأی برای مغایرت [با قانون اساسی] داشتیم، فَبِهَا وَ نِعْمَ الْمُرَادُ؛ و اگر نداشتیم، تکلیف آن در آخر این اصل [اصل (۹۴)] روشن شده است. می‌گوید: «در غیر این صورت - [یعنی در صورتی که مغایر تشخیص داده نشود] - مصوبه قابل اجرا است». اگر آقایان از لحاظ موازین شرعی اشکال اساسی دارند، مسأله دیگری است؛ ولی آنچه ما از اصول قانون اساسی می‌فهمیم، این است.

آقای صافی گلپایگانی: طبق آنچه آقایان می‌گویند، اگر اکثریت گفتند که ما این را مغایر نمی‌دانیم، یعنی علم به مغایرتش نداریم، و دو نفر گفتند که ما مغایر می‌دانیم، باید بنویسیم که مجلس درست گفته است!

آقای صالحی: چه کسی این را گفته است؟!

آقای صافی گلپایگانی: این چیزی که شما می‌گویید، همین می‌شود.

آقای صالحی: چه کسی گفته

نیست. این را که ما نمی‌توانیم عوض کنیم. معلوم است که به هر حال در آن زمان مسامحه شده است؛ وگرنه باید یکنواخت نوشته می‌شد. اما ما چند مورد داریم که با استناد به آنها می‌توانیم بگوییم آنچه وظیفه‌ی شورای نگهبان است، «تشخیص مغایرت» است: یکی ذیل اصل (۹۴) است که می‌گوید اگر شورا نظری نداد، تصویب‌شده محسوب است. یعنی لازم نیست که ما تأیید کنیم. فقط می‌خواهد که اگر خلاف است، ما رد کنیم. اگر تأیید ما را می‌خواست، دیگر ذیل اصل (۹۴) نمی‌گفت که «در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است».

آقای مهدی هادوی: آن استثنا است. استثنا را ذکر کرده است.

آقای افتخار جهرمی: استثنا نیست، اصل است.

آقای مهدی هادوی: برخلافش است.

آقای افتخار جهرمی: مطلب دوم اینکه هر وقت نظری به یک جایی اعلام می‌شود، در امور شورایی باید نظر اکثریت باشد. نمی‌شود نظر اقلیت را اعلام کرد و گفت که نظر اقلیت این است، شما اجرا کنید! در شورا باید نظر اکثریت اعلام شود. حال اگر عدم مغایرت است، باید نظر اکثریت باشد و اگر مغایرت است، باز باید نظر اکثریت باشد. باید نظر اکثریت

است؟! پس باید در آن شورای نگهبان را تخته کرد! شورای نگهبانی که اکثریت آن بگوید ما نمی‌دانیم، باید درش را تخته کرد. این که شورای نگهبان نیست! شورای نگهبان «نمی‌دانیم»!


آقای مهدوی کنی: حرف آقای صالحی درست است. اگر بنا باشد یک عده کارشناس در اینجا بنشینند و بگویند ما نمی‌دانیم، می‌گویند پس تشریف ببرید! «نمی‌دانم» نداریم. اولاً، شما می‌فرمایید همه جا حکم شرع معین است؛ پس چرا نمی‌دانیم؟ «نمی‌دانیم» نداریم، چون احکام شرع مشخص است.


آقای صافی گلپایگانی: گاهی اوقات موضوع ... اگر سه نفر مغایر دانستند، دو نفر گفتند ما آن را مغایر نمی‌دانیم، و چند نفر هم گفتند ما ممتنعیم ...



آقای افتخار جهرمی: در اینکه در بعضی جاها «مغایرت» گفته شده و در بعضی جاها «عدم مغایرت»، تردیدی

اعلام شود.


آقای صافی گلپایگانی: چه شد؟! 

آقای افتخار جهرمی: یعنی باید 


نظر اکثریت اعلام بشود. نظر اقلیت را نمی‌شود به‌عنوان نظر شورا اعلام کرد.

آقای صافی گلپایگانی: نه، باید 

به اکثریت برسد. اگر [به‌واسطه‌ی آرای ممتنع] به اکثریت نرسید، چه؟

آقای افتخار جهرمی: اگر به 


اکثریت نرسید، نمی‌شود نظر داد. نظر اعلام نمی‌شود.

آقای مهدی هادوی: اصل (۹۶) 


تصریح دارد که اکثریت ...

آقای صافی گلپایگانی: [اکثریت] 


موضوعیت دارد.

آقای افتخار جهرمی: سومین دلیل 

این است که نظری که جناب‌عالی دارید، تالی فاسد دارد و تالی فاسدش این است که در موردی که سه نفر این طرف باشند و سه نفر آن طرف، ممکن است مجلس به‌نحو دیگری تصویب [= اصلاح] بکند و آن سه نفر [که قبلاً معتقد بودند مصوبه خلاف شرع نیست،] بگویند این خلاف شرع است.

آقای صافی گلپایگانی: قانون باید 

جلوی تعارضش را بگیرد.


آقای افتخار جهرمی: نه، فرض 

کنید سه نفر گفتند خلاف شرع است و


مصوبه برگشت به مجلس و مجلس آن را تغییر داد و دوباره به اینجا فرستاد. و این بار آن سه نفر دیگر گفتند خلاف شرع است.

آقای صافی گلپایگانی: ما روی سه 

نفر نگفتیم. ما می‌گوییم ...

آقای افتخار جهرمی: بنابراین، 

نتایجی که به دست می‌آید، نتایجی است که ...

آقای مهدی هادوی کنی: من می‌خواهم 

بگویم که اصلاً در قانون اساسی بحث در موارد منصوص شرعی نیست. بحث در جاهایی است که در شرع چیزی درباره‌ی آنها نیست. مجلس نباید خلاف آن [موارد منصوص] چیزی بگوید. قانون اساسی می‌گوید شما دقت کنید که آنها خلاف آن اصول چیزی تصویب نکرده باشند. اگر هم در جایی شرع حرفی ندارد، پس [مصوبه] مخالف شرع نیست. یعنی نویسندگان قانون اساسی اصلاً انطباق را از ما نخواستند. آن‌ها می‌خواهند بگویند مسلم است که مجلس شورای اسلامی نمی‌آید برخلاف شرع حرف بزند. بحث در مواردی است که در شرع چیزی نداریم؛ یعنی به همان معنایی که من عرض می‌کنم، چیزی نداریم؛ یعنی آنکه به دست حاکم سپرده شده است. مجلس هم به‌عنوان قوه‌ی مقننه‌ی آن حاکم، قوانینی وضع می‌کند. شما دقت کنید که اینها حرف خلافی نزنند.

آقای صافی گلپایگانی: چرا، ما سه نفر، بنده و آقای خزعلی و آقای ربانی شیرازی، امضا کردیم.

آقای مهدوی کنی: نه، آقایان دیگر هم بر اساس مبانی ثانوی می‌گفتند مشکلی ندارد؛ وگرنه بر اساس موازین اولیه کسی تردیدی نداشت که خلاف شرع است. این بحث دیگری است که آقایان معتقدند مجلس حکومت دارد. این یک اختلاف نظری است؛ وگرنه منهای این، آقایان هم هیچ‌وقت در عناوین اولیه چنین حرفی نمی‌زنند.

آقای صافی گلپایگانی: اولاً، این‌گونه که جناب عالی می‌فرمایید و از خارج از اطلاق قانون اساسی [مقید آبه مواردی که شرع درباره‌ی آنها نصی ندارد] می‌کنید، نیست. مجلس قانون‌گذار است. قانون قضا و قانون قصاص را هم که می‌خواستند تصویب کنند، خبرگان [در قانون اساسی] گفته بودند که باید تمام اینها مدون باشد و حالا در همین‌ها هم اختلاف نظر پیدا می‌شود و اینها باید ثابت شود. این مطالبی که می‌فرمایید، هیچ‌کدام با ولایت و اینها درست نمی‌شود. همین قانونی که دیروز امضا کردیم، کجایش نوشته بود ولایت که ما امضا کردیم؟! ضرورت و غیره نوشته بودند. شما همه را می‌گویید بر اساس ولایت بوده است؟ معدن را که از دست مردم می‌گیرید، باید معلوم بشود که ...

آقای صافی گلپایگانی: خب، همین! در همین قانون‌هایی که در این مدت رد شده است، مثل قانون اراضی شهری که بعد هم مجلس آن را تغییر نداد و به اینجا آمدند و همین‌جا بر سر آن اختلاف پیش آمد.

آقای مهدوی کنی: نه، قانون اراضی شهری خلاف شرع است. خلاف موازین اولیه است. بحث این است؛ شکی نبود که آن قانون برخلاف موازین است.

آقای صانعی: در آنجا پای اراضی شهری گیر بود. بر اساس موازین اولیه صد درصد نادرست بود.

آقای مهدوی کنی: بله، برخلاف موازین بود. ببینید، ما در اینجا چیزهایی را که برخلاف موازین شرعی باشد، رد می‌کنیم. در جاهای دیگر همین‌قدر که در شرع دلیلی برخلافش نباشد، ولو به‌اصل کلی و قاعده، کافی است.

آقای صافی گلپایگانی: مجلس رأی برخلاف موازین نمی‌دهد. یا اگر هم رأی داد ...

آقای افتخار جهرمی: اگر [قانون شدن مصوبه‌ی مجلس] تأیید شورای نگهبان را می‌خواهد، چرا اصل (۹۴) می‌گوید اگر [شورای نگهبان] نظر نداد، [مصوبه] خودبه‌خود اجرا می‌شود؟

آقای مهدوی کنی: درباره‌ی قانون اراضی شهری هم آن زمان کسی نمی‌گفت خلاف موازین شرع نیست.

آقای صافی گلپایگانی: شرع ساکت نیست!

آقای مهدوی کنی: ببینید، به این معنایی که عرض کردم؛ یعنی به دست حاکم سپرده شده باشد.

آقای محسن هادوی: خود حاکم هم نمی‌تواند خلاف کند.

آقای مهدوی کنی: یک وقت بحث درباره‌ی اموری است که آنها خیال می‌کنند دست حاکم است و بنابراین قانونی را می‌گذرانند، که ما در اینجا بررسی می‌کنیم و می‌بینیم به حاکم مربوط نیست و جلویش را می‌گیریم. یک وقت هم چیزهایی است که آنها فکر می‌کنند مربوط به حاکم است و بعداً ما هم که بررسی می‌کنیم، می‌بینیم بله، مربوط به حاکم است.

آقای محسن هادوی: ولی حاکم هم نمی‌تواند خلاف شرع انجام دهد.

آقای مهدوی کنی: بله دیگر. پس خلاف شرع نیست؛ یعنی خلاف دستورهای کلی نیست.

آقای صافی گلپایگانی: چیزی که ایشان می‌فرمایند، کمال بی‌لطفی است. الان در دنیا مجلس با این حرف‌ها کنترل نمی‌شود. مجلس برای قانون‌گذاری است ... [۱]. ادامه‌ی مذاکرات این جلسه در دست نیست.

آقای مهدوی هادوی: مجوز شرعی برای گرفتن [داشته باشید].

آقای افتخار جهرمی: بالأخره صحبت به کجا رسید؟

آقای مهدوی کنی: به نظر می‌رسد که اصلاً مجلس در قوانین شرعی [= قوانینی که در مورد آنها مستقیماً نصوص شرعی وجود دارد] اگر هم قانونی بگذرانند، به‌عنوان یک کانال است؛ یعنی به این صورت است که بخواهند یک چیزی را رسمی کنند؛ نه به‌صورت قانونی کردن.

آقای صافی گلپایگانی: این‌ها ممکن است اشتباه کنند!

آقای مهدوی کنی: نه، ما کاری نداریم که اینها هم ممکن است خطا کنند. شما بگویید که ما به مجلس هم باید این را اعلام کنیم که یک بار بحث درباره‌ی مسائلی است که شرع درباره‌ی آن حکم دارد؛ در اینجا شما قانون‌گذار نیستید، بلکه مبین هستید؛ یعنی حداکثر تنظیم‌کننده و تبدیل‌کننده هستید. شما در مسائل عرفی قانون‌گذار هستید و در اینجا هم مقید هستید که خلاف شرع تصویب نکنید. خلاف شرع و خلاف اصول کلی نباید باشد و شورای نگهبان هم در اینجا مراقب است که شما خلاف نکنید. و اگر خلاف کنید، جلوی شما را می‌گیرد. خلاف شرع نباشد، به این معنا است که با آن اصول کلی مخالفت نداشته باشد. اگر هم در یک جایی شرع ساکت است و اینها آمدند چیزی گفتند ...

زمانه؛



تاریخ حقوق اساسی ایران

امنیت، قانون و نظم؛ مأموریت تاریخی شورای انقلاب



دکتر مهدی نورابی
عضو هیات علمی و مدیر گروه صلح مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی (ره)

تشکیل شورای انقلاب اسلامی به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. پس از سالها مبارزه علیه نظام پادشاهی و افزایش اعتراضات مردمی، نظام شاهنشاهی در آستانه سقوط قرار گرفت. در این شرایط، نیاز به یک نهاد مقتدر برای مدیریت انتقال قدرت و ایجاد نظم جدید احساس می‌شد. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب، در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ دستور تشکیل شورای انقلاب را صادر کردند تا این نهاد بتواند در شرایط بحرانی، کشور را هدایت کند و زمینه را برای ایجاد نظام جمهوری اسلامی فراهم نماید. این شورا با حضور شخصیت‌های برجسته مذهبی، سیاسی و انقلابی تشکیل شد تا وظایف اجرایی و قانونگذاری را تا استقرار نهادهای جدید بر عهده بگیرد.



سابقه مبارزاتی، تخصص و اعتماد امام خمینی (ره) انتخاب شده بودند و در دوران فعالیت شورای انقلاب، نقش مهمی در مدیریت کشور و ایجاد نهادهای جدید ایفا کردند. ترکیب شورای انقلاب در طول زمان تغییراتی داشت و برخی از اعضا به دلیل اختلافات یا تغییر مسئولیت‌ها از شورا خارج شدند یا جایگزین شدند.

اهداف شورای انقلاب

هدف اصلی شورای انقلاب اسلامی، که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ تشکیل شد، هدایت و مدیریت انتقال قدرت از نظام پادشاهی به جمهوری اسلامی بود. این شورا به دستور امام خمینی (ره) و با حضور شخصیت‌های برجسته مذهبی، سیاسی و انقلابی تشکیل شد تا در

به منظور تأمین امنیت اعضای شورای انقلاب اسلامی و ممانعت از تعدی نظام پهلوی به آنان، با توجه به تهدیدات امنیتی گسترده خصوصاً در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و ماه‌های ابتدایی بعد از آن، اسامی اعضای این شورا هیچ‌گاه به صورت رسمی و علنی اعلام نشد. با وجود این و به طور کلی می‌توان افراد ذیل را جزو افرادی دانست که به عنوان اعضای شورای انقلاب اسلامی شناخته شدند: سید محمود طالقانی، مرتضی مطهری، سید محمدحسین بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، محمدجواد باهنر، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدرضا مهدوی کنی، سید علی خامنه‌ای، مهدی بازرگان، یدالله سحابی، علی اصغر مسعودی، ولی الله قرنی، احمدصدرحاج سید جوادی، عزت الله سحابی، عباس شیبانی و ابراهیم یزدی. این افراد به دلیل



ثبات و نظم، و بنیان نهادن نظامی جدید بر پایه اصول اسلامی بود. فعالیت‌های این شورا نه تنها به تثبیت نظام جمهوری اسلامی کمک کرد، بلکه پایه‌های قانونی و نهادی آن را نیز بنیان نهاد.

فعالیت‌ها و اقدامات شورای انقلاب

نقش مهمی در مدیریت کشور در دوران انتقالی پس از انقلاب ایفا کرد. این شورا به دستور امام خمینی (ره) و با حضور شخصیت‌های برجسته مذهبی، سیاسی و انقلابی تشکیل شد و وظایف متعددی را در زمینه‌های مختلف بر عهده گرفت.

فعالیت‌های اجرایی

شورای انقلاب در ابتدا مسئولیت سازماندهی نیروهای انقلابی و مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی را بر عهده داشت. در شرایطی که کشور با ناآرامی‌های داخلی و تهدیدات خارجی مواجه بود، شورای انقلاب تلاش کرد تا ثبات و نظم را به کشور بازگرداند. این شورا همچنین در تشکیل دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان نقش کلیدی ایفا کرد و بر عملکرد آن نظارت داشت.

شرایط بحرانی و پرتلاطم پس از انقلاب، ثبات و نظم را به کشور بازگرداند و زمینه را برای ایجاد نظامی جدید بر پایه اصول اسلامی فراهم کند.

یکی از اهداف کلیدی شورای انقلاب، سازماندهی نیروهای انقلابی و مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی بود. در ماه‌های اولیه پس از انقلاب، کشور با چالش‌های متعددی از جمله ناآرامی‌های داخلی، تهدیدات خارجی و خلأ قدرت مواجه بود. شورای انقلاب با تدبیر و برنامه ریزی، تلاش کرد تا این چالش‌ها را مدیریت کند و از فروپاشی نظام جلوگیری نماید.

علاوه بر این، شورای انقلاب وظیفه داشت تا نهاد‌های جدیدی را ایجاد کند که بتوانند بر اساس اصول اسلامی اداره کشور را بر عهده بگیرند. این شامل تشکیل دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان، سازماندهی نیروهای نظامی و امنیتی جدید مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و تدوین قوانین و مقررات جدید بود. شورای انقلاب همچنین نقش مهمی در برگزاری همه پرسی جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی ایفا کرد.

هدف دیگر شورای انقلاب، ایجاد پایه‌های قانونی و نهادی برای نظام جدید بود. این شورا در تدوین پیش نویس قانون اساسی و ایجاد ساختارهای حکومتی جدید نقش کلیدی داشت. با تشکیل مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ و استقرار نهاد‌های قانونی جدید، شورای انقلاب به تدریج فعالیت خود را کاهش داد و در نهایت منحل شد. در مجموع، هدف اصلی شورای انقلاب اسلامی، هدایت کشور در دوران انتقالی پس از انقلاب، ایجاد



فعالیت‌های قانونگذاری

شورای انقلاب وظیفه تدوین قوانین و مقررات جدید را بر عهده داشت. این شورا در تدوین پیش نویس قانون اساسی و ایجاد ساختارهای حکومتی جدید نقش مهمی ایفا کرد. همچنین، شورای انقلاب در برگزاری همه پرسی جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی مشارکت فعال داشت.

فعالیت‌های امنیتی و نظامی

شورای انقلاب در سازماندهی نیروهای نظامی و امنیتی جدید مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی نقش اساسی داشت. این نهادها برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی و حفظ امنیت کشور تشکیل شدند.

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

شورای انقلاب همچنین در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فعالیت‌هایی داشت. این شورا تلاش کرد تا ارزش‌های اسلامی را در جامعه نهادینه کند و به اصلاح ساختارهای فرهنگی و آموزشی کشور بپردازد.

انحلال شورای انقلاب:

با تشکیل مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ و استقرار نهادهای قانونی جدید، شورای انقلاب به تدریج فعالیت خود را کاهش داد و در نهایت منحل شد. با این حال، تأثیرات این شورا در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تدوین قوانین اساسی کشور تا به امروز باقی است.

پاسداران عدالت؛



مروری بر صلاحیت‌های نهادهای دادرس اساسی در جهان

دادگاه قانون اساسی لبنان: ساختار، صلاحیت‌ها، چالش‌ها و نقش آن در نظام حقوقی



تهیه و تنظیم: علی کمالی

نظام حقوقی لبنان به دلیل ساختار پیچیده‌ی طایفه‌ای و مذهبی خود، همواره نیازمند نهادهایی بوده است که بتوانند تعادل بین قوای مختلف حکومتی را حفظ کرده و از حاکمیت قانون اساسی دفاع کنند. در این میان، دادگاه قانون اساسی لبنان به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای قضایی این کشور، نقش کلیدی در تضمین تطابق قوانین با قانون اساسی و حل اختلافات ناشی از انتخابات و سایر مسائل حقوقی ایفا می‌کند. این گزارش به بررسی ساختار، صلاحیت‌ها، چالش‌ها و نقش این نهاد در نظام حقوقی لبنان می‌پردازد.



تاریخچه و شکل‌گیری دادگاه قانون اساسی لبنان

دادگاه قانون اساسی لبنان در سال ۱۹۹۳ و بر اساس قانون شماره ۲۵۰ تأسیس شد. این نهاد به عنوان یک نهاد مستقل قضایی، جایگزین سیستم پیشین نظارت بر قانون اساسی شد که تحت کنترل قوه مجریه بود. تأسیس این نهاد به دنبال نیاز به ایجاد یک مرجع مستقل برای تضمین حاکمیت قانون اساسی و حل اختلافات در یک کشور با ساختار پیچیده‌ی طایفه‌ای بود. پیش از تأسیس دادگاه قانون اساسی، نظارت بر تطابق قوانین با قانون اساسی به عهده‌ی قوه مجریه و به ویژه رئیس‌جمهور بود. با این حال، پس از جنگ داخلی لبنان و در راستای اجرای توافق طائف (۱۹۸۹)، نیاز به ایجاد یک نهاد مستقل قضایی برای نظارت بر قانون اساسی

بیش از پیش احساس شد. این توافق که به پایان جنگ داخلی لبنان کمک کرد، بر ضرورت ایجاد نهادهای دموکراتیک و مستقل تأکید داشت.

ساختار دادگاه قانون اساسی لبنان

دادگاه قانون اساسی لبنان از ده عضو تشکیل شده است که نیمی از آنها توسط مجلس نمایندگان و نیمی دیگر توسط شورای وزیران انتخاب می‌شوند. این ترکیب به گونه‌ای طراحی شده است که تعادل بین گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی در لبنان حفظ شود. اعضای این دادگاه باید دارای شرایط خاصی باشند، از جمله:

- داشتن حداقل ۳۵ سال سن
- داشتن تجربه کافی در زمینه حقوقی، معمولاً به عنوان قاضی، وکیل یا استاد دانشگاه.

عدم وابستگی به احزاب سیاسی یا گروه‌های نظامی.

مدت خدمت اعضای دادگاه قانون اساسی ده سال است و انتخاب مجدد آن‌ها مجاز نیست. این امر به منظور جلوگیری از نفوذ سیاسی و حفظ استقلال قضایی اعضا طراحی شده است.

صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی لبنان

دادگاه قانون اساسی لبنان دارای صلاحیت‌های گسترده‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- نظارت بر تطابق قوانین با قانون اساسی

یکی از اصلی‌ترین وظایف دادگاه قانون اساسی، بررسی تطابق قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی است. در صورت تشخیص عدم تطابق، دادگاه می‌تواند قانون مورد نظر را لغو کند. این صلاحیت به دادگاه اجازه می‌دهد تا از نقض حقوق اساسی شهروندان جلوگیری کرده و تعادل بین قوای مختلف حکومتی را حفظ کند.

۲- حل اختلافات ناشی از انتخابات

دادگاه قانون اساسی مسئول رسیدگی به اختلافات ناشی از انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی است. این شامل بررسی اعتراضات مربوط به صحت انتخابات و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها می‌شود. این صلاحیت به دادگاه اجازه می‌دهد تا سلامت دموکراتیک فرآیندهای انتخاباتی را تضمین کند.

۳- حل اختلافات بین قوای حکومتی

دادگاه قانون اساسی می‌تواند در موارد اختلاف

بین قوای مختلف حکومتی، مانند اختلاف بین مجلس و شورای وزیران، وارد عمل شود و تصمیم نهایی را اتخاذ کند. این صلاحیت به دادگاه اجازه می‌دهد تا به عنوان یک مرجع بی‌طرف، تعادل بین قوای مختلف را حفظ کند.

۴- نظارت بر تطابق تصمیمات اجرایی با قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی همچنین می‌تواند تصمیمات قوه مجریه را از نظر تطابق با قانون اساسی بررسی کند. این شامل بررسی تصمیمات رئیس جمهور، نخست وزیر و سایر مقامات اجرایی می‌شود.

نقش دادگاه قانون اساسی در نظام حقوقی لبنان

دادگاه قانون اساسی لبنان نقش حیاتی در حفظ تعادل بین قوای مختلف حکومتی و تضمین حاکمیت قانون اساسی ایفا می‌کند. این نهاد با نظارت بر تطابق قوانین با قانون اساسی، از نقض حقوق اساسی شهروندان جلوگیری می‌کند. همچنین، با حل اختلافات ناشی از انتخابات، به تضمین سلامت دموکراتیک فرآیندهای انتخاباتی کمک می‌کند.

در کشوری مانند لبنان که دارای ساختار پیچیده‌ی طایفه‌ای و مذهبی است، دادگاه قانون اساسی به عنوان یک نهاد بی‌طرف، می‌تواند به کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی کمک کند. این نهاد با ارائه تفسیرهای روشن از قانون اساسی، به ایجاد ثبات حقوقی و سیاسی در کشور کمک می‌کند.



حاکمیت قانون اساسی و حفظ تعادل بین قوای مختلف حکومتی ایفا می‌کند. این نهاد با نظارت بر تطابق قوانین با قانون اساسی و حل اختلافات ناشی از انتخابات، به ایجاد ثبات حقوقی و سیاسی در کشور کمک می‌کند.

با این حال، برای افزایش کارایی و اعتماد عمومی به این نهاد، نیاز به اصلاحات ساختاری و افزایش شفافیت در فرآیندهای آن وجود دارد. کاهش نفوذ سیاسی در انتخاب اعضا، افزایش دسترسی شهروندان به دادگاه و تقویت استقلال قضایی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود عملکرد این نهاد کمک کند.

در نهایت، دادگاه قانون اساسی لبنان با توجه به ساختار پیچیده‌ی این کشور، همچنان یکی از ارکان مهم در نظام حقوقی لبنان محسوب می‌شود و نقش آن در حفظ دموکراسی و حاکمیت قانون اساسی غیرقابل انکار است.

منبع: کتاب دادرسی اساسی، دکتر مهدی غما می

چالش‌های موجود در نظام حقوق اساسی لبنان

با وجود نقش مهم دادگاه قانون اساسی لبنان، این نهاد با چالش‌ها و انتقاداتی نیز مواجه است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

۱- نفوذ سیاسی در انتخاب اعضا

با وجود تلاش‌ها برای حفظ استقلال دادگاه قانون اساسی، نفوذ سیاسی در انتخاب اعضای این نهاد همچنان یک چالش بزرگ است. انتخاب اعضا توسط مجلس و شورای وزیران می‌تواند منجر به انتخاب افرادی شود که وابستگی‌های سیاسی دارند.

۲- محدودیت در دسترسی شهروندان

برخلاف برخی کشورها که شهروندان می‌توانند مستقیماً به دادگاه قانون اساسی مراجعه کنند، در لبنان این امکان وجود ندارد. تنها مقامات رسمی و نهادهای حکومتی می‌توانند به دادگاه قانون اساسی مراجعه کنند. این محدودیت می‌تواند دسترسی به عدالت را برای شهروندان عادی دشوار کند.

۳- پیچیدگی‌های ناشی از ساختار طایفه‌ای

ساختار طایفه‌ای و مذهبی لبنان می‌تواند بر عملکرد دادگاه قانون اساسی تأثیر بگذارد. در برخی موارد، تصمیمات دادگاه ممکن است تحت تأثیر فشارهای سیاسی و مذهبی قرار گیرد.

دادگاه قانون اساسی لبنان به عنوان یک نهاد مستقل قضایی، نقش حیاتی در تضمین

یاد؛



زندگینامه اعضای شورای نگهبان

آیت‌الله مؤمن؛ شاگرد امام، همراه انقلاب، مدافع قانون



پس از مدتی با سفارش برخی به پدر گرامی‌اش و موافقت پدر، تحصیلات خود را در مدارس اسلامی - ملی آن زمان آغاز و به تحصیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد. در مدت دو سال تا کلاس ششم ابتدایی تحصیل کرد و پس از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند. این عضو فقید شورای نگهبان، در سال ۱۳۳۲ به تحصیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطول» و همه

آیت‌الله مؤمن، در روز پنج شنبه، دهم ذی‌القعدة سال ۱۳۵۶ هجری قمری، برابر با ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی در شهر قم چشم به جهان گشود.

وی تحصیلات خود را در سن هفت سالگی و با آموزش قرآن در مکتب‌خانه‌ای واقع در محله باغ پنبه قم آغاز کرد. پس از آن به مکتب دیگری رفت و در آنجا کتاب نصاب الصبیان و برخی از کتب دیگر را آموخت.

«معالم الاصول» را فرا گرفت و هم زمان، به دلیل تنگی معیشت خانواده، به آموزگاری نیز می‌پرداخت

آیت الله مؤمن «شرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت. «مکاسب» و «رسائل» شیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششمین سال تحصیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شرکت جست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت. در این زمان «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «سفار» را فرا گرفت.

این عالم برجسته جهان تشیع، در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصیل عازم نجف اشرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد. سپس به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۵۲ به تحصیل خود ادامه داد.

وی در دوران تحصیل خود در شهر قم از محضر اساتید برجسته‌ای همچون حاج شیخ محمد واعظ زاده، آیت الله مشکینی، آیت الله شاه آبادی، شیخ ابوالفضل خوانساری، آیت الله سلطانی طباطبایی و آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، کسب فیض کرد.





از آیت‌الله مؤمن کتب ارزشمندی به یادگار مانده که از آن جمله می‌توان به کتاب الولاية الالهيه الاسلاميه او الحكومة الاسلاميه (سه جلد و خلاصه آن در یک جلد) با موضوع ولايت ائمه اطهار و ولايت فقيه و حکومت اسلامی در عصر غیبت، دوره جامع اصول فقه به نام تسدید الاصول، ده رساله فقهی در مباحث جدید و مستحدثه به نام کلمات سدیده فی مسائل الجدیده، حاشیه بر اسفار و شواهد الربوبیه، مبانی تحریر الوسیله امام خمینی (ره) در موضوع حدود و دیات، تقریرات درس اصول، مکاسب محرمه و بیع حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه با حواشی مرحوم آیت‌الله مؤمن بر آن و تقریرات درس مرحوم آیت‌الله محقق داماد با موضوع صلوات همراه با حواشی معظم له اشاره کرد. همراهی آیت‌الله مؤمن با نهضت امام خمینی از همان سال ۴۲ آغاز شد. وی از تشکیل دهندگان هسته اولیه جامعه مدرسین

این عضو مجلس خبرگان رهبری، همچنین در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. چند ماهی نیز در درس خارج فقه آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شد و سپس به درس خارج فقه امام (ره) که در باره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های استنباط فقهی خود را نزد ایشان مستحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیت‌الله العظمی سیدمحمد محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیت‌الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی» بهره برد.

وی از سال ۱۳۶۲ تا پیش از ابتلا به عارضه مغزی به تدریس دروس خارج فقه از جمله بحث معاملات «تحریرالوسیله» حضرت امام خمینی (ره)، کتاب قضا و شهادت و عمده حدود و مسائل مستحدثه پرداخت.

۱۳۵۲، ۲۵ تن از علمای قم تبعید شدند و نام بنده هم در شمار آن ۲۵ نفر بود. تشخیص رژیم این بود که این ۲۵ نفر در مبارزات شاه‌ستیزانه و پیگیری نظرات حضرت امام نقش دارند. لیست این افراد در اسناد ساواک موجود است... مرداد ماه بود و مأموران در اول شب برای دستگیری من به منزل آمدند؛ ولی حضور نداشتیم و به منزل ابوی رفته بودم. در آن مقطع، احمدی ما چهار، پنج ساله بود و به مأموران گفته بود که بابایم به منزل پدر بزرگم رفته است. مأموران به منزل ابوی ما آمدند. اخوی ما در آن ایام طلبه مبتدی



حوزه علمیه قم بود و به دلیل همین فعالیت‌ها در سال ۱۳۵۲ همراه با جمعی دیگر از روحانیون مبارز به تبعید محکوم می‌شود. براساس گزارش‌های تاریخی، در این سال کمیسیون اجتماعی شهر قم ۲۵ نفر از مبارزان انقلابی را به تبعید یا همان اقامت اجباری محکوم می‌کند که نام آیت‌الله مؤمن نیز در بین آن‌ها به چشم می‌خورد.

در نامه ساواک به شهربانی کل کشور با اشاره به مصوبه کمیسیون امنیت اجتماعی شهر قم درباره «روحانیون افراطی و طرفدار [امام] خمینی» چنین آمده است: «افرادی که لیست آنان به پیوست ایفاد می‌گردد از روحانیون اخلاک‌گر و طرفدار [امام] خمینی در شهرستان قم می‌باشند که وضعیت آنان در کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم مطرح و طبق رأی مورخه ۲۲/۵/۵۲ کمیسیون مزبور به سه سال اقامت اجباری در مناطق مختلف کشور محکوم گردیده‌اند. نامبردگان پس از اطلاع از چگونگی موضوع، منطقه را ترک و متواری گردیده‌اند. علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید ترتیبی اتخاذ نمایند تا هرچه زودتر یادشدگان بازداشت و جهت انجام تشریفات لازم و اعزام به محل‌های مورد نظر به قم اعزام گردند و از نتیجه این سازمان را آگاه سازند. ارتشبد نصیری»

طبق این حکم، آیت‌الله مؤمن به گذراندن دوران تبعید در شهید کرم‌ان محکوم شد. آیت‌الله مؤمن خود در کتاب خاطراتش که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است در این رابطه می‌گوید: «در سال

به دروغ شود، منزل ما را نشان داده بود. بعد به من گفت: «داداش! از ساواک آمده بودند و سراغ شما را می‌گرفتند».

در آن حال بنده بالای بام رفتیم. تابستان بود و هوای بام مناسب بود. ابوی گفتند که نباید شب به خانه بروی. در بالای بام بودم که سروصدا شد و مأموران ریختند داخل منزل. به لحاظ اینکه منزل دو در داشت، خیال کرده بودند که من از در دیگر خارج شده‌ام. لذا بالای بام نیامدند. به همین شکل در حال اختفا بودم و از آن حالت نیز استفاده می‌کردم. آقای انصاری شیرازی هم نامش در لیست بود و به دلایلی موقتاً به چنگ مأموران نیفتاد و تنها ۲۳ نفر از آن ۲۵ تن دستگیر و تبعید شدند.

بود و در مدرسه آقای گلپایگانی درس می‌خواند و در منزل پدرم بود. مأموران دم در آمدند و گفتند: «آقای مؤمن منزل هستند؟»

وقتی این مطلب را به من گفتند من پیش خودم حساب کردم که اگر مأموران با من کار داشتند که به منزل خودم مراجعه می‌کردند. تصور کردم با اخوی کار دارند. به ایشان گفتم که دم در برو. وقتی اخوی در را باز کرده بود، دست ایشان را گرفتند و با خود بردند. البته بعداً دیدند که از نظر سنی و نام کوچک، خصوصیات کسی که دنبالش هستید، با اخوی تطبیق نمی‌کند. به ایشان گفته بودند: «اسمت چیست؟» گفته بود: «علی» گفته بودند: «ما محمد را می‌خواهیم». ایشان هم بدون اینکه متوسل





آوردند و ما یک شب با هم بودیم. روز بعد بنده را به شهداد کرمان و ایشان را به کوهدشت تبعید کردند.

محل تبعید بنده «شهداد» کرمان بود. منتها محل تبعید دیگر افرادی را که با هم تبعید شده بودیم، عوض شد. ما حدود هفت ماه در «شهداد» بودیم و بقیه مدت تبعید را که ظاهراً دو سال و خرده‌ای بود در تویسرکان گذرانیدیم. تا روز آخر هم که هجدهم یا نوزدهم فروردین ۵۶ بود، در تبعید به‌سر بردیم و هیچ‌گونه تخفیفی به ما ندادند.»

از مهم‌ترین مسئولیت‌های آیت‌الله مؤمن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به مسئولیت انتخاب و اعزام قضات شرع دادگاه‌های انقلاب در سراسر کشور به دستور حضرت امام خمینی (ره)، ریاست دادگاه عالی انقلاب اسلامی، عضویت در شورای عالی

بنده قدری در اختفا به‌سر بردم و در منزل آقای ابوی گذران می‌کردم. ناچار شدم که مباحثات علمی خارج از منزل را هم تعطیل کنم.

در این حال فرصتی برای بحث اسفار به وجود آمد. شاید روزی دو مباحثه مفصل بر مبنای کتاب اسفار را در منزل انجام می‌دادیم. این وضعیت تا نوروز سال ۱۳۵۳ به طول انجامید. بنده البته گاه به خارج از منزل رفت‌وآمد می‌کردم. چیزی که برای من از آن ایام خشنودکننده است، این است که توانستم مباحثه کتاب اسفار ملاصدرا را به پایان ببرم و وقتی این اتمام صورت گرفت، دیگر باکی از دستگیر شدن نداشتم. همین‌طور هم شد و در هجدهم یا نوزدهم فروردین ۱۳۵۳ سراغ من آمدند. وقتی بنده را به زندان شهربانی منتقل کردند، مشاهده کردم که حاج آقای انصاری را نیز به زندان

رهبر انقلاب اسلامی بیان کرد: "در روزهای نخستین زعامت آیت‌الله خامنه‌ای به منظور مطلع شدن علمای غیرمسئول از دانش فقهی و علمی ایشان، با برخی فضلاء علمی خدمت رهبر انقلاب رسیدند و مباحثه‌های علمی و فقهی بین آنها و رهبر انقلاب شکل گرفته بود و پس از این مباحثات بر همه کسانی که در آن جلسات شرکت کرده بودند، روشن و قطعی شده بود که ایشان در حوزه اجتهاد توانمند هستند و از نظر علمی، شخصیتی بسیار ارزشمند دارند و در تمام ابواب فقه از ملکه اجتهاد برخوردار هستند."

شاید بتوان نقطه عطف زندگی آیت‌الله مؤمن را ایستادگی او در برابر قانون‌شکنان در جریان انتخابات سال ۸۸ دانست.

رهبر انقلاب در جلسه‌ای که با نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری سال ۸۸ داشتند، در واکنش به هجمه‌ها علیه فقهای شورای نگهبان از جمله آیت‌الله مؤمن گفته بودند: "اگر در این نظام نتوان به کسانی مانند آیات مؤمن و آقای جنتی اعتماد کرد، به هیچ فرد دیگری هم نمی‌توان؛ چرا که آنها برای بردن و آوردن کسی، دینشان را از دست نمی‌دهند."

آیت‌الله مؤمن همچنین در مصاحبه‌ای که پس از وفات وی منتشر شد، با بیان اینکه هیچ دلیلی برای ابطال انتخابات در آن زمان وجود نداشت، عنوان کرد: حتی آن زمان نمایندگان نامزدهای انتخاباتی خدمت مقام معظم رهبری رفتند و دلایل و مستندات خود

قضایی، عضویت در شورای نگهبان با حکم حضرت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۶۲ و ابقاء در آن مسئولیت با حکم مقام معظم رهبری تاکنون، مدیریت حوزه علمیه قم و عضویت در شورای عالی سیاستگذاری حوزه علمیه قم از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ و نیز عضویت در دوره چهارم شورای عالی حوزه علمیه قم، نمایندگی در دوره‌های اول و دوم مجلس خبرگان رهبری از طرف مردم سمنان و در دوره سوم، چهارم و پنجم به نمایندگی از مردم قم، ریاست مجمع فقه اهل بیت (ع) اشاره کرد.

اولین حضور آیت‌الله مؤمن در شورای نگهبان نیز که تا سال ۹۷ به طول انجامید، در سال ۶۲ با حکم حضرت امام خمینی بود. امام راحل در ۱۱ تیرماه سال ۶۲ آقای مؤمن را در حکمی به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب کردند: "طبق اصل نود و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورایی تشکیل می‌شود و انتخاب اعضای فقهای آن شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده اینجانب می‌باشد، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می‌نمایم."

آیت‌الله مؤمن، در گفت‌وگویی که در سال ۹۵ داشت، برای اولین بار روایتی از نخستین روزهای زعامت آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان

میت توسط آیت‌الله سبحانی، در حرم حضرت معصومه به‌خاک سپرده شد. رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت بمناسبت درگذشت این عالم برجسته نوشتند: مقام علمی و پرورش شاگردان برجسته در کنار تقوا و اخلاص این عالم بزرگوار و نیز وفاداری و تعهد انقلابی و اجتماعی، شخصیت جامعی از ایشان ساخته بود. سابقه‌ی مبارزاتی ایشان به پیش از انقلاب برمیگردد و خدمات انقلابی ایشان در تمام دوران چهل ساله مستمراً ادامه داشته است و در دوره‌های متعدد و متوالی یکی از ارکان مهم شورای محترم نگهبان بوده‌اند.

را ارائه کردند اما معظم‌له دلایل و مستندات معترضین که خواستار ابطال انتخابات بودند را موجه ندانستند و به هیچ‌عنوان زیر بار این کار نرفتند اما با این حال شورای نگهبان بر حسب وظیفه، به اعتراضات، دلایل و مستنداتی که به این شورا ارجاع داده شده بود، رسیدگی کرد و به آنها پاسخ داد حتی درصدی از صندوق‌های رأی نیز بازشماری شد ولی چیزی مبنی بر تقلب که باید انتخابات باطل شود، اصلاً وجود نداشت.

آیت‌الله مؤمن بعد از عمری تلاش علمی و سیاسی، ۲ اسفند ۱۳۹۷ پس از یک دوره بیماری، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت و بعد از تشییع در قم و اقامه نماز



تازه‌ها



حقوق مالی



کتاب «حقوق مالی» مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است که به بررسی ابعاد حقوقی مسائل مالی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این اثر با تمرکز بر موضوعاتی همچون بودجه، نظارت مالی، مالیات، و پاسخگویی نهادهای مالی، به تحلیل نقش حقوق در تنظیم و مدیریت امور مالی کشور پرداخته و چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با آن را ارائه می‌کند.

کنونی تطبیق یابد. امکان‌سنجی تصویب لایحه بودجه در کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی از دیگر مباحثی است که با نگاهی حقوقی بررسی شده است.

کتاب به بررسی اصل عدم تخصیص در نظام حقوق اساسی ایران نیز پرداخته و با استناد به نظرات و رویه‌های شورای نگهبان، این

یکی از موضوعات اصلی این کتاب، الزامات حقوقی بودجه در مرحله تهیه و تنظیم است که با تأکید بر انطباق با سیاست‌های کلی نظام بررسی شده است. همچنین، مقاله‌ای دیگر به تحلیل مبانی و کارکردهای اصل سالیانه بودن بودجه در شرایط معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه این اصل می‌تواند با نیازهای دوران

مالیاتی پیشنهاد شده است. در همین راستا، بایسته‌های رسیدگی شورای عالی مالیاتی به اعتراض‌های هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی بررسی شده و راهکارهایی برای ارتقای فرآیند رسیدگی ارائه گردیده است.

این کتاب با رویکردی جامع و کاربردی، برای پژوهشگران، قانون‌گذاران، مدیران مالی و علاقه‌مندان به حوزه حقوق مالی و اقتصادی طراحی شده است. اثر حاضر با تأکید بر تحلیل‌های حقوقی و تطبیقی، بستری برای فهم بهتر چالش‌های مالی در نظام حقوقی کشور فراهم کرده و راه‌حلی برای ارتقای شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در امور مالی ارائه می‌دهد.

این کتاب در ۲۱۸ صفحه و با قیمت ۱۳۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان منتشر شده است.

موضوع را تحلیل کرده است. از سوی دیگر، نقش و حدود نظارتی دیوان محاسبات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌طور جامع مورد بررسی قرار گرفته و چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه تحلیل شده است. در همین راستا، مقاله‌ای به صلاحیت دیوان محاسبات کشور در نظارت مالی بر مؤسسات عمومی غیردولتی، با تأکید بر رأی هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری درباره نظارت بر حساب‌های شهرداری‌ها، اختصاص یافته است.

از دیگر محورهای مهم کتاب، نقش دیوان محاسبات در تحقق پاسخگویی و حاکمیت قانون است که با دیدگاه انتقادی آسیب‌شناسی شده و پیشنهادهایی برای بهبود این نقش ارائه شده است. موضوع نابسامانی نظام مالیاتی نیز در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته و با تحلیل مواد ۶۶ و ۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، راهکارهایی برای اصلاح قانون و بهبود نظام



رویه‌های شورای نگهبان



نقد این رویه‌ها تحلیل شده است. مقالاتی درباره رابطه میان تفاسیر شورای نگهبان و رویه قضایی در مسائل مرتبط با اموال عمومی و دولتی نیز به شناخت بهتر این نهاد کمک می‌کنند.

این مجموعه به مسائل اقتصادی و فقهی نیز توجه دارد؛ از جمله تحلیل اقتصادی رویکرد شورای نگهبان در تصویب قانون کار با تمرکز بر آزادی قراردادی، رویکرد فقهای شورا درباره تعارض میان مالکیت خصوصی و منفعت عمومی، و بررسی آرای مرتبط با تصرفات دولت در اموال غیرمنقول اشخاص. علاوه بر این، مقالاتی درباره حقوق ولی دم در پرداخت فاضل دیه، هزینه‌های درمان مازاد بر دیه، و مسئله خسارت تأخیر تأدیه، ابعاد فقهی و حقوقی رویه‌های شورای نگهبان را به‌طور دقیق بررسی می‌کنند. موضوعات مرتبط با خدمت و وظیفه عمومی و معافیت‌های کفالت نیز در چارچوب آرای فقهای شورای نگهبان تحلیل شده است.

کتاب «رویه‌های شورای نگهبان» مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است که به بررسی عمیق نقش، عملکرد و آرای شورای نگهبان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این اثر با تأکید بر جنبه‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی، تلاش دارد تا جایگاه شورای نگهبان را در حوزه نظارت بر قوانین، تطبیق مصوبات با شرع و قانون اساسی، و تفسیر اصول حقوقی بررسی کند. یکی از موضوعات کلیدی این مجموعه، جایگاه التزام به رویه در نظارت بر قانون اساسی در ایران و جهان است که ابعاد نظری و تطبیقی آن مورد بحث قرار گرفته است. مقالات دیگر به تحلیل تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران با استناد به آرای شورای نگهبان و بررسی نسبت میان صلاحیت عام قانون‌گذاری مجلس و فرماندهی کل نیروهای مسلح پرداخته‌اند. نظارت اساسی بر معاهدات بین‌المللی نیز از جمله مباحثی است که با بررسی عملکرد و دیدگاه‌های شورای نگهبان مورد تحلیل قرار گرفته است.

از دیگر مباحث مطرح‌شده در کتاب، بررسی اصل ۷۵ قانون اساسی و تأثیر آن بر مصوبات مجلس شورای اسلامی است که با تمرکز بر دوره‌های اولیه قانون‌گذاری و با استناد به آرای شورای نگهبان انجام شده است.

همچنین، عملکرد شورای نگهبان در نظارت بر تصویب اساسنامه سازمان‌های عمومی و



حقوقی، اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این اثر برای پژوهشگران، اساتید، دانشجویان و سیاست‌گذاران حوزه حقوق اساسی، فقه، و علوم سیاسی منبعی ارزشمند و کاربردی محسوب می‌شود.

این کتاب در ۳۹۴ صفحه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان منتشر شده است.

در بخش دیگری از کتاب، اعتبار حقوقی قوانین و اساسنامه‌های شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی و سازمان برق ایران از منظر شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده نقش این نهاد در تعیین حدود و ضوابط فعالیت نهادهای عمومی و شرکت‌های دولتی است. این کتاب با ارائه دیدگاهی جامع و میان‌رشته‌ای، به دنبال تبیین نقش شورای نگهبان در تنظیم روابط

سیاست خارجی و قانون اساسی



کتاب «سیاست خارجی و قانون اساسی» شامل مجموعه‌ای از مقالات علمی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با تأکید بر اصول قانون اساسی و موازین بین‌المللی بررسی می‌کند.

نویسندگان مقالات تلاش دارند تا تعامل میان ایدئولوژی، موازین شرعی و اصول حقوقی را تحلیل کرده و با ارائه دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای، زمینه‌ای برای فهم بهتر سیاست خارجی ایران فراهم کنند. موضوعات مطرح‌شده در این کتاب به الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس اصول قانون اساسی از جمله استقلال، نفی سلطه‌پذیری و حمایت از مستضعفان می‌پردازد.

این مقالات به نقش قوای سه‌گانه و نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی و شورای

این کتاب همچنین به ماهیت حقوقی برنامه اقدام مشترک (برجام) و چالش‌های آن در چارچوب حاکمیت قانون اساسی ایران پرداخته و با بررسی آرای شورای نگهبان و سازوکارهای نظارتی، روند تصویب موافقت‌نامه‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی را تحلیل کرده است.

این مجموعه برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و دانشجویان علاقه‌مند به موضوعات حقوق اساسی، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی طراحی شده و به دنبال ارائه تحلیل‌های جامع و کاربردی در این حوزه است.

این کتاب در ۲۵۱ صفحه و با قیمت ۱۳۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان منتشر شده است.

عالی‌امنیت ملی در تنظیم سیاست خارجی و نظارت بر معاهدات بین‌المللی توجه داشته و به بررسی چالش‌های حقوقی مرتبط با اثرات معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. در این میان، قواعد فقهی مانند قاعده نفی سبیل و قاعده نبذ به‌عنوان مبانی دینی سیاست خارجی تحلیل شده و نقش آن‌ها در روابط بین‌المللی حکومت اسلامی تبیین شده است.

همچنین، جایگاه نیروهای مسلح در مقابله با تروریسم تکفیری منطقه و تعامل آن با اصول قانون اساسی بررسی شده است. یکی دیگر از موضوعات کلیدی کتاب، تحلیل ایدئولوژی جهان‌وطنی و تأثیر آن بر حقوق بین‌الملل با تمرکز ویژه بر اصل ۱۵۴ قانون اساسی و سیاست حمایت از مستضعفان است.

ریاست جمهوری در قانون اساسی



کرده و تلاش می‌کنند تا تعاریف، مبانی و چالش‌های مربوط به این نهاد را در چارچوب قانون اساسی روشن سازند. یکی از محورهای اساسی کتاب، تحلیل شرط «رجل مذهبی سیاسی» به‌عنوان یکی از شروط انتخاب رئیس‌جمهور است. در این راستا، تعاریف و تفاسیر مصوب شورای نگهبان از مفاهیمی همچون رجل

کتاب «ریاست جمهوری در قانون اساسی» شامل این کتاب مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است که به بررسی جایگاه، اختیارات، و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. مقالات این اثر با رویکردی حقوقی، فقهی و تطبیقی، ابعاد مختلف منصب ریاست جمهوری را تحلیل

این مجموعه با ارائه دیدگاه‌های تحلیلی و تطبیقی، بستری برای فهم بهتر جایگاه رئیس‌جمهور در ساختار حقوقی و سیاسی ایران فراهم می‌کند. مخاطبان اصلی کتاب پژوهشگران، سیاست‌گذاران و دانشجویان حوزه حقوق اساسی و علوم سیاسی هستند که به مطالعه نهادهای حکومتی و سازوکارهای حقوقی جمهوری اسلامی علاقه‌مندند.

این کتاب در ۲۰۶ صفحه و با قیمت ۱۰۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۳ از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان منتشر شده است.



مذهبی‌سیاسی، مدیر و مدبر بررسی شده و معیارهای اجرایی این شروط واکاوی قرار گرفته است. مقاله‌ای دیگر به مبانی اعتبار تصمیمات رئیس‌جمهور پرداخته و این جایگاه را در تعامل با نهادهای ولایت، وکالت و بیعت بررسی کرده است.

از دیگر موضوعات مهم کتاب، نسبت میان صلاحیت‌های اداری و مالی رئیس قوه قضائیه و رئیس‌جمهور در چارچوب قانون اساسی است که به تبیین مرزها و تعاملات میان این دو قوه پرداخته است. همچنین، تفویض اختیار صلاحیت‌های رئیس‌جمهور به معاونان و الزامات حقوقی آن با استناد به نظرهای شورای نگهبان بررسی شده است. کتاب به محدودیت‌های رئیس‌جمهور در وضع مقررات پرداخته و صلاحیت وی در صدور مقررات را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی تحلیل کرده است.

مباحث مرتبط با پاسخگویی و مسئولیت رئیس‌جمهور نیز در این مجموعه جایگاه ویژه‌ای دارد. نویسندگان با بررسی قوانین اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی، نظام تعقیب و دادرسی سیاسی مقامات عالی قوه مجریه را تحلیل کرده‌اند. علاوه بر این، شرایط و آیین استعفای رئیس‌جمهور در قوانین اساسی کشورهای مختلف بررسی شده و الزامات و آثار حقوقی استیضاح و عزل رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی تحلیل گردیده است.



www.ccri.ac.ir